

اصالت مهدویت در اسلام

از دیدگاه اهل تسنن

تألیف: مهدی فقیه ایمانی

اصالت مهدویت در اسلام

از دیدگاه اهل تسنن

تألیف: مهدی فقیه ایمانی

بہمت عالی دانشمند خیر اندیش

آقای محمد جعفر بہبہانیان دامت توفیقاتہ

این کتاب در ۳۰۰۰ نسخه چاپ تا در اختیار محققین و حق جویان

سنی و شیعہ قرار گیرد

مشخصات کتاب

نام	اصالت مہدویت در اسلام از دیدگاہ اہل تسنن
تألیف	مہدی بن محمد باقر فقیہ ایمانی
موضوع	ردّ بر مقالہ پرفسور روحی رئیس دانشگاہ الہیاتیہ ترکیہ
ناشر	مؤلف
چاپ اول	بزبان ترکی استانبولی در ترکیہ
چاپ دوم	چاپخانہ نمونہ قم
تاریخ انتشار	نیمہ شعبان ۱۴۱۸ھ برابر با آذر ماہ ۱۳۷۶
تیراژ	۳۰۰۰
تعداد صفحات	۱۶۸ وزیری
قیمت	۵۰۰ تومان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

من كذب بالمهدى فقد كفر

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود :

کسی که مهدی را دروغ پندارد و تکذیب کند ،

پس بدون شک گرایش به کفر جسته

قال النبي صلى الله عليه وآله :

من انكر خروج المهدي فقد كفر بما انزل على محمد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

کسی که خروج - و قیام جهانی - مهدی را انکار نماید ،

پس محققاً بدانچه - از طرف خدا - بر محمد نازل شده

کفر ورزیده

بسمه تعالی

مهدی منتظر علیه السلام و نخستین مطرح کننده آن در اسلام

با مروری بر مصادر حدیثی، تاریخی، عقیدتی، و تفسیری شیعه و سنی بدین حقیقت پی خواهیم برد که نخستین کسی که موضوع مهدی منتظر و قیام جهانی او را مطرح و ایراد کرد و حتی مشخصات خانوادگی و پدران و اجدادش را آنچنان دقیقاً اعلام نمود که زمینه سوء استفاده مهدی های ادعائی و دروغین را از عنوان «مهدی منتظر» خنثی و منتفی نمود، همانا شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.

آری حضرتش همانند دیگر شئون سرنوشت ساز اسلامی، بر اساس وحی الهی، مسئله مهدویت را پایه گذاری فرمود و نیز با ایراد یک سلسله علائم و نشانه های ظهور و ویژگیهای محلی و تاریخی قیامش، مسلمانان را هشدار داد که هم به موقع منتظر و آماده ظهور و قیام «حضرت مهدی واقعی» باشند.

هم فریب مهدی های دروغین و ساختگی شیطان صفت و ریاست طلب رانخورند، و هم به اباطیل و گفته های خلط مبحث کننده گان حقایق دینی با افکار مغرضین و مستشرقین یهودی و مسیحی ترتیب اثر ندهند. برای این اساس همانطوریکه اشاره شد با مراجعه به مصادر دست اول

۶.....اصالت مهدویت در اسلام

روایتی، تفسیری، کلامی و تاریخی هریک از مذاهب سنی و شیعه شکی نخواهد بود که رسول خدا ﷺ بعد از طرح و ایراد مسائل خدا شناسی، پیامبر شناسی و اصل مسئله امامت و خلافت بعد از خود، بیش از هر مسئله عقیدتی و عملی و اخلاقی روی موضوع آخرین خلیفه «برحق بعد از خود و یگانه مصلح جهانی» یعنی موضوع مهدی منتظر و دوران ولادت و کودکی و از آن پس دوران‌های غیبت صغری، غیبت کبری، ظهور و قیام جهانی و چگونگی حکومتش، تکیه نمود.

بطوریکه بخش مهم و غیر قابل انکاری از احادیث و فرموده‌هایش پیرامون شئون حضرت مهدی موعود منتظر خلاصه شده، و اضافه بر محتوای مصادر فراوان و منابع پیشمار حدیثی و تاریخی و عقیدتی که بخشی از هریک مختص به ذکر احادیث «مهدی منتظر» است،

تنها تعدادی بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب و رساله با حجم‌های مختلف و سبک‌های گوناگون، هریک بیانگر ده‌ها و صدها روایت از رسول خدا (ص) در باره شئون حیاتی، خانوادگی، شکل و شمایل، و مقام امامتی «امام مهدی منتظر می‌باشد، که به قلم علما و دانشمندان روحانی و اساتید دانشگاهی اهل تسنن تنظیم و ارائه شده و بسیاری از آنها هم چاپ و منتشر گردیده و از این پس فهرست اسامی آنها به نظر خواهد رسید، و چه بهتر جهت آگاهی اجمالی به کتابهای زیر مراجعه شود^(۱)

۱-۱ - «مهدی منتظر را بشناسید» تالیف نگارنده این مقاله - مهدی فقیه‌ایمانی - چاپ ۱۳۸۴ هـ اصفهان، بیانگر اسامی و مشخصات حدود چهارصد جلد کتاب و

مهدی منتظر علیه السلام و نخستین مطرح کننده آن در اسلام ۷

براین اساس بطور خلاصه از جمله عقاید حقه اسلامی مورد اتفاق سنی و شیعه، هم عقیده به اصل مهدویت در اسلام است و هم عقیده به امامت و خلافت حضرت مهدی موعود منتظر و قیام جهانی او و برقراری عدل و داد سراسری و امنیت همه جانبه و رفاه همگانی به وسیله او.

در این رابطه از نیمه دوم قرن سوم هجری، (۵ سال قبل از ولادت حضرت مهدی حجة بن الحسن) تا هم اکنون که دهه دوم قرن پانزدهم را طی می‌کنیم بیش از دوهزار جلد کتاب و رساله و مقاله در حد کتاب و رساله به زبان‌های عربی، فارسی، اردو، ترکی استانبولی، تایلندی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر زبانهای مناطق مسلمان نشین بقلم

رساله خطی و چاپی درباره حضرت مهدی عج است.

۲- «کتابنامه امام المهدی» نشریه یکی از مساجد تهران (صندوق پستی ۲۲۲۳، تهران) شامل معرفی ۳۵۵ جلد کتاب می‌باشد که به طور اختصاصی یا ضمنی مربوط به مهدی منتظر و ایراد بعضی شئون آن حضرت است.

۳- «در جستجوی قائم» بیانگر اسامی ۱۸۵۰ جلد کتاب می‌باشد که تعداد ۴۲۹ جلدش بطور اختصاصی و بقیه بطور ضمنی به بحث و بررسی‌های کلامی، حدیثی، تاریخی و غیره درباره حضرت بقیه الله مهدی موعود پرداخته و به قلم ارزشمند آقای سید مجید طباطبائی تنظیم و بسال ۱۳۷۰ هـ ش بعنوان مسجد جمکران قم چاپ و انتشار یافته است.

۴- و از همه پرمایه‌تر «کتابنامه حضرت مهدی عج» از دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی‌پور است ۲ جلد شامل معرفی ۲۰۶۶ جلد کتاب اختصاصی درباره حضرت مهدی که مشخصات چاپی و زبانی و موضوعی هر یک ذکر شده و در بهترین شکل چاپ و منتشر گردیده، و راهگشای محققین و مؤلفین میباشد.

۸.....اصالت مهدویت در اسلام

علما و دانشمندان شیعه و سنی تالیف یا ترجمه شده و به شرح مندرج در کتابنامه‌های نامبرده حداقل نیمی از آنها حتی بطور مکرر چاپ و منتشر گردیده، و بالاخره نه هیچ‌گونه جای خالی برای مطرح گردیدن مدعیان دروغین مهدویت و بابت برجای گذارده، و نه سرنخی برای تشکیک افراد مشکک و شیطان صفت (در اصل مهدویت در اسلام یا در احادیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی پیرامون مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری ع) و نه زمینه‌ای برای خلط مبحث (مستشرقین غربی، یا شرقی‌های غرب زده) مسائل دینی و حقایق اسلامی را با تخیلات و یاوه گوئی.

اما متأسفانه می‌بینیم بعضی افراد نه غربی و مستشرق یهودی یا مسیحی و نه یک مسلمان عادی بی اطلاع از مبادی دینی و نا آشنای با مصادر اصیل اسلامی شیعی و سنی، که یک مسلمان برخوردار از عناوین پرفسوری و استادی از موضع پست ریاست دانشکده الهیات و عقیده شناسی منطقه مسلمان نشین استانبول - با اشراف محلی بر هزاران کتاب خطی و چاپی ویژه مسائل عقیدتی و حدیثی و تاریخی شیعه و سنی از طریق کتابخانه‌های فراوان و پر محتوای ترکیه - از روی بی تفاوتی نسبت به حقایق دینی و واقعیات اسلامی و بطور خلاصه (بر مبنای رهروی راه مستشرقین یهودی و مسیحی نه تنها بیگانه از اسلام که سرسخت‌ترین دشمنان اسلام) احادیث پیرامون حضرت مهدی را با انواع ویژه گی اسلامی و برخوردار از عالیترین درجه اعتبار، در درجه هرچه ضعیف‌تر کمی و کیفی تلقی نموده و از این

مهدی منتظر علیه السلام و نخستین مطرح کننده آن در اسلام ۹

رهگذر عقیده به موضوع مهدی موعود اسلام را به باد مسخره و انکار گرفته و آن را ناشی از الهام گیری از یهود و نصاری و انمود می کند.

یا ناشی از فشارها و محدودیت های سیاسی شیعی در قرون اولیه اسلام از قبیل واقعه کربلا و شهادت امام حسین که آن را - یعنی امر مهدی منتظر را - در رابطه با آن رخدادها اختراع و مطرح کردند.

آری قرن ها قبل از به نمایش درآمدن تعدادی از مستشرقین یهودی و مسیحی شیطان صفت امثال:

- دونالد سن داویت، مؤلف «عقیده الشیعه»، بزبان انگلیسی، (که

ترجمه عربی آن هم در مصر و هم در عراق منتشر گردید) و جهت آگاهی بر دروغ بافی های او چه بهتر مراجعه شود به الغدیر علامه امینی ج ۳ ص ۳۲۰-۳۲۳،

- ولهوسن، مؤلف «الخوارج و الشیعه»،

- فان فلوتن، (۱۸۶۶-۱۹۰۳ م) مستشرق هلندی و مؤلف

«السیادة العربیة و الشیعه و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه»،

- گولدزیهر یهودی، (۱۸۵۰-۱۹۲۱ م) مستشرق فرانسوی مؤلف

«العقیده و الشریعه فی الاسلام»،

- کارل بروکلمان، (۱۸۶۸-۱۹۵۶ م) مستشرق آلمانی و مؤلف

«تاریخ الشعوب الاسلامیه»،

- لوئیس ماسینیون، (۱۸۸۳-۱۹۶۲ م) مستشرق فرانسوی

و مؤلف آثاری از قبیل کتب فوق،

که با بیگانگی همه جانبه از اسلام هر یک موضوع مصلح جهانی

۱۰.....اصالت مهدویت در اسلام

اسلام - یعنی مهدی منتظر عج و احادیث پیرامون شئون حیاتی و امامتی حضرتش را همانند دیگر حقایق اسلامی (مورد تخطئه و تکذیب و خلط مبحث قرار داده و به باد مسخره گرفتند و نیز قبل از سر از آب درآوردن یک عده مسلمان نمای غرب زده و بی‌اعتنای به مبانی دینی و سنت پیامبر (ص) و بدور از عالم حدیث شناسی - امثال:

- شیخ محمد عبده مصری، (۱۲۶۶-۱۳۲۳) مؤلف «شرح نهج البلاغه»!

- رشید رضا مصری (۱۲۹۵-۱۳۵۴) مؤلف «مجله المنار» و «السنة و الشیعه».

- فرید وجدی مصری، (۱۲۹۲-۱۳۷۳) مؤلف «دائرة المعارف القرن العشرين».

- احمد امین مصری، (۱۲۹۵-۱۳۷۳) نویسنده المهدی و المهدویة و «ضحی الاسلام» و «فجر الاسلام».

- سعد محمد حسن مصری، شاگرد احمد امین، نگارنده «المهدیة فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم».

- ابوزهره مصری، از زمره علمای جامع ازهر مصر، مؤلف «الامام زید» و «الامام الصادق».

- دکتر احمد محمد علی، مؤلف «دراسة عن الفرق فی تاریخ المسلمین».

- علی حسین السائح لیبیائی، مؤلف مقاله تراثنا و موازین النقد»

مهدی منتظر علیه السلام و نخستین مطرح کننده آن در اسلام..... ۱۱

مندرج در مجله كلية الدعوة الاسلاميه لیبی شماره ۱۰، سنه ۱۹۹۳
صفحة ۱۸۵ و ۲۰۵.

— محمد عبدالکریم عنّوم، مؤلف رساله دکترای فلسفه به نام

« النظرية السياسية المعاصرة للشيعة الامامية الاثني عشرية ».

— دکتر سلمان بدور، صاحب « مقدمه » بر رساله عنّوم.

— شیخ عبدالله بن زید آل محمود، رئیس شئون دینی و محاکم

شرعی قطر، مؤلف « لامهدی ينتظر بعد الرسول سيد البشر ».

— و شیخ جبهان در « تبديد الظلام » و جز اینها شیخ... و ابو...

ابن خلدون مغربی (در گذشته ۸۰۸)، احادیث پیرامون مهدی

منتظر را در تاریخش (ص ۵۵۵)، فاقد اعتبار کمی و کیفی و انمود کرد و

گفته‌های بی محتوای او برای اکثر مخالفین غربی و شرقی با امر مهدویت

و قیام جهانی مهدی منتظر، سر نخ خلط مبحث و دروغبافی و

انکار حقایق اسلامی گردید، در صورتیکه ابن خلدون یک مورخ

نا آشنای با عالم حدیث و حدیث شناسی بوده و هیچ گونه صلاحیت

اظهار نظر در این موضوع را نداشته که پیشگوئیهای پیامبر اکرم (ص) را

پیرامون مشخصات و ویژه گیهای حضرت مهدی منتظر و قیام جهانی او

در ۱۹ روایت و انمود و تخطئه کند.

همچنانکه حدود سه قرن و نیم پیش از پیدایش ابن خلدون، ابن حزم

اندلسی ظاهری (در گذشته ۴۵۶ هـ) به مخالفت و انکار مسئله مهدویت

و فاقد اعتبار بودن احادیث آن حضرت برخواست، آن چنانکه عده‌ای

از مخالفین با امر مهدویت و ولادت حضرت مهدی نیز از نوشته‌های او

دم از بیراهه روی و تخطئه موضوع مهدویت زدند.

و ابن حزم را کتابی است به نام «الفصل فی الملل و الالهواء و النحل» که بخشی از آن را اختصاص به بحث درباره حضرت مهدی منتظر داده است.

جالب توجه اینکه ردنویسان بر این کتابها و مقالات و شبهه افکنیها، و بازکننده گان مشیت خیانت مؤلفین آنها نه تنها شیعه بودند که حتی قبل از شیعه علمای سنی هم به انگیزه اثبات مهدی منتظر و اثبات صحت و برخورداری احادیث مربوط بدان حضرت از اعتبار هرچه بیشتر عالم حدیث شناسی - بیکار ننشستند، بلکه بهترین و محققانه ترین ردیه ها را بر آنها نوشته و انتشار دادند و از این رهگذر مشیت خرابکاری و بیراهه روی مؤلفین نامبرده را باز و بساط دروغبافی و انکار حقایق پیرامون مهدی منتظر عج را برچیدند، که این جانب با کمبود منابع تحقیقی مربوطه و مشاغل وقت گیر تنها به تعدادی از آنها برخورد نمودم و لازم دانستم آنها را به شرح زیر به نظر خوانندگان حق جو برسانم و آنها بدین قرار است:

ردیه‌های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب‌کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت را

۱- ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون،

ابوالفیض سید احمد بن محمد بن صدیق غماری، شافعی، ازهری،
مغربی، (در گذشته ۱۳۸۰) چاپ مطبعه ترقی دمشق ۱۳۴۷،

۲- ابراز الوهم من کلام ابن حزم،

احمد بن صدیق غماری مؤلف قبل، چاپ ۱۳۴۷ مطبعه ترقی
دمشق،

۳- الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر،

شیخ حمّود بن عبداللّه تویجری، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه،
در رد بر شیخ ابن محمود قاضی قطر در دو جلد، چاپ جلد اول ۱۳۹۴ و
جلد دوم ۱۳۹۶ در ریاض،

۴- الی مشیخة الازهر،

شیخ عبداللّه سبیتی عراقی در رد بر «المهدویة فی الاسلام» سعد
محمد حسن، چ ۱۳۷۵ هـ دارالحدیث بغداد،

۵- تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر،

۱۴.....اصالت مهدویت در اسلام

شیخ محمد عبدالعزیز بن مانع (۱۳۸۵) پیرامون اثبات احادیث حضرت مهدی، و در ردّ گفته‌های ابن خلدون،
ع-الجزم، لفصل ابن حزم،

در ردّ ابن حزم است که بخشی از کتاب «الفصل فی الملل و الاہوا و النحل» او در تخطئه و تکذیب احادیث مهدی منتظر میباشد، و شیخ کاظم حلی (متولد حوالی ۱۳۰۰) آن را در دو جلد ضخیم تنظیم و چاپ نمود. [الذریعه ۵/۱۰۴]،

۷- الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی،

عبدالمحسن العباد، استاد دانشگاه اسلامی مدینه و عضو هیئت تدریسی آن، چاپ مجله دانشگاه شماره ۴۵ ص ۲۹۷ - ۳۲۸ و شماره ۴۶ ص ۳۶۱ - ۳۸۳،

این مقاله یا رساله که بیانگر محققانه‌ترین بحث حدیثی و تاریخی پیرامون مهدویت و قیام مهدی منتظر است در رد بر کتاب «لامهدی ینتظر بعد الرسول» شیخ ابن محمود قطری است و در اصالت مهدویت و قیام مصلح جهانی خلاصه شده، هرچند در امر ولادت حضرت و موضوع حسینی بودن آن بزرگوار مخالف با شیعه و بر خلاف نظر اعترافی بیش از یکصد نفر از علمای سنی می‌باشد که اعتراف به هر دو موضوع نموده‌اند، و این جانب را در این زمینه با او خاطره‌ای است که در کتاب «شناخت امام» آورده‌ام و در اینجا مجال ذکرش نیست،

۸- مع الدکتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه،

محمد امین زین الدین چاپ مطبعه دارالنشر نجف اشرف ۱۳۷۱ هـ

ردیه‌های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر علیه السلام ۱۵

۱۹۵۱م،

۹-المهدی واحمد امین،

محمد علی زهیری نجفی، چاپ اول ۱۳۷۰هـ - ۱۹۵۰ م نجف

اشرف،

این کتاب هم در رد کتاب نامبرده احمد امین مصری است،

۱۰-نقد الحدیث بین الاجتهاد و التقليد

سید محمد رضا حسینی در رد بر علی حسین سائح لیبی، چاپ

دوم قم، ۱۴۱۷هـ،

۱۱-الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون،

ابوالعباس بن عبدالؤمن، مغربی،

۱۲-هدی الغافلین الی الدین المبین،

سید مهدی صالح کشوان قزوینی،

این کتاب در پاسخ به شبهات ابن حزم پیرامون مهدویت حضرت

مهدی خلاصه شده و بسال ۱۳۳۵ از تالیف آن فراغت جسته،

[کتابنامه حضرت مهدی (ع) آقای مهدی پور ۷۷۸/۲]

اکنون می‌گوییم: فرموده‌های پیامبر اکرم (ص) در رابطه با موضوع

نخستین مطرح کننده بودن امر مهدویت در اسلام و عنایت و اهمیتی را

که پیرامون مسئله امامت ارائه داد در دو بخش خلاصه می‌گردد:

بخش اول: ایراد حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة

جاهلیه» و فرازهای مشابه بود که با مطرح کردن آن مرگ هر مسلمان بدون

شناخت «امام زمان» زمانش را تهدید و محکوم به مرگ جاهلی فرمود،

۱۶..... اصالت مهدویت در اسلام

و بطور کلی و قاطعانه امر امام شناسی را سرنوشت سازترین مسائل اسلامی اعلام کرد.

بخش دوم آن: معرفی امامان بعد از خود بود که از جمله مهدی منتظر محمد بن الحسن العسکری را (با تمام مشخصات نسبی و خانوادگی و شکل و شمایل و دیگر ویژه گی های محلی و تاریخی و زخدهای مربوطه به دوران امامتش) به عنوان آخرین خلیفه و امام برحق و یگانه مصلح جهانی بودن معرفی و اعلام فرمود.

بر این اساس با توجه به مقاله پرفسور... که در انکار احادیث پیرامون مهدی منتظر و سرنخ گرفتن عقیده به او از یهود و نصاری خلاصه شده، فهرست وار می پردازیم به ذکر مسائل مربوط به اصالت اسلامی امر مهدی منتظر از دیدگاه اهل تسنن که پرفسور هم خود سنی و ناگزیر از پذیرفتن مصادر مربوطه و تن دادن به اعترافات کتبی صدها نفر از علمای سنی و اساتید و دانشمندان این فرقه می باشد.

برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر علیه السلام از عالی ترین درجه اصالت اسلامی

با مروری کوتاه بر مندرجات تعدادی از کتب اختصاصی امام مهدی منتظر یا کتبی که بخشی از هر یک از آنها بذکر احادیث آن جناب اختصاص یافته، بدین واقعیت پی میبریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم ص احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی منتظر را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل و اشاعه داده‌اند، که ما درین مقاله تنها به ذکر اسامی صحابه مطرح شده در منابع مربوطه اهل تسنن که تعداد آنها متجاوز از چهل نفر است اکتفا نموده، و می‌گوییم نقل همین عده از صحابه احادیث «مهدی منتظر» را، محکم‌ترین دلیل است بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آنها از ناحیه رسول خدا (ص)، و اینکه مسئله مهدویت در اسلام و موضوع مهدی منتظر از عمیق‌ترین مایه اصالت و ریشه اسلامی و از عالی‌ترین درجه اعتبار حدیثی و حدیث شناسی برخوردار بوده، آنچنانکه دیگر زمینه‌ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر و تخطئه احادیث مربوطه فراهم نبوده و نخواهد بود.

اضافه برین پیش از سی نفر از محدثین و حدیث شناسان درجه بالای سنی اعتراف به تواتر احادیث مهدی منتظر نموده که شرحش بنظر میرسد، همچنانکه حداقل بیست و پنج نفر از علمای حدیث شناس سنی اعتراف به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر کرده‌اند و باروی سخن به علما و دانشمندان سنی می‌گوئیم: اگر این همه کتاب و مصادر و منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی، و کلامی که بیانگر حقایق مربوطه است صحیح و برخوردار از اعتبار اسلامی است که دیگر جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند و زمینه‌ای برای ایراد اباطیل مطرح شده و سیله پرفسور... نیست و اگر فاقد اعتبار است و مندرجات آنها دروغ و ساختگی میباشد پس باید با خط سرخ کشیدن روی این کتابها، آنها را از صحنه آثار اسلامی و سنت نبوی خارج و از این پس دیگر مطرح و مورد استناد واقع نشود.

تذکر

نظر به اینکه از قرار اطلاع آقای پرفسور روحی قیفلانی نویسنده کتاب «مذاهب اعتقادی اسلامی در عصر ما» - که متضمن مقاله موضوع بحث تحت عنوان «مهدی!» است^(۱) - سنی حنفی می باشد و معمولاً با شیعه غیر مربوط بلکه طبعاً از تشیع دور و از پیروی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام رویگردان و آن را باطل می داند ما هم در نگارش و تنظیم این مقاله کاری به کار شیعه و استفاده از منابع مربوط به آن نداشته، بلکه سراسر مقاله و صد در صد نقلیات حدیثی و تاریخی و اعترافی آن مبنی بر استفاده از منابع مربوطه و معتبر اهل تسنن است، با ارائه

۱- توضیحاً ترجمه فارسی این مقاله از ترکی استانبولی بوسیله مؤسسه ارزشمند «مجمع جهانی اهل بیت» انجام و در اختیار اینجانب قرار گرفت، و پس از تنظیم این ردیه و تقدیم به مؤسسه فوق آن را به ترکی استانبولی ترجمه نموده و در مجله «پیام اهل بیت» (Ehl - i Beyt mesajl) شماره ۱۵، چاپ ترکیه درج و منتشر گردید.

بدین وسیله از مسؤلان محترم مؤسسه «مجمع جهانی اهل بیت» بویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حسینی مدیریت محترم شعبه قم تشکر نموده و توفیق بیش از پیش ایشان را در نشر آثار اهل بیت از خداوند خواستارم.

آدرس دقیق، تا اگر جناب پرفسور روحی واقعا یک مسلمان سنی است ناگزیر در حداقل هم که باشد به مندرجات مسلم و بدور از دروغ و دروغبافی منابع اهل تسنن و نیز به احادیث متواتر و قطعی الصدور نبوی و مطرح شده در آن کتابها تن در دهد و سر تسلیم فرود آورد و از نوشته‌های خود (مبنی بر سرنخ گرفتن عقیده به مهدی منتظر در اسلام از عقاید یهود و نصاری و نیز انکار احادیث مربوط به مهدی منتظر عج) که غربال شده اباطیل مستشرقین یهودی و مسیحی است عذرخواهی کند، و در راستای مذهب شناسی آن هم در غالب کتاب کلاسیک دانشگاهی آبروی خود را حفظ و آسیب وارده بر آن را ترمیم نماید،

و یا جرأت بخرج دهد و صاف و صریح بگوید: هر چند من مسلمان سنی هستم ولی مصادر و منابع مربوط بدانها را قبول ندارم و باید آنها را در زباله دان تاریخ ریخت تا دیگر مسلمانان تکلیف خود را بهتر بدانند. وگرنه ما با مسلمان نه سنی نه شیعه بلکه بلندگوی مستشرقین و اشاعه دهندة مزخرفات آنها و جیره خوار بیگانگان دشمن اسلام کاری نداشته و نداریم،

اما خواه و ناخواه برای آگاهی خوانندگان کتابهای چنین افرادی و بی بردن به غرض ورزی و خیانت‌های دینی یا اشتباه کاری‌های این گونه نویسندگان، این مقاله را تنظیم و به خوانندگان حقیقت جو تقدیم، تا سیه روی شود هر که دروغش باشد، و ما هم حداقل دین شرعی و انسانی خود را ادا نموده باشیم.

آقای پرفسور روحی نویسنده مقاله «مهدی» اولین سرنخی که ارائه

داده و خواسته است بر اساس آن و با درجا زدن عقیده به مهدی منتظر را باطل و بی اساس وانمود کند، معتقد بودن یهود و نصاری و دیگر فرق غیر اسلامی باشد به مصلح جهانی و انتقام کشنده از ستمگران و خلاصه هر دسته از فرق غیر اسلامی در حال انتظار آمدن او و قیام جهانی اش بسر می برند و بر این اساس وانمود می کند که عقیده به مهدی منتظر و انتظار ظهورش فاقد اصالت اسلامی می باشد و سرنخ گرفته از عقاید یهود و نصاری و بودائی ها و هندی ها است.

در حالیکه با بررسی کوتاهی پیرامون مایه های عقیدتی عموم ادیان و فرق غیر اسلامی از دیدگاه قران و دیگر منابع اسلامی و غیر اسلامی بدین نتیجه می رسیم که مشترکات عقیدتی مسلمانان با دیگر فرق دینی و مذهبی جهان فراوان و در حدّ غیر قابل انکار است، ولی بهیچ عنوانی اشتراک عقیدتی دلیل بر بطلان عقاید اسلامی و پیراهه روی مسلمانان نخواهد بود.

از باب مثال مسلمانان در اصل عقیده به خدا و وجود آفریدگار جهان با یهود و نصاری و حتی بابت پرستان مشترکند، اما در چگونگی و کم و کیف صفات سلبیه و ایجابیه الهی با هم اختلاف دارند. یهود و نصاری برای خدا قائل به فرزندند، ولی مسلمانان به چنین چیزی معتقد نبوده و نیستند.

قران مجید درباره یهود و نصاری فرماید:

﴿ قَالَتِ الْيَهُودُ عِزِيرَ ابْنِ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحَ ابْنَ اللَّهِ ﴾

(توبه، آیه ۳۰)

یهود گویند عزیز پسر خداست و نصاری گویند مسیح پسر خداست.

نیز قرآن فرماید:

﴿ قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ و... ﴾ (مائده، آیه ۱۸)

یهود و نصاری گفته‌اند ما پسران خداوند هستیم...

نیز قرآن مجید فرماید:

﴿ و قَالَتِ الْيَهُودُ يَدَّاللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعْنُوا بِمَا قَالُوا ﴾

(مائده، آیه ۶۴)

یهود گویند: دست خدا مغلول و به زنجیر بسته است. دستهایشان بسته باد و

بخاطر این سخن ملعون و از رحمت الهی دور باشند.

و این در حالی است که مسلمانان عقیده به چنین چیزی - که نشانگر

ضعف خدا و محدودیت قدرت و اختیار اوست - ندارند.

پس بطور خلاصه اگر اشتراک مسلمانان - مخصوصاً شیعه - با

یهود و نصاری در عقیده به مصلح جهانی به نام مهدی منتظر یا دیگر

عناوین دلیل بی اصالت اسلامی بودن عقیده به مهدویت است، نیز

اشتراک مسلمانان با یهود و نصاری در عقیده به خدا و مبدء آفرینش

مستلزم بطلان خدا پرستی و عدم اصالت و ریشه‌داری عقاید توحیدی

است، نستعید بالله.

آری اگر اشتراک در بعضی عقائد حقه دینی بافرقه‌های باطل و

بیراهه رو موجب بطلان و بهانه تخطئه از آن عقاید حقه باشد، پس در

صورتیکه افرادی شیاد، فریبکار و ریاست طلب از عنوان نبوت و شئون

پیغمبری سوء استفاده نموده و دعوای نبوت کردند و حتی هزاران نفر

مردم فریب خور را فریب داده و بیراهه بردند، باید منکر مقام نبوت و موضوع فرستاده خدا شد و تمام دلائل عقلی و نقلی مقام نبوت و معجزات او را به باد مسخره و انکار گرفت.

به دلیل آنکه موضوع نبوت در بین پیروان پیامبران دروغین مطرح است و برخوردار از اصالت نیست، و به قول شاعر این رشته سر دراز دارد که باید با این طرح هرگونه سوء استفاده خائنانه یا جاهلانه - از عناوین و شئون دینی و مقام نبوت، خلافت، امامت، آیات قرآنی، احادیث نبوی و احکام مسلمه اسلام - تلقی به دلیل شود بر بطلان اصل نبوت و خلافت و امامت و بر بطلان اصل آیات و احادیث و احکام مورد سوء استفاده‌های مختلف و باز نستعید بالله.

در پایان شیخ محمد خضر حسین این مطلب را بدین گونه مطرح و پاسخ گفته: که اگر مردم از فهم حدیث نبوی سوء استفاده کردند یا نتوانستند آنطوریکه باید و شاید حدیث را منطبق با هدف اصلی از ایراد آن نمایند، و در نتیجه مفاسدی را به بار آورد، شایسته و سزاوار نیست که این سوء استفاده یا ناتوانی بر انطباق با هدف، داعی به شک در صحت حدیث شود و بهانه برای انکار و تکذیب آن^(۱).

نیز ناصرالدین آلبانی همین موضوع را با دیگر عبارت رد و ایراد نموده که بخاطر اختصار نیازی به ذکر متن آن نباشد^(۲).

۱- نظرة فی احادیث المهدي، مندرج در مجله التمدن الاسلامی، دمشق و نیز مندرج در الامام المهدي عند اهل السنة.

۲- مقال حول المهدي مندرج در دو مصدر فوق.

در پایان این مقال می‌گوییم: و الاسفا به حال یک مسلمان استادِ متخصص «تاریخ مذاهب اسلامی» که با عقائد اسلامی این چنین برخورد عامیانه یا مغرضانه و جسورانه نماید و دین و قلم خود را به باد مسخره گیرد و دست کم تعدادی از شاگردان خود را گمراه نماید که باید در روز حساب پاسخگوی آن باشد.

حدیث

« من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية »

یا

مهمترین انگیزه و عامل عقیده به مقام امامت
یگانه مصلح جهانی امام مهدی منتظر علیه السلام

یکی از علل و اسباب توجه و اهتمام مسلمانان به اصل مسئله امام شناسی بطور عموم و به شناخت ائمه بر حق و واجد شرایط همه جانبه علمی و عملی و اخلاق و تقوایی - از جمله امام مهدی منتظر، محمد بن الحسن العسکری بخصوص، حدیث شریف.

« من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية »^(۱)

و احادیث مشابه و هم مضمون است که بموجب آن سهل انگاری و بی تفاوتی یا سماجت و عصبیت نسبت بشناخت امام زمان واجد شرایط هر زمانی تهدید به مرگ جاهلی و منتهی شدن به حشر و نشر با

۱- توضیحا کتاب «شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی» چ ۱۴۱۲ هـ در ۵۴۶ صفحه وزیری، تالیف نگارنده این مقاله و مشتمل بر بحث و بررسی اسناد و محتوای حدیث فوق است از دیدگاه اهل تسنن.

۲۶..... اصالت مهدویت در اسلام

بت پرستان و مشرکین خواهد شد.

و اکنون می پردازیم به ذکر متن های مختلف این حدیث و از آن پس
به ذکر اسناد آن از دیدگاه اهل تسنن.

بخش اول

- ١- من لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية.
- ٢- من مات بغير امام مات ميتة جاهلية.
- ٣- من مات ليلة وليس في عنقه بيعة امام مات ميتة جاهلية.
- ٤- من مات ولا امام له مات ميتة جاهلية .
- ٥- من مات ولا بيعة عليه مات ميتة جاهلية.
- ٦- من مات ولا طاعة عليه مات ميتة جاهلية.
- ٧- من مات و لم يعرف امام زمانه فليمت ان شاء يهودياً و ان شاء نصرانياً.
- ٨- من مات ولم يعرف امام زمانه ، مات ميتة جاهلية.
- ٩- من مات وليس عليه امام جامع فقد مات ميتة جاهلية.
- ١٠- من مات وليس عليه امام ، فميتته ميتة جاهلية.
- ١١- من مات وليس عليه امام مات ميتة جاهلية.
- ١٢- من مات و ليس (ليست) عليه طاعة مات ميتة جاهلية.
- ١٣- من مات و ليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية .
- ١٤- من مات و ليس لامام جماعة عليه طاعة مات ميتة جاهلية.
- ١٥- من مات وليس له امام فميتته ميتة جاهلية.

بخش دوّم

- ١- ليس احد يفارق الجماعة شبراً فيموت، الامات ميتة جاهلية.
- ٢- من خالف المسلمين قيد شبر ثم مات، مات ميتة جاهلية.
- ٣- من خرج عن الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات ميتة جاهلية.
- ٤- من خرج من الجماعة قيد شبر، فقد خلع ربقة الاسلام من رأسه
- ٥- من خرج من السلطان شبرا، مات ميتة جاهلية.
- ٦- من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فميتته جاهلية.
- ٧- من خرج من الطاعة و فارق الجماعة...فليس منى ولست منه.
- ٨- من خلعها بعد عهدها، لقي الله ولا حجة له.
- ٩- من خلع يداً من طاعة، لقي الله يوم القيامة لا حجة له.
- ١٠- من خلع يدا من طاعة مات ميتة جاهلية.
- ١١- من فارق الجماعة او خلع يدا من طاعة، مات ميتة جاهلية.
- ١٢- من فارق الجماعة شبرا فمات، فميتته جاهلية.
- ١٣- من قتل تحت راية عمية تدعوا عصبية او ينصر عصبية فقتله (قتلة) جاهلية.
- ١٤- من مات تحت راية عصبية، فقتلته قتلة جاهلية.
- ١٥- من مات على غير طاعة مات لا حجة له.
- ١٦- من مات و هو مفارق للجماعة، مات ميتة جاهلية.
- ١٧- من نزع يداً من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية.
- ١٨- من نزع يداً من طاعة، جاء يوم القيامة لا حجة له.

مصادر حدیث «من مات ولم یعرف امام زمانه» و احادیث مشابهه ۲۹

اما متون تفصیلی مقرون به ذکر مصادر نقل و راوی و ناقل هر یک از مجموع احادیث، پس از آنرو که روی سخن ما در بحث و بررسی این حدیث بیشتر و قبل از همه با اهل تسنن است، تنها به ذکر ناقلان از این فرقه و مصادر اختصاصی آنها بسنده میکنیم.

در پایان اینمقال کافی است بدانیم تنها علامه مجلسی از بزرگان علما و مراجع حدیثی و حدیث شناسی شیعه، این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه آورده است^(۱).

و اینک میپردازیم به ذکر قسمتی از اسناد حدیث و راویان و ناقلان از اهل تسنن.

۱ - «مسند» ابوداود سلیمان بن داود طیالسی در گذشته (۲۰۴) از عبد الله بن عمر بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية، و من نزع يداً من طاعة جاء يوم القيامة لاحجة له» نیز رجوع شود به کنز العمال.

۲ - «مصنف» یا «جامع کبیر در حدیث» حافظ عبد الرزاق بن همام صغانی یمنی در گذشته (۲۱۱) چاپ مجلس علمی پاکستان، ج ۱۱ ص ۳۳۰ بشماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: «من فارق الجماعة شرافات مات ميتة جاهلية».

۳ - «سنن» سعید بن منصور خراسانی در گذشته (۲۲۷) از عامر بن ربیع صحابی بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات ميتة جاهلية»^(۲) به

۱ - بحار الانوار ۷۶/۲۳ - ۹۵ چاپ دوم، و درج امین الضرب قدیم ۱۶/۷ - ۲۰

۲ - توضیح بخشی از این کتاب به عنوان جزء اول و دوم از جلد سوم در سال ۱۴۰۳ بتحقیق حبیب الرحمان اعظمی و وسیله دار السلفیه هند بچاپ رسیده، ولی موقع تنظیم این رساله در دسترس نگارنده نبود تا بدان مراجعه و بلاواسطه از آن نقل شود.

۳۰.....اصالت مهدویت در اسلام

نقل کنز العمال.

۴ - «مسند» حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری درگذشته (۲۳۰) ۲/۸۵۰ شماره ۲۳۷۵ چاپ کویت، از عبد الله بن عامر از پدرش عامر بن ربیع، بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة، و من خلعتها بعد عقدها اياها لقی الله ولا حجة له.»

۵ - «طبقات الكبرى» محمد بن سعد کاتب واقدی درگذشته (۲۳۰) ج ۵ ص ۱۰۷ چاپ لیدن و ص ۱۴۴ چاپ بیروت، ذیل شرح حال عبد الله بن مطیع بلفظ: «من مات و لایبعة علیه مات میتة جاهلیة» به روایت از عبد الله بن عمر. نیز مراجعه شود به کنز العمال ۱/۱۰۳ شماره ۴۶۳.

۶ - «مصنف» حافظ ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبد الله بن محمد، درگذشته (۲۳۴) ج ۱۵ ص ۲۴ شماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: «من فارق الجماعة شراً مات میتة جاهلیة.»

و ص ۳۸ شماره ۱۹۰۴۷ از عبد الله بن عامر از پدرش بلفظ: «من مات ولا طاعة علیه مات میتة جاهلیة، و من خلعتها بعد عقده اياها فلاحجة له» و نیز بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة، مات میتة جاهلیة»

و ص ۵۲ شماره ۱۹۰۹۰ بلفظ: «من ترک الطاعة و فارق الجماعة فات، فیتة جاهلیة، و من خرج تحت رایة عمیة یغضب لعصیة او ینصر عصبة او یدعوا الی عصبة، فقتل فقتله جاهلیة.»

نیز مراجعه شود به کنز العمال (۶/۶۵ شماره ۱۴۸۶۱).

۷ - «المعیار والموازنة» علامه متکلم ابوجعفر اسکافی درگذشته (۲۴۰) ص ۲۴ بلفظ: «من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة» از عبد الله بن عامر

مصادر حدیث «من مات ولم یعرف امام زمانه» واحادیث مشابهه ۳۱

۸- «نقض العثمانیة» نیز از اسکافی ص ۱۱- ۱۲ و به نقل ابن

ابی الحدید ۱۳ / ۲۴۲ بلفظ فوق.

۹- «مسند» احمد بن حنبل در گذشته (۲۴۱) ج ۲ ص ۸۳ و ۱۵۴

بلفظ: «من مات و هو مفارق للجماعة مات ميتة جاهلية» و ص ۱۱۱ بلفظ:

«من مات و قد نزع يده من بيعة كانت ميتة ضلال» از ابن عمر، و

ص ۲۹۶ بلفظ: «من خرج من طاعة و فارق الجماعة مات ميتة جاهلية» از

ابوهریره.

و ج ۳ ص ۴۴۶ بخش مسند عامر بن ربیع بلفظ: «من مات و لیست

علیه طاعة مات ميتة جاهلية» به روایت از نامبرده

و ج ۴ ص ۹۶ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» از معاویة بن

ابی سفیان.

۱۰- «الاموال» حمید بن زنجویه در گذشته (۲۵۱) ج ۱ ص ۸۱

بشماره ۴۰ چاپ ریاض از ابوهریره بلفظ: «من خرج من الطاعة او فارق

الجماعة فمات ، فمیتة جاهلية»

و ص ۸۲ بشماره ۴۲ بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات ميتة

جاهلية، و ان خلعها بعد عقدها في عنقه لقي الله و لیست له حجة» از عبدالله بن

عامر بن ربیع از پدرش و شماره ۴۳ از ابن عمر (در حالیکه روی سخنش

به ابن مطیع - والی مدینه از طرف عبد الله بن زبیر بهنگام قتل عام مردم آن

بدست بسر بن ارتاط از جانب یزید - بود گفت: آمده ام آنچه از رسول خدا

شنیده ام به تو خبر دهم که فرمود): «من مات علی غیر طاعة مات لاجحة له

ومن مات قد نزع يدا من بيعة كان علی الضلال» .

۳۲.....اصالت مهدویت در اسلام

وناگفته پیدا است که عبد الله بن عمر با انجام این ملاقات میخواست از این حدیث به نفع یزید (که مردم مدینه و از جمله بعضی از صحابه رسول الله (ص) او را از خلافت خلع کرده بودند) سوء استفاده کند، فحشره الله مع یزید بن معاویه و جده و ایبه.

۱۱ - «سنن» امام عبد الله بن عبد الرحمن تمیمی سمرقندی دارمی در گذشته (۲۵۵) ج ۲ ص ۲۴۱ بلفظ: «لیس من احد یفارق الجماعة شبراً فی موت، الامات مיתה جاهلیة» از ابن عباس.

۱۲ - «صحیح» محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته (۲۵۶) ج ۲ ص ۱۳ و در چاپ دیگر مصر ج ۹ ص ۵۹ باب فتن از ابن عباس بلفظ: «من خرج من السلطان شبراً مات مיתה جاهلیة» و بلفظ: «من فارق الجماعة شبراً فمات (الامات خ) مיתה جاهلیة».

۱۳ - نیز «تاریخ الکبری» بخاری ۶ / ۴۴۵ شماره ۲۹۴۳ از عامر بن ربیع از پدرش بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة مات مיתה جاهلیة» و در ج ۴ ص ۵۴ شماره ۱۹۳۸ بلفظ: «من فارق الجماعة قید شبر فقد فارق الاسلام».

۱۴ - «صحیح» مسلم در گذشته (۲۶۱) ج ۶ ص ۲۱ - ۲۲ شماره ۱۴۸۹ بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة مات مיתה جاهلیة» از عبد الله بن عمر و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات، مات مיתה جاهلیة» و نیز «من فارق الجماعة شبراً فمات فمیتته جاهلیة».

و در ج ۸ ص ۱۰۷ بلفظ: «من لم یعرف امام زمانه فمات مיתה جاهلیة» (ملحقات الاحقاق ۱۳ / ۸۵)

۱۵ - «العلل الواردة فی الاحادیث» ابوالحسن علی بن عمر بن احمد

مصادر حديث «من مات ولم يعرف امام زمانه» واحاديث مشابهه ۳۳
بن مهدي بغدادی دارقطنی شافعی (۳۰۵ / ۳۰۶) ج ۷ ص ۶۳ بلفظ:
«من مات لغير امام مات ميتة جاهلية» به سه سند از معاويه و دو سند از
ابوهريره.

۱۶ - «زوائد» احمد بن عمر بزار در گذشته (۳۲۰) ج ۱ ص ۱۴۴ و
ج ۲ ص ۱۴۳ بلفظ: «من مات و ليس عليه امام فميتة ميتة جاهلية، و من مات
تحت راية عصبية، فقتلته قتلة جاهلية».

۱۷ - «الكنى والاسماء» حافظ دولابی در گذشته (۳۲۰) ج ۲ ص ۳
چاپ دائرة المعارف حيدرآباد دکن بلفظ: «من مات و ليس عليه امام جامع
فقد مات ميتة جاهلية، و من خرج من الجماعة فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه» از
ابن عمر.

۱۸ - «عقد الفريد» ابو عمر، احمد بن محمد بن عبدربه اندلسی
در گذشته (۳۲۷) ج ۱ ص ۹ سطر ۱۲ بلفظ: «من فارق الجماعة او خلع يدا من
طاعة، مات ميتة جاهلية».

۱۹ - «صحيح ابن حبان»، ابو حاتم محمد بن حبان تميمي، بستی
شافعی در گذشته (۳۵۴) به شرح «احسان بقرتيب صحيح ابن حبان»
شماره ۴۴ بلفظ: «من مات و ليس له امام مات ميتة جاهلية».

۲۰ - «كتاب المجروحين» نیز از ابو حاتم ج ۱ ص ۲۸۰ بلفظ: «من
فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه،
و من مات و ليس عليه امام فميتة ميتة جاهلية،

و من مات تحت راية عمية يدعوا الى عصبية او ينصر فقتله جاهلية» به

روایت از ابن عباس

۳۴.....اصالت مهدویت در اسلام

۲۱ - «معجم الكبير» حافظ ابوالقاسم طبرانی در گذشته (۳۶۰) ج ۱۰ ص ۳۵۰ حدیث ۱۰۶۸۷ (شماره مسلسل) بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه و من مات وليس عليه امام فيته جاهلية و من مات تحت راية عميه يدعو الى عصية او ينصر عصية فقتله جاهلية» به روایت از ابن عباس.

وج ۱۹ ص ۳۸۸ شماره ۹۱۰ چاپ بغداد بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» به روایت معاویه، و به لفظ «من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية» از عامر بن ربيعة (نیز رجوع شود به كنز العمال ج ۶ ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱).

۲۲ - «معجم اوسط» نیز از طبرانی ج ۱ ص ۱۷۵ شماره ۲۲۷ بلفظ: «من مات و لا بيعة عليه مات ميتة جاهلية» و باديگر الفاظ مختلف ذیل کتاب «مجمع الزوائد» بیاید.

۲۳ - «الكامل في ضعفاء الرجال» ابو احمد عبد الله بن محمد، معروف به ابن عدی جرجانی در گذشته (۳۶۵) ج ۵ ص ۱۸۶۹ بلفظ: «من مات وليس عليه طاعة، مات ميتة جاهلية» به روایت عامر بن ربيعة.

۲۴ - «مستدرک الصحيحين» حاکم نیشابوری در گذشته (۴۰۵) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ از ابن عمر بلفظ: «من مات وليس عليه امام جماعة فان موته موة جاهلية».

۲۵ - «المغنی» قاضی القضاة معتزلی، عبد الجبار بن احمد همدانی اسدآبادی در گذشته (۴۱۵) جزء متمم عشرين ج ۱ ص ۱۱۶ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية».

مصادر حدیث «من مات ولم یعرف امام زمانه» واحادیث مشابهه ۳۵

۲۶ - «ندیم الفرید» علامه محقق ابوعلی، احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه - که اصلش ازری و مقیم و درگذشته اصفهان بسال (۴۲۱) بوده است بلفظ: «من مات لیلۃ و لیس فی عنقه بیعة امام فقد مات میتة جاهلیة» (۱)

۲۷ - «حلیة الاولیاء» حافظ ابونعیم اصفهانی درگذشته (۴۳۰) ج ۳ ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات بغير امام فقد مات میتة جاهلیة و من نزع یدہ من طاعة (یدا من طاعة الله) جاء يوم القيامة لاحجة له» به روایت از طیالسی. و اضافه کرده است: این حدیث ثابت و مسلم بوده، مسلم در حدیث خود آنرا از زید روایت نموده و گفته است: تابعین و اعلام آنرا از زید نقل کرده اند.

سپس هشت نفر از تابعین را نام برده که این حدیث را روایت نموده اند.
۲۸ - «المنتقى فی الاخبار» مکی بن ابیطالب حموش بن محمد بن مختار اندلسی درگذشته (۴۳۷) به شرحی که در «نیل الاوطار فی شرح منتقى الاخبار» تحت شماره ۶۶ بیاید

۲۹ - «سنن بیهقی» درگذشته (۴۵۸) ج ۸ ص ۱۵۶ - ۱۵۷ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة»

و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، مات میتة جاهلیة» و نقل از بخاری و مسلم.

۱- به نقل سید بن طاووس در «طرائف» ص ۲۱۰ ضمن شماره ۳۰۵، و «ندیم الفرید» بعنوان «ندیم الاحباب و جلس اصحاب» نسخه خطی آن در کتابخانه مغنیا از بلاد ترکیه بشماره (۱۲۱۰) موجود است. (اعلام زرکلی ۲۱۲/۱)

۳۶.....اصالت مهدویت در اسلام

۳۰- «شعب الایمان» نیز از بیهقی، به شرح مختصر آن که تحت شماره ۴۵ بیاید.

۳۱- «المتفق و المفترق» ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی در گذشته (۴۶۳) بلفظ: «من نزع یداً من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية، و من خلعهها بعد عهدھا لقی الله و لا حجة له» از ابن عمر (کنز العمال ۶/۶ شماره ۱۴۸۶۵)

۳۲- «جمع بین صحیحین - بخاری و مسلم -» محمد بن فتوح حمیدی در گذشته (۴۸۸) بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية»

(به نقل احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری در اوائل بحث امامت، نیز آیت الله مرعشی در پاورقی احقاق ج ۲ ص ۳۰۶ بواسطه کنز العمال (۱/۱۸۶ چاپ حیدرآباد) آنرا نقل نموده، اما روایت با کمی اختلاف در عبارت بدون نام حمیدی ذکر شده)

۳۳- «شرح المبسوط فی الفقه» شمس الدین سرخسی (در گذشته ۴۹۰).

۳۴- «شرح السیر الکبیر شیبانی» نیز از سرخسی ج ۱ ص ۱۱۳ چاپ حیدرآباد ۶-۱۳۳۵.

نیز ج ۱ ص ۱۶۷ چاپ ۱۹۷۱ م قاهره بلفظ: «من اتاه من امیره ما یکرهه فلیصبر، فانّ من خالف المسلمین قید شبر، ثم مات، مات ميتة جاهلية»

۳۵- «ربیع الابرار» محمود بن عمر زمخشری در گذشته (۵۳۸) ج ۴ ص ۲۲۱ باب الملك و السطان بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه لامام

مصادر حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه» واحادیث مشابهه ۳۷

المسلمین بیعة فیتته میتة جاهلیة»

۳۶ - «ملل و نحل» محمد بن عبد الکریم شهرستانی شافعی درگذشته (۵۴۸) ج ۱ چاپ قاهره ص ۱۷۲ ذیل «الاسماعیلیه» بلفظ: «ان من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» ونیز: «من مات و لم یکن فی عنقه بیعة امام، مات میتة جاهلیة»

۳۷ - «مصباح المزیئی فی خلافة المستضیئی» ابوالفرج، عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی درگذشته (۵۹۷) ج ۱ ص ۱۴۰ - ۱۴۷ چاپ اوقاف عراق بسال ۱۳۹۷ شامل احادیث کلیات خلافت از جمله حدیث: «من فارق الجماعة شبراً فمات، فیتته جاهلیة».

۳۸ - «جامع الاصول» ابن اثیر جزری درگذشته (۶۰۶) ج ۴ ص ۴۵۶ بلفظ: «من خرج من السلطان شبراً مات میتة جاهلیة» از ابن عباس از طریق بخاری و مسلم

وبلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة، و من قتل تحت رایة عمیة یغضب لعصیة او یدعوا الی عصیة فقتل، فقتله جاهلیة» به روایت از ابوهریره، از طریق مسلم و نسائی .

۳۹ - «مسائل الخمسون» محمد بن فخر رازی درگذشته (۶۰۶) مسئله ۴۷ ص ۳۸۴ چاپ - ضمیمه مجموعه رسائل - مصر مطبوعه علمی کردستان سال ۱۳۲۸ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیا و ان شاء نصرانیا» (کتاب «پیرامون معرفت امام» از علامه فقیه صافی گلپایگانی ص ۸)

۴۰ - «المغنی فی شرح الخرقی» ابن قدامه، عبدالله بن احمد مقدسی

۳۸.....اصالت مهدویت در اسلام

جماعیلی دمشقی حنبلی در گذشته (۶۲۰) ج ۱۰ ص ۴۶ چاپ بیروت، تحت عنوان «قتال اهل البغی» به روایت انس و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، فمیتة جاهلیة»

۴۱ - «فتح العزیز علی کتاب الوجیز» ابوالقاسم، عبدالکریم بن محمد قزوینی رافعی در گذشته (۶۲۳) به تفصیلی که در تلخیص الحبیر شماره ۵۶ بیاید.

۴۲ - «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته (۶۵۶) ج ۹ ص ۱۵۵ بلفظ: «من مات بغير امام مات میتة جاهلیة» با اضافه جمله «واصحاب ما همه قائل به صحت و درستی این قضیه هستند که جز با شناخت امامان کسی به بهشت نخواهد رفت.

وج ۱۳ ص ۲۴۲ بلفظ: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» به نقل عبدالله بن عمر، و اضافه میکند: وی شبانه به در خانه حجاج (ابن یوسف ثقفی) رفت تا بر خلافت عبدالملک مروان باوی که از طرف او حاکم عراق بود، بیعت کند، به این دلیل که پیامبر فرموده: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» ولی روش تحقیر آمیز و ذلت آور حجاج نسبت به عبدالله بن عمر آنچنان بود که بجای دست پای خود را از رختخواب بسوی او دراز کرد و گفت: (جهت بیعت) دست خود را به پای من متصل کن. و اینچنین بجای مراسم بیعت گیری با ابن عمر برخورد مسخره آمیز نمود.

۴۳ - «شرح صحیح مسلم» حافظ نووی در گذشته (۶۷۶) ج ۱۲

ص ۲۴۰

۴۴ - «ریاض الصالحین» نیز از نووی ج ۱ ص ۴۳۷ شماره ۶۶۲ و

مصادر حدیث «من مات ولم یعرف امام زمانه» و احادیث مشابهه ۳۹
در چاپ دمشق ص ۲۸۴- ۲۸۵ شماره ۶۶۳ بلفظ: «من خلع یداً من طاعة
لقى الله يوم القيامة ولا حجة له، و من مات و ليس في عنقه بيعة، مات ميتة
جاهلية» رواه مسلم.

و فی روایه له: «من مات وهو مفارق للجماعة فانه يموت ميتة جاهلية»
و به شماره ۶۷۰ بدین عبارت آمده: «من كره من اميره شيئاً فليصبر،
فانه من خرج من السلطان شبرا مات ميتة جاهلية» متفق عليه.

۴۵ - «مختصر شعب الايمان - بیهقی -» از ابو جعفر عمر قزوینی
در گذشته (۶۹۹) ص ۱۰۶ چاپ مصر بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق
الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية» به روایت از ابوهریره و نقل از مسلم.

۴۶ - «الاحسان بترتيب صحيح ابن حبان» امیر علاء الدین، علی بن
بلبان فارسی حنفی در گذشته (۷۳۹) ج ۷ ص ۴۹ چاپ بیروت، بلفظ:
«من مات و ليس له امام مات ميتة جاهلية» از طریق ابو یعلیٰ به روایت از
معاویه.

۴۷ - «تلخیص المستدرک» حافظ ذهبی در گذشته (۷۴۸) ج ۱ ص
۷۷ و ۱۱۷ نقل و اقرار به عین آنچه از مستدرک حاکم گذشت نموده.
۴۸ - «تفسیر» ابن کثیر دمشقی در گذشته (۷۷۴) ج ۱ ص ۵۱۷ بلفظ:
«من مات و ليس في عنقه بيعة، مات ميتة جاهلية».

۴۹ - نیز «تاریخ ابن کثیر» ج ۷ ص ۲۳۲ بدین شرح که چون مردم -
بخاطر کشتار عمومی اهل مدینه یزید را از خلافت خلع و ساقط کردند
عبد الله بن عمر فرزندان و اهل بیت خود را جمع نمود و پس از تشهد
گفت: ما به حساب بیعت با خدا و رسولش با این مرد (یزید بن معاویه)

۴۰.....اصالت مهدویت در اسلام

بیعت کردیم و شنیدیم رسول خدا میگفت: «من نزع یداً من طاعة، فانه یأتی
یوم القيامة لاحجة له، و من مات مفارق الجماعة فانه یموت مودة جاهلیة»

پس مبادا کسی از شما یزید را خلع نماید و مبادا در این باره اسراف و
تند روی از خود نشان دهد که مایه جدائی بین من و او خواهد شد.

۵۰- «شرح المقاصد» سعدالدین تفتازانی (۷۹۲) ج ۲ ص ۲۷۵ بلفظ:

«من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» و اضافه کرده است این حدیث
همانند: ﴿اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾ میباشد.

۵۱- «شرح - عقائد نسفی -» نیز از محقق تفتازانی چاپ ۱۳۰۲، لکن

چاپ ۱۳۱۳ که هفت صفحه آن بدست خیانتکاران حذف و ساقط
گردیده فاقد این حدیث میباشد. (الغدیر ۱۰ / ۳۶۰)

۵۲- «مجمع الزوائد» نورالدین هیثمی در گذشته (۸۰۷) ج ۵ ص

۲۱۸ بلفظ: «من مات بغير امام مات میتة جاهلیة» به روایت از معاویه و بلفظ:
«من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة»

و ص ۲۱۹ بلفظ: «و من خرج من الجماعة قید شبر متعمدا فقد خلع ربقة
الاسلام من عنقه و من مات و لیس لامام جماعة علیه طاعة مات میتة جاهلیة» از
معاذ بن جبل به روایت طبرانی و بلفظ: «... من أصبح لیس لأمیر جماعة علیه
طاعة بعثه الله یوم القيامة من میتة جاهلیة» از ابودرداء از طریق طبرانی.

و ص ۲۲۳ بلفظ: «من مات و لیس علیه طاعة مات میتة جاهلیة» به نقل

از عامر بن ربیع و طریق احمد بن حنبل، ابویعلی، بزار و طبرانی

و ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات و لیس علیه امام، فمیتة جاهلیة» به روایت از

ابن عباس و طریق بزار و طبرانی در معجم اوسط.

مصادر حدیث «من مات ولم یعرف امام زمانه» واحادیث مشابهه ۴۱

و ص ۲۲۵ بلفظ: «من مات و ليس عليه امام، مات ميتة جاهلية» به روایت از معاویه بن ابی سفیان از طریق طبرانی در معجم اوسط.

۵۳- «كشف الاستار عن زوائد البزار على الكتب الستة» نیز از هیشمی ج ۲ ص ۲۵۲ حدیث ۱۶۳۵ چاپ مؤسسه رسالت، بلفظ: «من فارق الجماعة قیاس (او قید) شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه، و من مات و ليس عليه امام فميتة جاهلية، و من مات تحت رأية عصبية او ينصر عصبية فقتلته قتلة جاهلية».

۵۴- «فتح الباری شرح صحیح بخاری» احمد بن محمد بن محمد بن حجر عسقلانی در گذشته (۸۵۲) ج ۱۶ ص ۱۱۲ بلفظ: «من مات و ليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية» به روایت از ابن عمر.

۵۵- «مطالب العالیة» نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۲ ص ۲۲۸ تحت شماره ۲۰۸۸ بلفظ: «من مات و لا طاعة عليه مات ميتة جاهلية»

۵۶- «تلخیص الحبیر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر» نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۴ ص ۴۱ بلفظ: «من خرج عن الجماعة قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام...» به روایت از ابن عمر.

و ص ۴۲ بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فميتة جاهلية» به روایت از ابوهریره (فهارس کتاب فوق ص ۲۸۹، چ دارالمعرفه بیروت)

۵۷- «جمع الجوامع» یا «جامع الاحادیث» عبدالرحمن سیوطی در گذشته (۹۱۱) بشرح مندرج در کنز العمال.

۵۸- «تیسیر الوصول» ابن دبیع شیبانی در گذشته (۹۴۴) ج ۳ ص ۳۹ به روایت از ابوهریره بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات ميتة

جاهلیة» از طریق دو صحیح بخاری و مسلم.

۵۹ - «کنز العمال» حسام الدین متقی هندی در گذشته (۹۷۵) ج ۱

ص ۱۰۳ شماره ۴۶۳ چاپ حلب بلفظ: «من مات و لا بیعة علیه مات میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر به نقل از مسند احمد و ابن سعد.

و شماره ۴۶۴ بلفظ: «من مات بغير امام مات میتة جاهلیة» به روایت

معاویه و از طریق احمد حنبل و طبرانی.

و ص ۲۰۷ شماره ۱۰۳۵ بلفظ: «من خرج من الجماعة قید شبر فقد خلع

ربقة الاسلام من عنقه حتى يراجعه، و من مات و ليس عليه امام جماعة فان موته موة جاهلیة» از ابن عمر و از طریق مستدرک حاکم.

و شماره ۱۰۳۷ بلفظ: «من فارق المسلمين قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام

من عنقه، و من مات ليس عليه امام فمیتة جاهلیة، و من مات تحت رایة عُمیة يدعوا الى عصیة او ينصر عصیة فقتله جاهلیة» از طریق طبرانی (در

معجم کبیر) به روایت ابن عباس

و ص ۲۰۸ شماره ۱۰۳۸ بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين شبرا، أخرج

من عنقه ربقة الاسلام... و من مات من غير امام جماعة مات میتة جاهلیة» به روایت ابن عمر از طریق حاکم در مستدرک.

و ص ۳۷۹ شماره ۱۶۴۹ بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فقد نزع ربقة

الاسلام من عنقه» از علی به روایت از بیهقی

وج ۶ ص ۵۲ شماره ۱۴۸۰۹ بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق

الجماعة، فمات، مات میتة جاهلیة...» به روایت از ابوهریره از طریق احمد، نسائی و مسلم.

مصادر حدیث «من مات ولم یعرف امام زمانه» و احادیث مشابهه ۴۳

و شماره ۱۴۸۱۰ بلفظ: «من مات و ليس في عنقه بيعة، مات ميتة جاهلية»
به روایت از ابن عمر از طریق مسلم.

و ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱ بلفظ: «و من مات و ليست عليه طاعة، مات ميتة جاهلية» به روایت از عامر بن ربیع از طریق ابن ابی شیبه (در مصنف) و احمد حنبل (در مسند) و طبرانی (در معجم کبیر) و سعید بن منصور (در سنن) و شماره ۱۴۸۶۳ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية، و من نزع يدا من طاعة جاء يوم القيامة لاحجة له». به روایت از عبدالله بن عمر و نقل از «معجم کبیر» طبرانی و «حلیه الاولیاء» ابونعیم.

و ص ۶۶ شماره ۱۴۸۶۵ بلفظ: «من نزع يدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية، و من خلعا بعد عهدا لقي الله و لاحجة له»
به روایت ابن عمر از طریق خطیب بغدادی در «المتفق و المفترق».

۶۰ - «جواهر المزیئه» ملا علی قاری حنفی در گذشته (۱۰۱۴)
در خاتمه کتاب ج ۲ ص ۵۰۹ بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» و در ص ۴۵۷ گوید: و فرموده او (پیامبر) ص در صحیح مسلم «من مات و لم یعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» معنایش این است که: هر کس شناسد آن کس را (که اقتدا به او و رهنمون شدن بدو - در زمانی که دست اندر کار امامت و رهبری است - واجب باشد) مرگش مرگ جاهلی خواهد بود.

۶۱ - «مجمع الفوائد» محمد بن سلیمان مغربی در گذشته (۱۰۹۴)
در شام) ج ۲ ص ۲۵۹ چاپ بیروت شماره ۶۰۴۸، بلفظ: «من مات بغير امام، مات ميتة جاهلية» و در روایت دیگر تحت شماره ۶۰۴۹ بلفظ: «من

۴۴.....اصالت مهدویت در اسلام

مات و ليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية» از معاوية بن ابي سفيان.

۶۲- «بريقة المحمودیه» شیخ ابوسعید خادمی حنفی درگذشته

(۱۱۶۸) ج ۱ ص ۱۱۶ چاپ مصطفی حلبی قاهره، بلفظ: «من مات ولم

يعرف امام زمانه فقد مات ميتة جاهلية» (ملحقات احقاق الحق ج ۱۹

پاورقی ص ۶۵۱)

۶۳- «ازالة الخفاء في مناقب الخلفاء» شاه ولی الله دهلوی درگذشته

(۱۱۷۶) ج ۱ ص ۳ بلفظ: «من مات و ليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية»

آنرا ذکر نموده و برای اثبات وجوب کفائی نصب خلیفه بر مسلمین تا

روز قیامت، بدان استدلال کرده است.

۶۴- «ازالة الغین» علامه فقیه مولی حیدر علی بن محمد فیض

آبادی هندی درگذشته (۱۲۰۵) دربحث از بی اعتباری بعضی از

احادیث بخاری، چاپ دهلی ۱۲۹۵ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه

مات ميتة جاهلية» (المدخل حدیث غدیر از عبقات ص ۶۱)

۶۵- «فواتح الرحموت» - شرح «مسلم الثبوت» شیخ محب الله

بهاری هندی حنفی درگذشته (۱۱۱۹) - از عبد العلی محمد بن نظام

الدین محمد انصاری هندی درگذشته (۱۲۲۵) ج ۲ ص ۲۲۳ - ۲۲۴

چاپ لکهنو ۱۸۷۸م بلفظ: «لم يفارق الجماعة احد و مات الامات ميتة

جاهلية» به روایت از بخاری و نیز در چاپ بولاق در حاشیه مستصفی

غزالی ج ۲ ص ۲۲۴.

۶۶- «نیل الاوطار- بشرح «المنتقى في الاخبار» -» قاضی محمد بن

علی شوکانی یمنی درگذشته (۱۲۵۵) ج ۷ ص ۳۵۶ چاپ بیروت

مصادر حديث «من مات ولم يعرف امام زمانه» واحاديث مشابهه ٤٥

١٩٧٣ بلفظ: «من رأى من أميره شيئاً يكرهه فليصبر، فإنه من فارق الجماعة شبراً فمات، فميتته جاهلية» از ابن عباس.

و بلفظ: «من كره من أميره شيئاً فليصبر عليه، فإنه ليس احد من الناس خرج من السلطان شبراً فمات عليه الا مات ميتة جاهلية» از ابن عباس.

و بلفظ: «و من خلع يدا من طاعة لقي الله ولا حجة له، ومن مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية» از ابن عمر به نقل از مسلم.

وص ٣٥٧ بلفظ: «من فارق الجماعة شبراً فكانما خلع ربقة الاسلام من عنقه» به روایت از حرث بن حرث اشعري و نقل از ترمذی و ابن خزيمة و ابن حبان و روایت از ابن عباس به نقل از بزار و طبرانی در اوسط.

٦٧- «ينابيع الموده» علامه شيخ سليمان بلخي قندوزي درگذشته (١٢٩٤) باب ٣٩ ص ١٣٧ چاپ حيدريه نجف و ص ١١٧ چاپ اسلامبول بلفظ: «و في المناقب بالسند عن عيسى بن السرى قال: قلت لجعفر بن محمد الصادق (ع) حدثني عما ثبت عليه دعائم الاسلام، اذا أخذتُ بها زكاً عملي و لم يضرني جهل ما جهلت.

قال: شهادة أن لا اله الا الله وأنَّ محمداً رسول الله، والاقرار بما جاء به من عند الله، وحق في الأموال من الزكاة والاقرار بالولاية التي أمر الله بها ولاية آل محمد (ص)، قال رسول الله (ص): «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية. قال الله عزوجل: أطيعوا الله وأطيعوا الرسول و أولى الأمر منكم.

فكان على صلوات الله عليه ثم صار من بعده حسن ثم حسين ثم من بعده علي بن الحسين ثم من بعده محمد بن علي و هكذا يكون الأمر، ان الأرض لا تصلح الا بالامام، ومن مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية».

۴۶.....اصالت مهدویت در اسلام

۶۸- «صيانة الانسان عن وسوسة الشيخ دحلان» در دفاع از عقائد وهابی حجاز، تألیف محمد بن بشیر سهسوانی هندی وهابی درگذشته (۱۳۲۶) چاپ مصر ص ۱۴۹ بلفظ: «ليس أحد يفارق الجماعة شبرا فيموت الامات ميتة جاهلية» از ابن عباس

و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات ، مات ميتة جاهلية» از ابوهريره به نقل از مسلم.

وص ۳۰۷ تا ۳۱۵ با الفاظ مختلف واسناد متعدد و ذکر مصادر، حدیث موضوع بحث را نقل و بدان استدلال کرده است

و در پایان باب مکمل مئه (صدم) ص ۶۲۵ به نقل از شیخ بهاء الدین عاملی در «اربعین» بعنوان حدیث متفق علیه بین عامه و خاصه، و بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» و نیز به نقل از ملل و نحل شهرستانی.

۶۹- «تاریخ آل محمد» علامه قاضی بهلول بهجت افندی، از اهالی قفقاز (آذربایجان شوروی) و ساکن زنگنه زور ترکیه درگذشته (۱۳۵۰) که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده و در آخر آن بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه فقد مات ميتة جاهلية» و بعنوان متفق علیه علمای خاصه و عامه این حدیث را ذکر کرده است.

۷۰- «الامام جعفر الصادق» علامه محقق مستشار عبد الحلیم جندی مصری معاصر، چاپ مجلس اعلی شئون اسلامی جمهوری مصر قاهره ۱۳۹۷ در پاورقی ص ۱۷۴ بلفظ: «من مات وليس له امام، فمیتة جاهلية» بطور ارسال مسلم

اسامی راویان حدیث «من مات ولم يعرف...»

واحادیث مشابه

توضیح این مطلب لازم است که مجموع راویان احادیث بخش اول (یعنی حدیث «من مات ولم يعرف...») عبارت از هفت نفر از صحابه پیامبر اکرم (ص) و راویان مورد قبول اهل تسنن بوده‌اند که بنوشته‌اند در «الکاشف» صاحبان صحاح سته همه از یک یک این هفت نفر بطور فراوان نقل روایت کرده‌اند و عملاً صدق گفتار وصحت روایات آنها را تایید و اعلام نموده‌اند و اسامی آنها بدین قرار است:

- ۱ - زید بن ارقم درگذشته (۶۸) الکاشف ۱ / ۳۳۶ شماره ۱۷۳۸
- ۲ - عامر بن ربیعہ عنزی درگذشته (کمی قبل از عثمان) الکاشف ۲ / ۵۴ شماره ۲۵۴۹
- ۳ - عبد الله بن عباس درگذشته (۶۸) الکاشف ۲ / ۱۰۰ شماره ۲۸۲۹
- ۴ - عبد الله بن عمر بن خطاب درگذشته (۷۴) الکاشف ۲ / ۱۱۲ شماره ۲۹۰۱
- ۵ - عویمر بن مالک معروف به ابوالدرداء درگذشته (۳۲) الکاشف ۲ / ۳۵۸ شماره ۴۳۸۸

۴۸.....اصالت مهدویت در اسلام

- ۶- معاذ بن جبل در گذشته (۱۸) الکاشف ۳ / ۱۵۳ شماره ۵۵۱۱
۷- معاویه بن ابی سفیان در گذشته (۶۰) الکاشف ۳ / ۱۵۷ شماره

۵۶۱۷

و اما راویان احادیث بخش ۲ (که مُصدّر به «من خرج» و «من فارق»
و «من خلع» و امثال این کلمات است) عبارتند از نامبردگان فوق به
اضافه:

۱- ابوهریره دوسی در گذشته (۵۷ / ۵۹)

- ۲- انس بن مالک در گذشته (۹۳) که بنوشته ذهبی در «الکاشف» - ۳
/ ۳۸۵ تحت شماره ۴۳۳ بخش کنی و ۱ / ۱۴۰ بشماره ۴۸۳ - این دو نیز
در تمام صحاح سته بطور فراوان از آنها نقل حدیث شده است.

بحث و بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر (عج)

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر علیه السلام در منابع اهل تسنن

- ۱- امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
سنن ابی داود ۵۱/۴
- ۲- ابویمامه باهلی، سعد بن عجلان
البيان گنجی ص ۹۵
- ۳- ابویوب أنصاری
معجم صغير طبرانی ۱۳۷/۱
- ۴- ابوسعید خدری
سنن ابی داود ج ۴ ص ۱۰۷ حدیث شماره ۴۳۸۵
- ۵- ابوسلمی راعی (چوپان شترهای) رسول خدا (ص)
مقتل الحسين خوارزمی ص ۹۵ و بنقل ینابیع المودة ۱۶۰/۳، فرائد
السمطين ۳۱۹/۲ حدیث شماره ۵۷۱ و عموم کتب شامل احادیث مهدی
- ۶- ابوالطفیل عامر بن واثله
مسند أحمد بن حنبل ۹۹/۱
- ۷- ابولیلی

صحابه راوی احادیث امام مهدی علیه السلام در منابع اهل تسنن ۵۱

مناقب خوارزمی ، فصل پنجم ص ۲۳-۲۴

۸- أبووائل

عقد الدرر جمال الدین یوسف دمشقی ص ۲۳ و ۳۸

۹- أبوهریره

صحیح بخاری ۱۷۸/۲ و عموم کتب شامل احادیث مهدی

۱۰- أنس بن مالک

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲

۱۱- تمیم داری

عرائس ثعلبی ص ۱۸۶ و بنقل عقد الدرر ص ۲۱۹

۱۲- ثوبان مولی (غلام آزاد شده) رسول الله (ص)

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲

۱۳- جابر بن سمره

البرهان متقی هندی ، ذیل تنبیہات ، تنبیہ اوّل

۱۴- جابر بن عبدالله أنصاری

مسند أحمد حنبل ۳۸۴/۳

۱۵- جابر بن عبدالله صدفی

استیعاب قرطبی ۱۱۱/۲ چاپ ذیل إصابه ابن حجر و معجم کبیر

طبرانی ۹۳۷/۲۲

۱۶- امام حسن بن علی

ینابیع المودة قندوزی ص ۵۸۹

۱۷- امام حسین بن علی

۵۲.....اصالت مهدویت در اسلام

البرهان متقی هندی باب دوّم حدیث ۱۷ و ۱۸

۱۸ – سلمان فارسی

مقتل الحسین خوارزمی ۱۴۶/۱

۱۹ – طلحة بن عبیدالله

البرهان متقی هندی و المهدی المنتظر ابن صدیق ص ۱۲

۲۰ – عباس بن عبدالمطلب

المهدی المنتظر ابن صدیق ص ۱۲

۲۱ – عبدالرحمن بن عوف

البيان گنجی شافعی ص ۹۶

۲۲ – عبدالله بن حرث (حارث) بن جزء زبیدی

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲ و در چاپ دیگر ۲۷۰/۲

۲۳ – عبدالله بن عباس

فصول المهمّة ابن صباغ مالکی ص ۲۷۸

۲۴ – عبدالله بن عمر بن خطاب

فصول المهمّة ص ۲۷۷ و البرهان باب ۱ حدیث ۲ و باب ۶ حدیث ۶

۲۵ – عبدالله بن عمرو بن عاص

البيان گنجی ص ۹۲

۲۶ – عبدالله بن مسعود

فصول المهمّة ابن صباغ ص ۲۷۹

۲۷ – عثمان بن أبي العاص

مسند أحمد حنبل ۲۱۶/۴-۲۱۷

صحابه راوی احادیث امام مهدی علیه السلام در منابع اهل تسنن ۵۳

۲۸ - عثمان بن عفان

المهدی المنتظر صدیق مغربی ص ۱۲، و در مقاله فتوائی - اداره
مجمع فقهی سعودی در مکه - مندرج در آخر البیان گنجی ص ۷۷
چاپ بیروت

۲۹ - علقمة بن عبدالله

سنن ابن ماجه [بنقل المهدی فی السنة شیرازی ص ۴۲] و فصول
المهمة ابن صباغ مالکی

۳۰ - علی الهلالی

مجمع الزوائد هیثمی ۱۶۵/۹

۳۱ - عمار بن یاسر

البرهان باب اول حدیث ۱۰ و باب ۴ فصل ۲ حدیث شماره ۷ و ۲۴

۳۲ - عمر بن خطاب

البرهان باب اول حدیث ۳۸

۳۳ - عمران بن حصین

مسند أحمد بن حنبل ۴۳۷/۴

۳۴ - عمرو بن عاص

البرهان باب چهارم فصل ۲ حدیث ۲۳

۳۵ - عمرو بن مره جهنی

إبراز الوهم المکنون أبو الفیض غماری و عرف الوردی ص ۱۳۹ و

۳۹۰ و المهدی المنتظر ابن صدیق ادیسی ص ۱۳

۳۶ - عوف بن مالک

۵۴.....اصالت مهدویت در اسلام

معجم کبیر طبرانی

۳۷- قتادة بن نعمان

البرهان باب اول حدیث ۱۷ و باب ششم حدیث ۱۰ و ۱۱

۳۸- قره بن ایاس المزنی

ینابیع المودة ص ۲۲۰

۳۹- کعب الأحبار

عقد الدرر جمال الدین دمشقی ص ۱۸۰ و ۲۳۳-۲۳۴ بنقل از فتن نعیم

بن حماد

۴۰- کعب بن علقمه

البرهان باب هفتم حدیث ۸-۱۳-۲۱

۴۱- معاذ بن جبل

إبراز الوهم المکنون أحمد بن محمد بن صدیق ص ۸

۴۲- فاطمة الزهراء بنت رسول الله (ص)

فرائد السمطين حموینی

۴۳- أم المؤمنین أم سلمه

سنن أبي داود ۱۵۱/۴

۴۴- أم المؤمنین عایشه

کتاب الفتن نعیم بن حماد بنقل عقد الدرر ص ۱۶-۱۷ و البرهان باب

دوم حدیث ۲۱

۴۵- أم حبیبه

البرهان باب چهارم فصل ۲ حدیث ۲۰

معتبرین به

تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر علیه السلام

۱- أبو الحسن، محمد بن حسین آبری سجستانی (در گذشته ۳۶۳ هـ) از اعلام محدثین مورد قبول حفاظ حدیث و حدیث شناسان از اهل تسنن، در کتاب «مناقب الشافعی» - ذیل نام محمد بن خالد جندی، راوی حدیث جعلی «لا مهدی إلا عیسی بن مریم» - بشرح مندرج در مصادر ذیل^(۱) اعتراف به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی

۱- تذكرة قرطبی ص ۷۰۱.

- تهذیب الکیمال حافظ مزی ۱۴۶/۲۵ ذیل ترجمه محمد بن خالد جندی.

- منار المنیف ابن قیم جوزیه حنبلی ص ۱۴۲.

- تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد و احتجاج بکلام ابری در ردّ بر او.

- فتح المغیث سخاوی (بنقل نظم المتناثر کتانی ص ۱۴۴).

- مصباح الزجاجة سیوطی (بنقل عطر الوردی بلبیسی ص ۴۵) و عرف الوردی ص ۱۶۵.

- صواعق المحرقة ابن حجر ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷.

- البرهان متقی هندی باب دوازدهم.

- فرائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر مرعی بن یوسف کرمی (بنقل لوائح الأنوار

نموده است.

۲- حافظ محمد یوسف گنجی شافعی (۶۵۸)

در «البيان في اخبار صاحب الزمان (ع)» آخر باب یازدهم.

۳- شمس‌الدین محمد بن أحمد قرطبی (۶۷۱)

در «التذكرة في أحوال الموتى وأمور الآخرة» ص ۷۰۱.

۴- حافظ جمال‌الدین مزّی (۷۴۲)

در «تهذيب الكمال» ۱۴۶/۵-۱۴۹ شماره ۵۱۸۱.

۵- ابن‌قیم جوزیه حنبلی (۷۵۱)

در «منار المنيف» ص ۱۴۲.

۶- ابن‌حجر عسقلانی (۸۵۲)

در «تهذيب التهذيب» ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد

جندی و احتجاج بکلام ابری در رد جندی، نیز - بنقل «ابراز الوهم

سفارینی ص ۲۳).

- الإشاعة برزنجی ص ۸۷.

- شرح المواهب اللدنیة زرقانی (بنقل المتناثرکتانی ص ۱۱۴).

- لوائح الأنوار البهیه سفارینی - مندرج در الإمام المهدی عند أهل السنة ۲/۲۳ -

- اسعاف الراغبین صبان ص ۱۴۰.

- نور الأبصار شبلنجی ص ۱۷۱.

- نظم المتناثرکتانی ص ۲۲۸.

- عقيدة اهل السنة و الاثر عبدالمحسن عباد - مندرج در الإمام المهدی عند اهل

السنة ۲/۴۰۲ -

- الإحتجاج بالاثر على من أنكر المهدی المنتظر تویجری ص ۲۸ و ۱۴۳ و ۳۰۱.

- المهدی المنتظر ابن‌صدیق غماری ص ۷.

المکنون» ص ۴۲۳ - در «فتح الباری (شرح صحیح مسلم)».

۷ - شمس‌الدین سخاوی (۹۰۲)

در «فتح المغیث» بنقل از آبری [«نظم المتناثر» کتانی ص ۲۲۶؛
«إبراز الوهم المکنون» غماری ص ۴۳۶ و مندرج در «الامام المهدی
عند أهل السنة» ص ۲۳۲].

۸ - جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱)

در «مصباح الزجاجاة» [بنقل بلیسی در «العطر الوردی فی شرح
القطر الشهدی» ص ۴۵].

و در «فوائد المتکثرة فی الأحادیث المتواترة» و مختصر آن
«الازهار المتناثرة» [بنقل «إبراز الوهم المکنون» ص ۴۳۴ و مندرج در
«الامام المهدی عند أهل السنة» ۴۳۴/۲؛ و در «عرف الوردی» مندرج
در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۱ ذیل ص ۳۹۶].

۹ - ابن حجر هیثمی (۹۷۴)

در «صواعق المحرقة» ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷.

۱۰ - شیخ مرعی بن یوسف حنبلی (۱۰۳۳)

در «فرائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر» [بنقل «لوائح الأنوار
البهية» سفارینی ج ۲ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة»
۲۳/۲ و «الإذاعة» محمد صدیق قنوجی ص ۱۴۷].

۱۱ - أبوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی (۱۰۹۲)

در «منهج المقاصد - شرح «مراصد المعتمد» شیخ محمد عربی
فاسی -» بنقل از سخاوی [«المهدی المنتظر» عبدالله بن محمد صدیق

حسنى ادریسی ص ۱۰].

۱۲ – محمد بن عبد الرسول برونجی (۱۱۰۳)

در «الإشاعة لأشراط الساعة» ص ۸۷.

۱۳ – محمد بن عبدالباقى زرقانى مالکى (۱۱۲۲)

در «شرح المواهب اللدنيه» [بنقل «إبراز الوهم المكنون» صدیق

مغربى ص ۴۳۴ و مندرج در «الامام المهدى عند أهل السنة» ص ۲۳۰]

۱۴ – شيخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکى (۱۱۸۲)

در شرح كتاب «الرسالة» عبدالله بن عبدالرحمن شيروانى [كتانى در

«نظم المتناثر من الحديث المتواتر» ص ۲۲۶ و احتجاج به كلام جسوس؛

و «المهدى المنتظر» [بن صدیق غمارى ص ۹].

۱۵ – أبوالعلاء ادریس بن محمد ادریس حسینی عراقی فاسی

(۱۱۸۳)

در کتابی که در باره امام المهدى نوشته [بنقل «نظم المتناثر»

ص ۲۲۶؛ و «المهدى المنتظر» [بن صدیق غمارى ص ۸].

۱۶ – شيخ محمد بن أحمد سفارینى حنبلى (۱۱۸۸)

در «لوائح الأنوار البهية» مندرج در «الامام المهدى عند أهل السنة»

۲۰/۲.

۱۷ – شيخ محمد بن على صبتان (۱۲۰۶)

در «إسعاف الراغبين» ص ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۵۲.

۱۸ – قاضى محمد بن على شوکانى (۱۲۵۰)

در كتاب «التوضيح فى تواتر ما جاء فى مهدى المنتظر و الدجال و

المسیح»

[کتانی در «نظم المتناثر» ص ۲۲۵-۲۲۸؛ محمد صدیق قنوجی بخاری در «الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة» ص ۱۶۰؛ شیخ محمد خضر حسین مصری در مقاله «نظرة في أحاديث المهدي» چاپ دمشق و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۲۱۲؛ أحمد أمين مصری در «المهدي و المهدوية» ص ۱۱۰ چاپ مصر؛ شیخ عبدالمحسن عباد حجازی در مقاله «عقيدة اهل السنة و الاثر» چاپ مدینه و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۴۰۳؛ شیخ تویجری در «الاحتجاج بالاثار على من أنكر المهدي المنتظر» ص ۴۲.
«تحفة الاحوذی» مبارکپوری ص ۴۸۴ باب «ما جاء في المهدي»
در شرح حدیث ۲۳۳۱.]

۱۹ - مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۲۹۱)

در «نور الأبصار» ص ۱۸۹.

۲۰ - سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴)

در «ینایع المودة» باب ۸۵ ص ۵۶۳.

۲۱ - أحمد بن زینی دحلان مفتی شافعیه (۱۳۰۴)

در «فتوحات الاسلامیه» ۲/۲۱۱ بنقل از «اشاعة» برزنجی.

۲۲ - سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷)

در «الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة» ص ۱۱۲.

۲۳ - محمد بلبیسی بن محمد بن أحمد حسینی شافعی مصری

(۱۳۰۸)

۶۰.....اصالت مهدویت در اسلام

در «عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» ص ۴۴ بنقل از «شرح ورد السحر» شیخش أبو عبدالسلام شبراوی و ص ۴۵ بنقل از «مناقب الشافعی» أبو الحسن آبری درگذشته ۳۶۳ و از «مصباح الزجاجة» سیوطی.

۲۴ – أبو عبدالله محمد بن جعفر کتانی مالکی (۱۳۴۵)

در «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» ص ۲۲۵-۲۲۸ شماره ۲۸۹. – توضیحاً اسامی هشت نفر از معترفین به تواتر احادیث ویژه مهدی منتظر را با مصدر نقل ذکر کرده بدین شرح:

سخاوی، آبری، عراقی، شیخ جسوس، زرقانی، مؤلف «مغانی الوفاء بمعانی الاکتفاء»، سفارینی، شوکانی.

۲۵ – مبارکپوری (۱۳۵۳)

در «تحفة الاحوذی» ص ۴۸۴ باب «ما جاء فی المهدی» در راستای شرح حدیث ۲۲۳۱.

۲۶ – شیخ محمد خضر حسین مصری (۱۳۷۷)

در مقاله «نظرة فی أحادیث المهدی» چاپ ضمن «مجلة التمدن الاسلامی» دمشق ۱۳۷۰ هـ ۱۹۵۰ م ص ۸۲۹، و بنقل از شوکانی بطوریکه تلقی به قبول نموده و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۲۱۲ میباشد.

۲۷ – ابوالفیض، سید احمد بن محمد بن صدیق غماری حسینی

ازهری شافعی مغربی (۱۳۸۰)

در «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، أو المرشد المبدی

معترفین به تواتر احادیث مهدی منتظر عجل الله فرجه ۶۱

لفساد طعن ابن خلدون فی احادیث المهدی « ص ۴۳۳-۴۳۶ و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۲۲۷-۳۸۲.

۲۸ - شیخ ناصرالدین البانی (معاصر)

در مقاله «حول المهدی» نشریه «مجلة التمدن الاسلامی» دمشق سال ۲۲ ذیقعدہ ۱۳۷۱ھ، ص ۶۴۲-۶۴۶ و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۳۹۱.

۲۹ - شیخ صفاءالدین آل شیخ الحلقة عراقی

در «مجلة التربية الاسلامیة» شماره ۷ ص ۳۰ سال ۱۴ [«المهدی المنتظر بین التصور و التصدیق» شیخ محمد حسن آل یس ص ۲۹؛ نیز «المهدی المنتظر» ص ۲۹].

۳۰ - شیخ عبدالمحسن بن حمد عباد

عضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه، در مقاله «عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر» نشریه «مجلة جامعة الاسلامیة» مدینه سال اول شماره ۳ ذیقعدہ ۱۳۸۸ بخش چهارم مقاله ص ۶۴۳ و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ص ۴۰۲-۴۰۴.

و در دیگر مقاله مفصل بعنوان «الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی» در ردّ بر رساله «لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر» ابن محمود قاضی قطر، نشریه فوق شماره ۱ سال ۱۲، ۱۴/۱۴۰۰ ه و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۴۴۲.

۳۱ - ابو الفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی

در «المهدی المنتظر» چاپ عالم الکتب بیروت ص ۹۵.

۳۲- شیخ حمود بن عبدالله تویجری (معاصر)

از استادان دانشگاه اسلامی مدینه، در کتاب «الاحتجاج بالاثار علی من أنکر المهدی المنتظر» در ردّ بر کتاب «لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر» قاضی قطر ص ۱۲۱.

۳۳- شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (معاصر)

از رجال علمی دربار حکومت سعودی و رئیس ادارات علوم و فتوی و دعوت و ارشاد، در ذیل تأییدنامه مقاله «عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر» شیخ عبدالمحسن عباد سابق الذکر، و نیز در کلام تقریضی او بر کتاب «الاحتجاج بالاثار...» تویجری مذکور ص ۳.

۳۴- در پایان قابل توجه است که دکتر عبدالحلیم نجار ضمن

مقدمه اش - بر کتاب «المهدیه فی الاسلام» سعد محمد حسن مصری، که در خلط مبحث حقایق اسلامی و نادیده انگاشتن نقلیات حدیثی و اعترافات علماء در باب مهدی منتظر و انکار او خلاصه می شود - مؤکداً خاطر نشان میکند که بنظر علماء حدیث، موضوع مهدی بالغ و برخوردار از تواتر معنوی است.

معرّفين به صحّت

وقابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر علیه السلام

و اما معرّفين از طبقه حدیث آوران و حدیث شناسان اهل تسنن به صحّت و قابل استناد بودن احادیث وارده پیرامون شئون مختلف مهدی منتظر، پس در حدود بیست و پنج نفرند که هر یک با تعبیرات گوناگون، نقلیات روایتی مورد بحث را صحیح و قابل قبول اعلام کرده‌اند و اسامی و آدرس کلامی آنها بدین قرار است:

- ۱- حافظ ترمذی (متوفی ۲۹۷) در «سنن» خود - که یکی از صحاح سته حدیث اهل تسنن می‌باشد - ج ۴ ص ۵۰۵ و ۵۰۶
- ۲- حافظ ابو جعفر عقیلی (۳۲۲) در کتاب «الضعفا الکبیر» ذیل ترجمه علی بن نفیل حرانی ج ۳ ص ۲۵۳، شماره ۱۲۵۷
- ۳- ابو محمد حسن بن علی خلف بر بهاری شیخ حنبلیان (۳۲۹) در کتاب «شرح السنه» بنقل شیخ حمود تویجری در «الاحتجاج بالاثار علی من انکر المهدی المنتظر» ص ۲۸

۴- حاکم نیشابوری (۴۰۵) در «مستدرک» ج ۴ صفحات ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۵۴،

- ۶۴.....اصالت مهدویت در اسلام
- ۵- امام المحدثین بیهقی (۴۵۸) در «الاعتقاد و الهدایة الی سبیل الرشاد ص ۱۲۷ و نیز بنقل ابن‌قیم در «منار المنیف» ص ۱۳۰ شماره ۲۲۵
- ۶- حافظ بغوی (۵۱۰ یا ۵۱۶) در «مصاییح السنة» ص ۴۸۸ شماره ۴۹۳ و ۴۹۲، ۴۱۹۹
- ۷- مورخ شهیر و محدث معروف ابن‌اثیر (۶۰۶) در کتاب «النهاية فی غریب الحدیث و الاثر» ج ۱ ص ۲۹۰ ج ۲ ص ۱۷۲ و ۳۲۵ و ۳۸۶ و ج ۴ ص ۳۳ و ج ۵ ص ۲۵۴
- ۸- ابن‌منظور افریقی (۷۱۱) در «لسان العرب» ص ۵۹ ذیل کلمه «هدی»
- ۹- ابن‌تیمیه یگانه بنیانگذار مذهب وهابی سعودی (۷۲۸) در «منهاج السنه» ج ۴ ص ۲۱۱
- ۱۰- بزرگ حدیث شناس اهل تسنن، حافظ ذهبی، (۷۴۸) در «تلخیص المستدرک» ج ۴ ص ۵۵۳
- ۱۱- ابن‌کثیر شامی (۷۷۴) در «النهاية فی الفتن و الملاحم» ج ۱ ص ۵۵
- ۱۲- فاضل تفتازانی (۷۹۳) در «شرح المقاصد ص ۳۱۲ در شرح عقاید نسفی ص ۱۶۹
- ۱۳- نور الدین هیثمی (۸۰۷) در «مجمع الزوائد» ج ۷ ص ۱۱۵، ۱۱۶، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷
- ۱۴- شیخ محمد جزری دمشقی شافعی (۸۳۳) در «السمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب» ص ۱۶۳، ۱۶۸

معتبرین به صحت احادیث مهدی منتظر ۶۵

۱۵- الشهاب احمد بن ابی بکر بوصیری (۸۴۰) در « مصباح

الزجاجة فی زوائد ابن ماجه » ج ۳ ص ۲۶۳ شماره ۱۴۴۲

۱۶- علاء الدین بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵) در

« البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان » که در رد سید محمد بن سید

محمد خان جونپوری مدعی مهدویت، نوشته و از متن فتوای چهار

نفر از علمای مذاهب اربعه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی هم (که

بیانگر صحت احادیث مربوطه و وجوب ایمان بدانها بر هر مسلمانی

است) استفاده نموده .

مراجعه شود به کتاب فوق ص ۱۷۷ و ۱۷۸ - ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و

۱۸۲ و ۱۸۳

۱۷- سید محمد مرتضی حسینی حنفی واسطی زبیدی (۱۲۰۵) در

« تاج العروس » ج ۱۰ ص ۴۰۸، ۴۰۹، ذیل کلمه « هدی »

۱۸- شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی مصری،

(۱۳۰۸) در منظومه « قطر الشهدی فی اوصاف المهدی » که شرحش

بنام « عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی » بطور مکرر بنظر رسید ص ۶۸

۱۹- ابوالبرکات آلوسی حنفی (۱۳۱۷) در « غایة الموعظ » ص

۷۶ - ۷۷

۲۰- ابوالطیب، محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹) در « عون

المعبود شرح سنن ابی داود » ج ۱۱ ص ۳۶۱

۲۱- شیخ منصور علی ناصف (بعد ۱۳۷۱) در « التاج الجامع

للأصول » باب هفتم - ج ۵ ص ۳۴۱

۶۶.....اصالت مهدویت در اسلام

۲۲- شیخ محمد بن عبدالعزیز مانع، (۱۳۸۵) در «تحذیق النظر

باخبار الامام المنتظر»

۲۳- شیخ محمد فؤاد عبدالباقی (۱۳۸۸) در تعلیقه اش بر حدیث

مندرج در سنن ابی داود، بنقل شیخ عبدالمحسن عباد در مقاله «عقیده

اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر» مندرج در «الامام المهدی عند

اهل السنة» ج ۲

۲۴- ابوالاعلی مودودی، معاصر، در «البیانیات» ص ۱۱۶

۲۵- نویسنده محقق سعید ایوب معاصر در «عقیده المسیح

الدجال فی الادیان» ص ۳۶۱ چاپ سوم قم، مطبعه مهر ۱۴۱۳

مهدی علیه السلام

از فرزندان فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله است.

از جمله پیشگوئیهای صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون امام مهدی منتظر در رابطه با مشخصات نسبی و ویژگیهای فامیلی آن حضرت، موضوع بودن آن موعود جهانی است از فرزندان فاطمه، که در حدود هفتاد نفر از مراجع حدیثی و أعلام تاریخی اهل تسنن، احادیث بیانگر این امر و فرازهای تاریخی مربوط بدان را نقل و ثبت کرده‌اند و محلی برای شک و شبهه در این باره باقی نگذارده‌اند؛ و عباراتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره ایراد فرموده، بنقل ام سلمه بدین قرار است:

«المهدی حقّ و هو من ولد فاطمة»

«المهدی من ولد فاطمه»

«المهدی من عترتی من ولد فاطمة»

و به نقل حسین بن علی بن ابی طالب بدینگونه باشد که با روی سخن

به فاطمه فرمود:

«المهدی من ولدک»

«أبشری یا فاطمة، فإنّ المهدی منک»

«أبشری یا فاطمة، المهدی منک»

و به نقل ابویوب أنصاری چنین آمده:

«... و منّا خير الأوصياء و هو بعلک ... و منّا المهدیّ و هو من ولدک»

«... و منّا المهدیّ ...»

و همچنان که ملاحظه می شود این عبارات خلاصه می شود در اعلام بودن حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، و براین اساس فاطمی نبودن مدّعیان مهدویت خود یکی از دلایل محکم، و سرنخی است بر دروغگوئی آنان.

همچنانکه دیگر مشخصات مهدی راستین نیز دلیل و نشانه است بر دروغگوئی مهدیهای فاطمی و بی اساس بودن دعوی مهدویت آنها. و اما ناقلین بودن حضرت مهدی از فرزندان فاطمه، و مصادر نقل آن، پس بدین شرح است:

۱- إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون: أحمد بن محمد بن

صدیق مغربی؛ ص ۱۴۶ حدیث ۷۷.

۲- الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة: سيد محمد صدیق

حسن قنوجی بخاری؛ ص ۱۱۶.

۳- الأربعین حدیثاً فی المهدی: حافظ أبونعیم اصفهانی؛ مندرج در

«العرف الوردی» سیوطی و «حدیقة الشیعة» مقدّس أردبیلی و «کشف

الغمة» اربلی و «بحار الأنوار» علامه مجلسی.

۴- أرجح المطالب: شیخ عبیدالله حنفی؛ ص ۳۸۱ و ۳۸۴ و ۳۸۵ با

اسناد مختلف.

۵- أسعاف الراغبین: ابن صبّان مالکی؛ چاپ حاشیه «نور الأبصار»

مهدى از فرزندان فاطمه عليها السلام دختر پیامبر صلى الله عليه وآله است..... ۶۹

شبلنجى، ص ۱۳۷.

۶- الإشاعة لأشراط الساعة: محمد بن رسول حسينى برزنجى؛

ص ۸۸.

۷- أشعة اللمعات: شيخ عبدالحق دهلوى؛ ۳۳۷/۴.

۸- انسان العيون (مشهور به سيره حلبى): ۱۹۳/۱.

۹- البرهان فى علامات مهدى آخر الزمان: متقى هندى؛ باب ۲

حديث ۲ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳.

۱۰- البيان فى أخبار صاحب الزمان: گنجى شافعى؛ ص ۳۱۰ چ

نجف.

۱۱- التاج الجامع للأصول: شيخ منصور على ناصف؛ ج ۵ ص ۳۴۳،

اوایل باب هفتم كتاب الفتن.

۱۲- تاريخ الرقة: أبو على قشیرى حرانى؛ ص ۷۰ و ۷۱.

۱۳- تاريخ الكبير: بخارى؛ ج ۲ بخش ۱ ص ۳۱۶.

۱۴- تذكرة الحفاظ: شمس الدين ذهبى؛ ۴۶۳/۱.

۱۵- تذكرة: قرطبى؛ ص ۶۱۶.

۱۶- تعليقة: شيخ طاهر نعلانى بر «تاريخ الرقة»: قشیرى؛ ص ۷۰.

۱۷- تلخیص مستدرک حاکم: ذهبى؛ ۵۵۷/۴.

۱۸- تمیيز الطیب من الخبیث: ابن ربیع شیبانى؛ ص ۲۲۰.

۱۹- تیسیر الوصول: ابن دبیع شیبانى؛ ۲۳۷/۲.

۲۰- جالية الكدر: عبدالهادى ابيارى؛ ۲۰۸.

۲۱- جامع صغير: سيوطى شافعى؛ ۵۷۹/۲.

- ۷۰.....اصالت مهدویت در اسلام
- ۲۲ – جمع الجوامع: سیوطی؛ ۱۰۴/۲.
- ۲۳ – جواهر العقدين: نورالدين سمهورى؛ بنقل «ینابيع المودة» قندورى، اول باب ۷۳.
- ۲۴ – در المنثور: سیوطی؛ ۵۸/۶؛ بنقل از أبوداود، ابن ماجه، طبرانی تا حاکم از امّ سلمه.
- ۲۵ – الدر المنظم: محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲) مندرج در باب ۶۸ «ینابيع المودة» ص ۴۹۲ چاپ نجف و ص ۴۳۲ چاپ استانبول
- ۲۶ – ذخائر العقبی: محب الطبری؛ ص ۴۴ و ۱۶۶؛ بنقل «أربعین حدیثاً فی المهدی» أبو العلاء همدانی.
- ۲۷ – راموز الأحادیث: أحمد ضیاء الدین حنفی نقشبندی؛ ص ۲۳۶.
- ۲۸ – سراج المنیر – فی شرح الجامع الصغیر سیوطی – احمد بن محمد عزیزى؛ ص ۴۰۹.
- ۲۹ – سنن: أبی داوود سجستانی؛ ۱۵۱/۴.
- ۳۰ – سنن المصطفى: ابن ماجه قزوینی؛ ۵۱۹/۲.
- ۳۱ – شرح نهج البلاغة: ابن أبی الحدید؛ ۲۸۱/۱ چاپ ۲ جلدی مصر.
- ۳۲ – صحیح مسلم: به نقل کنز العمال ۲۶۴/۱۴
- ۳۳ – صواعق المحرقة: ابن حجر هیثمی؛ ص ۲۳۵.
- ۳۴ – العرائس الواضحة: عبدالهادی ایاری؛ ۲۰۸.
- ۳۵ – العرف الوردی فی اخبار المهدی: سیوطی؛ ضمن «الحاوی للفتاوی»؛ ۱۲۴/۲ و ۱۴۴ و ۱۳۷ و ۱۴۶ و ۱۴۸ و ۱۵۵ و ۱۶۵ از أبونعیم و ابن عساکر و طبرانی، چاپ ۱۳۷۸ مصر.

مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله است..... ۷۱

۳۶ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر: ص ۲۱ حدیث ۲۱-۲۵ بنقل از «سنن» ابن ماجه و «سنن» امام أبو عمر مقری و «صفة المهدي» حافظ أبو نعیم و «الملاحم» ابن منادی.

۳۷ - الفتاوی الحدیثه: ابن حجر هیثمی مکی؛ ص ۲۹.

۳۸ - فتح الکبیر: یوسف نبهانی لبنانی؛ ص ۲۵۹.

۳۹ - الفتن و الملاحم: أبو نعیم بن حماد؛ ج ۱ ص ۳۷۳ چاپ مکتبه

التوحید قاهره

۴۰ - الفتوحات الکبیر: محی الدین ابن عربی چاپ بولاق

۴۱ - الفردوس: شیرویه بن شهر دار دیلمی؛ شماره ۶۶۷۰ ج ۴ ص

۲۲۳.

۴۲ - فصول المهمة: ابن صباغ مالکی؛ ص ۲۷۶.

۴۳ - الفقه الأكبر: مولوی حسن الزمان؛ ۶۷/۲ و ۷۰/۲.

۴۴ - کنز العمال: متقی هندی؛ ۳۱۸/۶ و ۲۵۹/۷، چاپ حیدرآباد و

۱۰۵/۱۲ بنقل از سنن ابی داود و صحیح مسلم از ام سلمه و ۲۶۴/۱۴ به

نقل از ابن عساکر از امام حسین بن علی، چاپ حلب

۴۵ - کنوز الحقایق: مناوی؛ ص ۳ و ۱۶۴ ط بولاق مصر.

۴۶ - لوائح الأنوار البهية: محمد سفارینی حنبری؛ قبل از عنوان

فوائد.

۴۷ - مجمع الزوائد: نورالدین هیثمی؛ ۱۶۶/۹، کتاب المناقب، باب

فضل اهل البيت.

۴۸ - مستدرک: حاکم نیشابوری؛ ۵۵۷/۴.

۷۲.....اصالت مهدویت در اسلام

۴۹ - مسند فاطمه: سیوطی؛ چاپ ۱۴۰۶ مطبوعه عزیزیه حیدرآباد

هند، بنقل از ابن عساکر.

۵۰ - مشارق الأنوار فی فوز اهل الإعتبار: حمراوی؛ ص ۱۵۲ بنقل از

« صحیح » مسلم و « سنن » ابی داود و « سنن » نسائی و « مستدرک » حاکم

و « سنن » ابن ماجه و « سنن » بیهقی و دیگران.

۵۱ - مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی؛ ۲۴/۳.

۵۲ - مصابیح السنّة: بغوی؛ ۱۳۴/۳.

۵۳ - مطالب السنّول: محمد بن طلحه شافعی؛ ص ۸۹.

۵۴ - معجم الصغیر: أبو القاسم طبرانی؛ ص ۵۲ حدیث ۹۴.

۵۵ - مفتاح النجاء: بدخشی؛ ص ۱۰۰، مخطوط.

۵۶ - مقاتل الطالبیین: أبو الفرج اصفهانی؛ ص ۱۴۳.

۵۷ - مقاصد الحسنه: شمس الدین سخاوی؛ ص ۴۳۵.

۵۸ - الملاحم: ابن منادی - أبو الحسین احمد بن جعفر؛ ص ۴۱.

۵۹ - المنار المنیف: ابن قیم جوزیه ص ۱۴۶ شماره ۳۳۴

۶۰ - منتخب كنز العمال: چاپ حاشیه «مسند» أحمد حنبل، ۹۶/۵،

و ۳۰/۶.

۶۱ - منهاج السنّة: ابن تیمیه حرّانی؛ ۲۱۱/۲.

۶۲ - میزان الاعتدال: ذهبی؛ ۳۵۵/۱ و ۲۴۰/۲.

۶۳ - نهاية البداية و النهاية: ابن کثیر دمشقی؛ ۳۷۱ و ۴۰.

۶۴ - ینابیع المودة: سلیمان قندوزی؛ ۸۶/۳ چ بیروت و ص ۵۱۹

چ نجف

مهدی موعود منتظر حسینی و از فرزندان امام

حسین بن علی علیه السلام است

نه حسینی و از فرزندان امام حسن بن علی علیه السلام

از جمله پیشگوئیهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با مشخصات نسبی و ویژه گیهای خانوادگی امام مهدی منتظر علیه السلام موضوع حسینی بودن او است که حضرتش با تعبیرات مختلف جد پدری آن امام بزرگوار را ابو عبدالله ، حسین بن علی بن ابی طالب معرفی و اعلام فرمود.

البته بشرحی که بعداً ملاحظه می شود حداقل یکصد و بیست و هشت نفر از اعلام حدیثی و تاریخی اهل تسنن در مصادر حدیثی و منابع تاریخی مربوطه اعتراف به ولادت حضرت مهدی در حدود نیمه دوم قرن سوم هجری نموده و عموماً به سلسله نسب پدری آن بزرگوار که از امام حسن عسکری منتهی به امام حسین بن علی بن ابیطالب می شود تصریح کرده اند و دیگر جای هیچگونه شکی نیست که حضرت مهدی موعود منتظر حسینی است و چندان نیازی به طرح عنوان حسینی بودن آن بزرگوار نخواهد بود.

ولی جهت آگاهی خوانندگان به حقایق تاریخی و کشف و بر ملا شدن دروغبافی و بی راهه روی مدعیان حسنی بودن مهدی منتظر، لازم دانستیم توجه خوانندگان را به این مطلب جلب تاسیه روی شود هر که در او غش باشد.

و اینک اسامی تعدادی از ناقلین و معترفین به حسینی بودن حضرت مهدی عج:

۱- علامه محقق ادیب ابن قتیبه دینوری (۲۷۶) در غریب الحدیث نقل از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام نموده که مهدی را مطرح نمود و فرمود: «انّه من ولد الحسین علیه السلام، همانا که مهدی از فرزندان حسین باشد...» و ذکر حلیته فقال: رجل اجل الجبین...»

[شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۸۱ و ۱۳۰/۱۹]

۲- حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (متوفای ۳۸۵) - به نقل البیان گنجی شافعی آخر باب نهم و قندوزی در ینابیع الموده او اسط باب نود و چهار- در «الجرح و التعدیل» ذیل روایت مفصلی از ابوسعید خدری (که بیانگر بیمار شدن پیامبر اکرم و رفتن فاطمه به عیادت و دیدار آن بزرگوار و ایراد و اعلام آن حضرت باروی سخن به فاطمه، شش امتیازی را که خداوند بدان خاندان عنایت فرموده می باشد) آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از جمله امتیازات ششگانه اینک: مهدی این امت که عیسی پشت سرش نماز میخواند از ما خاندان باشد،

سپس دست بر شانه حسین - که حاضر در مجلس بود زد و فرمود:

« من هذا مهدی الامّة »

از این (حسین) باشد مهدی (منتظر این) امت .

نیز قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار صفحه ۵۹۰ این فراز از حدیث را آورده است .

۳- حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰ هـ) در کتاب « اربعون حدیثاً فی المهدی » به عنوان حدیث ششم با ذکر سند نقل از حدیثی رضی الله عنه فرموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ایراد خطبه و خبر دادن از رخداد های جهان فرمود: « لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد ، لطول الله عزوجل ذلک الیوم ، حتی یبعث رجلاً من ولدی اسمه اسمی .

فقام سلمان رضی الله عنه فقال: یا رسول الله ، من ایّ ولدک هو؟

قال: من ولدی هذا و ضرب بیده علی الحسین علیه السلام » (۱)

توضیحا این روایت را دیگر نامبردگان ذیل بهمین مضمون و با کمی اختلاف در تعبیرات نقل کرده اند که بخاطر محدودیت مقاله از ذکر متون مربوطه تا فرصت بعدی معذرت می خواهیم

۱- توضیحا متن اصلی اربعین حافظ ابونعیم بنظر نرسیده، ولی سیوطی (متوفی ۹۱۱ هـ) آن را با احادیث فراوان دیگری دسته بندی و تنظیم و به «العرف الوردی فی اخبار المهدی» نامگذاری و به ضمیمه دهها رساله دیگر مجموعه «الحاوی للفتاوی» را ارائه داده که بسال ۱۳۷۸ هـ ۱۹۵۹ م در مصر چاپ و منتشر گردیده، و از علمای شیعه اربلی در «کشف الغمه»، بحرانی در «غایة المرام» و علامه مجلسی دوم در «بحار الانوار» (ج ۱ ص ۷۸-۸۵) و عاملی در «اعیان الشیعة» (جزء ۴ بخش ۳) و بلاغی در «حجت بالغه» و مؤلفین «نامه دانشوران» در ج ۲ این کتاب آن را درج نموده اند.

۷۶.....اصالت مهدویت در اسلام

- ۴- اخطب خطباء خوارزم موفق بن احمد مکی خوارزمی (۵۸۶) در مقتل الحسین اوائل فصل هفتم ص ۱۴۶.
- ۵- شیخ الاسلام ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی - صاحب «اربعون حدیثا فی المهدی» - (۵۶۹ هـ) بشرح مندرج در «فرائد السمطین» و به نقل «مناقب کاشی - مخطوط و موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم».
- ۶- ابن ابی الحدید (۶۵۶) در شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۸۱-۲۸۲ وج ۱۹ ص ۱۳۰ با اشاره به نقل ابن قتیبه در «غریب الحدیث» از علی علیه السلام.
- ۷- محمد بن یوسف گنجی شافعی (مقتول سنه ۶۵۸) در «البیان فی اخبار صاحب الزمان» ص ۹۰ چاپ نجف باب نهم به نقل از «الجرح و التعدیل» دارقطنی،
- ۸- یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی (۶۸۵) در «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» چاپ ۱۳۹۹ مکتبه عالم الفکر مصر، باب اول ص ۲۴ بنقل از «صفة المهدی» ابونعیم از حدیثه آخر باب ۲ ص ۳۲ بنقل از مصدر فوق
- باب ۴ فصل ۲ ص ۸۹ بنقل از جابر بن یزید جعفی از ابو جعفر (امام باقر ع) و ص ۹۵ بنقل از امام امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ششم تحت عنوان: فی تصریح النبی بانّ المهدی من ولد الحسین بنقل از دارقطنی صاحب «الجرح و التعدیل»
- اواسط باب ۴ ص ۱۲۷ بنقل از فتن نعیم بن حماد از عبدالله بن عمرو باب نهم فصل سوم ص ۲۲۳ از «صفة المهدی» حافظ ابونعیم و

حافظ ابو عبدالله نعیم بن حمّاد و «معجم» حافظ ابو القاسم طبرانی
از عبدالله بن عمرو

۹- محب الدین طبری (۶۹۴) در «ذخائر العقبی» ص ۱۳۶-۱۳۷،
۱۰- شیخ ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبدالله جوینی خراسانی
(۷۳۰) در «فرائد السمطین- فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و
الائمة من ذریتهم-» ج ۲ ص ۳۲۵-۳۲۶ شماره ۵۷۵ با ذکر سند منتهی
به حافظ ابو العلاء حسن عطار همدانی.

۱۱- حافظ شمی الدین ذهبی (۷۴۸) در میزان الاعتدال ج ۲ ص
۳۸۲ ذیل نام عباس بن بکار ضبی

۱۲- سید علی شهاب همدانی (۷۸۶) در «مودة القربی و اهل
العباء» مندرج در «ینایع الموده قندوزی ص ۳۰۸ چاپ نجف» موده
دهم ضمن چند روایت مختلف و هم مضمون.

۱۳- محمد بن محمود حافظی معروف به خواجه پارسا (۸۲۲) در
«فصل الخطاب» مشروحاً حضرت مهدی را از فرزندان امام حسن عسکری
دانسته و اعلام نموده [ینایع الموده باب ۶۵، ص ۴۶۴ چ نجف]
۱۴- ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) در «لسان المیزان» ج ۳ ص ۳۰۰
طبق متن فرائد السمطین.

۱۵- ابن صبّاغ مالکی (۸۵۵) در «فصول المهمّة فی معرفة الأئمة»
ص ۲۷۷ بنقل از ابو نعیم عین آنچه را که از حدیثه آورده.

۱۶- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴) در «ینایع الموده»
اواخر باب ۵۴ ص ۱۹۷ چاپ نجف بنقل از موده القربی همدانی.

۷۸.....اصالت مهدویت در اسلام

اوایل باب ۷۷ ص ۵۳۴ بنقل از علی (ع) از پیامبر (ص) و از سلیم بن قیس از سلمان حدیثی را که با روی سخن به حسین فرمود: «...انت ابو حجاج تسعة تاسعهم قائمهم المهدی» بنقل از حموی و خوارزمی، و بنقل از ابن عباس با تعبیر «و تسعة من ولد الحسین مطهرون» از حموی
اواسط باب ۹۴ ص ۵۸۸ بنقل از اربعین حافظ ابونعیم از حدیثی در پاسخ سؤال سلمان از پیامبر اکرم پیرامون نام فرزندش - که مهدی از اولاد او باشد -

و ص ۵۸۹ بنقل از ابن خشاب از امام علی بن موسی الرضا و تصریح آنحضرت باینکه مهدی فرزند عسکری است.
و نیز ص ۵۸۹ با ذکر سند بنقل از امام موسی کاظم و تصریح باینکه امام صادق فرمود: «مهدی از فرزندان من باشد».

و ص ۵۹۰ متن آنچه را از «الجرح و التعديل» دارقطنی آوردیم.

نیز ص ۵۹۰ بنقل از مناقب خوارزمی^(۱) از سلمان فارسی.

روایتی را که سلمان وارد بر پیغمبر شد و دید حضرتش حسین بن علی را بر روی زانو نشانده و او را می بوسید و خبر می دهد از اینکه حضرت قائم نهمین فرزند حسین باشد

۱۷- شیخ عبدالهادی ابیاری (۱۳۰۵) در «العرائس الواضحه»

ص ۲۰۸

۱۸- سید مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۳۰۸) در «نورالابصار فی

مناقب آل بیت النبی المختار» چاپ بولاق مصر.

۱- این روایت را در مناقب نیافتم ولی در مقتل ج ۱ ص ۱۴۶ ذکر شده.

معتبرین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی علیه السلام
از نسل فاطمه زهرا علیها السلام و امام حسین بن علی علیهما السلام
در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری

در اینجا توجه خوانندگان ارجمند را به یک موضوع مهم جلب می‌نمائیم و آن اینکه:

اصل مسأله مهدویت در اسلام مانند مسأله امامت که در پیشگفتار بدان اشاره کردیم - یک مسأله اتقاقی بین همه مذاهب عقیدتی و فقهی اسلام است.

چیزی که در این رابطه مورد اختلاف می‌باشد موضوع ولادت حضرت مهدی است که گروهی انگشت شمار از اهل تسنن منکر، و اکثریت قریب به اتفاق موافق با شیعه، و در منابع عقیدتی، حدیثی و تاریخی خود صریحاً بدان اعتراف کرده‌اند.

ناگفته پیداست که معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری، و دیگر ویژگیها و شؤون حیاتی او از قبیل غیبت و... با شیعه هم عقیده‌اند.

با توجه به اینکه ما در این کتاب در انطباق بخشی از فرازهای سخنان امام در نهج البلاغه با مسأله مهدی منتظر، متکی به اعتراف

ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، شده ایم، و نامبرده در موضوع ولادت آن حضرت با شیعه مخالف، و آن را موکول به بعد نموده است، ما در این مقدمه به اسامی پیش از یکصد نفر از دانشمندان و مورخان اهل تسنن که با شیعه هم عقیده، و به ولادت حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری اعتراف کرده اند اشاره می کنیم؛ و برای تفصیل بیشتر، علاقمندان آشنا به زبان عربی را به کتاب «الامام المهدی عند اهل السنة»^(۱) و مقدمه آن ارجاع می دهیم.

۱ - ابوبکر محمد بن هارون رویانی (در گذشته ۳۰۷) در «مسند» مخطوط موجود در کتابخانه ظاهریه شام که بخش ویژه حضرت «مهدی» در جلد سوم «الامام المهدی عند اهل السنة» مندرج، تا به یاری خدا چاپ و منتشر گردد.

۲ - ابن ابی ثلج، ابوبکر، محمد بن احمد بن بغدادی (۲۳۸ - ۳۲۲) از بزرگان محدثان و مؤلف «تاریخ الأئمة» که به عنوان «موالید الأئمة» به پیوست «الفصول العشرة فی الغیبة - شیخ مفید» و «نوادیر اوندی» به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف به چاپ رسیده؛ و در این کتاب انتساب حضرت مهدی (ع) به امام عسکری و ولادت آن بزرگوار را صریحاً اعتراف نموده است.

۳ - ابوالعباس، احمد بن ابراهیم بن علی کندی، شاگرد ابن جریر

۱ - این کتاب تألیف این ضعیف، شامل ۵۶ متن حدیثی، تاریخی، کلامی و ادبی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن است درباره حضرت مهدی (عج)، که برای دومین بار بسال ۱۴۰۲ در دو جلد بزرگ در بیروت چاپ و منتشر شده است.

طبری، استاد حافظ ابونعیم اصفهانی، مقیم مکه، و راوی کتاب «موالید الأئمة».

۴- ابوعلی، احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، راوی کتاب «موالید الأئمة» ابن ابی ثلج به سال ۳۵۰ از کندی سابق الذکر.

۵- ابومسعود، احمد بن محمد بن عبدالعزیز بن شاذان بجلی، نویسنده و قاری رساله «موالید الأئمة» بر ابومنصور شیرازی.

۶- ابومنصور، عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی که رساله مذکور را از ابی مسعود شنیده و نوشته است.

۷- ابومحمد، اسد بن احمد ثقفی که رساله «موالید الأئمة» را از ابومنصور گرفته است.

۸- ابوماجد، محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز بن واعظ که رساله فوق الذکر را به نقل از ثقفی نامبرده ضبط کرده است.

۹- ابو عبدالله، محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی که این رساله را از ابوماجد شنیده و نقل کرده است.

۱۰- محب الدین، ابو عبدالله، محمد بن محمود بن حسن نجار بغدادی (۶۴۳) که شاگرد ابن جوزی، مدرس مدرسه «مستنصریه» بغداد، و مؤلف «ذیل تاریخ بغداد- شامل ۴۰ جلد-» بوده و محتوای رساله «موالید الأئمة» را از مشایخ سه گانه پیشین (ابومحمد ثقفی، ابوماجد، ابو عبدالله فاخر قرشی) شنیده و ضبط نموده است.

۱۱- نسب شناس مشهور، ابونصر، سهل بن عبدالله بخاری زیدی (بعد ۳۴۱) در «سرُّ السلسة العلویة» پیرامون نام امام حسن

عسکری (ع) چاپ نجف.

۱۲ - مورخ شهیر علی بن حسین مسعودی (۳۴۶) در «مروج

الذهب» جلد ۸، چاپ لیدن-به ضمیمه ترجمه فرانسوی-ص ۴۰.

۱۳ - خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف کاتب (۳۸۷) در

«مفاتیح العلوم»، چاپ لیدن سنه ۱۸۹۵، ص ۳۲-۳۳.

۱۴ - حافظ ابوالفتح، محمد بن احمد بن ابی الفوارس بغدادی

(۳۸۸-۴۱۲) در «اربعین» خود شماره ۴ به نقل «کشف الاستار» محدث

نوری ص ۲۹ چاپ اول.

۱۵ - جعفر بن محمد بن المعز مستغفری سمرقندی (۴۳۲) در

«دلائل النبوة و المعجزات» (بنا به نقل شیخانی در «الصراط

السوی»).

۱۶ - ابوبکر، احمد بن حسین بیهقی خسرو جردی شافعی (۴۵۸)

در «شعب الایمان» چاپ دائرة المعارف هند.

۱۷ - مؤلف «مجمل التواریخ و القصص» فارسی، (تألیف سال

۵۲۰)، ص ۴۵۸ چاپ تهران.

۱۸ - احمد بن ابی الحسن نامقی جامی (۵۳۶) به نقل

«ینابیع المودة» ضمن احوال امیر مؤمنان، باب ۸۷ ص ۵۶۶.

۱۹ - ابن خشاب، أبو محمد، عبدالله بن احمد بغدادی (۵۶۷) در

«تاریخ موالید الائمة و...»^(۱) به نقل «کشف الأستار» و «أعیان الشیعه».

۱ - جهت آگاهی بر مصادر شرح حال او و نسخه کتابش مراجعه شود به «الذریعه»

۲۰ - اخطب خوارزم، موفق بن احمد حنفی (۴۸۴-۵۶۸) در «مقتل امام حسین» (که بعضی با مناقب امیرالمؤمنین از همان نویسندہ اشتباه کرده‌اند) ج ۱ ص ۹۴، ۹۶ ضمن دو روایت و به نقل «ینابیع المودة» ص ۴۹۲ چاپ اسلامبول سنه ۱۳۰۱ و «کشف الاستار» علامه نوری.

۲۱ - یحیی بن سلامت خصکفی شافعی (۵۶۸) به نقل مؤلفان «تذکرۃ الخواص» ص ۳۶۰ چاپ نجف و «ینابیع المودة» باب ۸۷ ص ۵۶۹ بعنوان بعض شافعیه.

۲۲ - ابن ازرق، عبدالله بن محمد بن فارقی (۵۹۰) در «تاریخ میا فارقین» به نقل «وفیات الاعیان» (ج ۳ ص ۳۱۶، شماره مسلسل ۵۳۴).
۲۳ - خلیفه عباسی، الناصر لدين الله، احمد بن مستضییء (۶۲۲) روی درب مُنَبَّت کاری صغه سرداب سامراء که به دستور او تهیه و نصب گردیده.

۲۴ - شهاب الدین، یاقوت بن عبدالله حموی رومی بغدادی (۶۲۶) در «معجم البلدان» (ج ۳ ص ۱۷۳) پیرامون کلمه «سامراء».

۲۵ - شیخ فرید الدین عطار، محمد بن ابراهیم نیشابوری همدانی (۶۲۷) در دیوانش به نام «مظهر الصفات» به نقل «ینابیع المودة» باب ۸۷.

۲۶ - ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمد شیبانی موصلی (۵۵۵-۶۳۰) در «الکامل» ذیل سنه ۲۶۰.

۲۷ - شیخ محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی طائی

۸۴.....اصالت مهدویت در اسلام

اندلسی (۶۳۸) به نقل شعرانی - در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵ -
از باب ۳۶۶ «فتوحات مکیه» او که متأسفانه در چاپهای متعدد مصر از
روی خیانت این مطلب ساقط شده.

نیز حمزاوی در «مشارق الانوار» و صبان در «اسعاف الراغبین»
این مطلب را از محی الدین نقل کرده اند.

۲۸ - شیخ سعد الدین، محمد بن مؤید حمویه، معروف به سعد
الدین حموی (۶۵۰) در رساله «مهدی منتظر» به نقل جامی در «مرآة
الاسرار».

۲۹ - شیخ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی نصیبی (۵۸۲-۶۵۲)
در «مطالب السئول فی مناقب آل الرسول» باب ۱۲ و نیز در «الدر
المنظم» که بخشی از آن در باب ۶۸ «ینایع المودة» (ص ۴۹۳-۴۹۴)
درج و به چاپ رسیده است^(۱).

۳۰ - شمس الدین، یوسف بن قزاوغلی، سبط ابی الفرج بن جوزی
(۶۵۴) در «تذکره خواص الامة - فصل ویژه حضرت مهدی -» که در
تهران و نجف به چاپ رسیده است.

۳۱ - حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) در
«کفایة الطالب» - پیرو نام امام عسکری (ع) - و در «البیان فی أخبار
صاحب الزمان» - باب ۲۵ - که مکرر در ایران و نجف و بیروت چاپ شده
است.

۱ - نسخه مخطوط «الدر المنظم» در کتابخانه حسین باشا در آستانه ترکیه بشماره
۳۴۶ موجود است. [الغدیر ۴۱۴/۵]

۳۲- جلال‌الدین بلخی رومی (۶۷۲) در «مثنوی»، ضمن قصیده
«ای سرور مردان علی مستان سلامت می‌کنند».

[«ینایع الموده»، باب ۸۷]

۳۳- صدرالدین قونوی از بزرگان عرفا و فلاسفه (۶۷۳) در قصیده
«رائیه» خود به نقل «کشف الاستار» محدث نوری شماره مسلسل ۳۱.

۳۴- ابن‌خلکان (۶۸۱) در «وفیات الاعیان» ج ۱ ص ۵۷۱ چاپ
بولاق مصر، و در چاپ دیگر ج ۳ ص ۳۱۶ شماره ۵۳۴.

۳۵- عزیزالدین، عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی (۶۸۶) در
رساله خود به نقل «ینایع الموده» پایان باب ۸۷.

و او غیر از عزیزالدین عمر بن محمد بن احمد نسفی مؤلف «عقاید
النسفیة» و در گذشته ۵۳۸ است که مؤلفان «کشف الاستار» و «منتخب
الاثر» با یکدیگر اشتباه نموده‌اند، و مؤلف «دانشمندان عامه و مهدی
موعود» تاریخ فوتش را ۶۱۶ نگاشته است.

۳۶- حکیم ادیب، عامر بن بصری نزیل سوا این روم (۶۹۶) در
«تائیه» خود که به نقل «معجم المؤلفین» ۵/۵۴- بنام «ذات الانوار» با
مقدمه عبدالقادر مغربی و به اعانت ماسینیون به چاپ رسیده، و علامه
نوری در صفحه ۵۵ «کشف الاستار» این بخش از اشعار او را ذکر نموده
است.

۳۷- مورخ نامی، حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی (۷۳۰) در
«تاریخ گزیده فارسی» ص ۲۰۶-۲۰۷ چاپ ۱۳۳۹ تهران.

۳۸- شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی حموئی

- ۸۶.....اصالت مهدویت در اسلام
- شافعی (۶۴۴-۷۳۲) در «فرائد السمطين» ج ۲ ص ۳۳۷ چاپ بيروت.
- ۳۹ - مورخ شهير، ابوالفداء، عمادالدين اسماعيل بن على، حاكم حماة از بلاد سوريه (۷۳۲) در «المختصر في اخبار البشر» ذيل سنه ۲۵۴ ج ۲ ص ۴۵.
- ۴۰ - كمال الدين عبدالرزاق بن احمد كاشاني صوفى (۷۳۰ يا ۷۳۵) در «تحفة الاخوان في خصائص الفتیان» به نقل سعيد نفیسی در «سر چشمه تصوف در ايران» ص ۲۱۶.
- ۴۱ - عارف شهير علاءالدوله سمنانی، احمد بن محمد شافعی (۶۵۹-۷۳۶) به نقل خواجه پارسا در «فصل الخطاب پیرامون ذکر ابدال و اقطاب» که مورد عقیده متصوفة اهل سنت است.
- ۴۲ - مورخ شهير، شمس الدين محمد ذهبی (۶۷۳-۷۴۸) که اصلش تركمانی و در دمشق اقامت گزیده، در تاريخ «دول الاسلام» ج ۱ ص ۱۵۸ ذيل سنه ۲۶۰؛ نیز در «العبر في خبر من غبر» ج ۲ ص ۲۰ ذيل حوادث سنه ۲۶۰.
- ۴۳ - ابن وردی، زين الدين عمر بن مظفر بن ابی الفوارس (۶۹۱-۷۴۹) در «تمة المختصر» معروف به تاريخ ابن وردی، چاپ مصر ج ۱ ص ۳۱۸ ذيل حوادث سنه ۲۵۴ پیرامون وفات امام هادی (ع).
- ۴۴ - شيخ شمس الدين محمد بن يوسف زرندي حنفی انصاری (۶۹۳-۷۴۷ يا ۷۴۸ يا ۷۵۰) در «معراج الوصول الى معرفة فضيلة آل الرسول» که عكس نسخه خطی آن از كتابخانه ناصريه لكهنو در مکتبه اینجانب موجود است.

۴۵ - صلاح الدین صفدی خلیل بن ایبک (۷۶۴) مؤلف «الوافی بالوفیات» و «شرح لامیه العجم» و «شرح الدائرة» به نقل «ینابیع المودة» باب ۸۶.

۴۶ - حافظ محدث، عبدالله بن محمد مطیری مدنی شافعی نقشبندی (۷۶۵) در «الریاض الزاهرة فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهره» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص ۹۳ و ۲۱۵-۲۱۶ چاپ قدیم.

۴۷ - مورخ شهیر، عبدالله بن علی یافعی یمنی شافعی (۷۰۰-۷۶۸) در «مرآة الجنان» ج ۲ ص ۱۷۲ ذیل حوادث سنه ۲۶۰.

۴۸ - سید علی بن شهاب بن محمد همدانی مقیم هند (۷۱۴-۷۸۶) در «مودة القربی» و «اهل العباء» که نسخه عکسی آن از کتابخانه ناصریه هند نزد اینجانب موجود است، و متن کامل آن ضمن باب ۵۶ «ینابیع المودة» ص ۲۸۸-۳۱۷ چاپ نجف مندرج است.

۴۹ - ابوولید، محب الدین، محمد بن شحنه حلبی حنفی (۷۴۹-۸۱۵) در «روضة المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر» - که مختصر «تاریخ ابوالفداء» است و در حاشیه «مروج الذهب» به سال ۱۳۰۳ در مصر به چاپ رسیده است - ج ۱ ص ۲۹۴.

۵۰ - عارف شهیر و مورخ نامی، محمد بن محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی نقشبندی (۸۲۲) در «فصل الخطاب» که نسخه اش در کتابخانه مجلس و فتوکپی آن نزد اینجانب موجود می باشد؛ و گویا در هند به چاپ رسیده است؛ و بخش ویژه ائمه اثنا عشر

۸۸.....اصالت مهدویت در اسلام

آن مندرج در باب ۶۵ «ینایع المودة» می باشد.

۵۱ - مورخ شهیر، احمد بن جلال الدین محمد فصیح خوافی (۷۷۷-۸۴۵) در «مجمل فصیحی» چاپ مشهد سنه ۱۳۴۱، ج ۱ ص ۲۳۱، ضمن رویدادهای ۲۵۵.

۵۲ - شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی، معروف به ملک العلماء زاوی دولت آبادی (۸۴۹) در «هدایة السعداء فی مناقب السادات» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری ص ۷۳ و «البرهان» علامه سید محسن عاملی شامی چاپ دمشق.

۵۳ - خواجه افضل الدین بن صدرالدین ترکه خجندی اصفهانی (۸۵۰) در «تنقیح الادلة و العلل» ترجمه «ملل و نحل» شهرستانی، ص ۱۸ و ۱۸۳ و ۱۸۷.

۵۴ - ابن صباغ، نورالدین، علی بن محمد مالکی (۷۳۴-۸۵۵) در «الفصول المهمة فی معرفة الائمة» ضمن فصل ویژه حضرت مهدی (ع)، ص ۲۷۴ چاپ غری.

۵۵ - شیخ عبدالرحمن بسطامی (۸۵۸) در «درة المعارف» به نقل «ینایع المودة» باب ۸۴.

۵۶ - ابوالمعالی، سراج الدین، محمد بن عبدالله حسینی رفاعی مخزومی بغدادی (۷۹۳-۸۸۵) در «صحاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمية الاخيار» ص ۱۴۳، چاپ ۱۳۰۶ مصر.

۵۷ - نورالدین، عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی حنفی شاعر (۸۹۸) صاحب «شرح کافیه» در «شواهد النبوة» که

در لکهنو و یمبئی در ۴۴ صفحه بچاپ رسیده است و فتوکپی نسخه خطی مجلس شورای اسلامی نزد اینجانب موجود است.

۵۸ - محمد بن داود نسیمی منزلاوی صوفی (۹۰۱) به نقل قندوزی در «ینابیع المودة» باب ۸۶ ص ۵۶۶ چاپ نجف.

۵۹ - مورخ نامی، میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۹۰۳) در «روضه الصفا» ج ۳ ص ۵۹-۶۲ فصل ویژه حضرت مهدی (ع)، که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود می باشد.

۶۰ - قاضی فضل بن روزبهان خنجی شیرازی (درگذشته بعد ۹۰۹) که از سرسخت ترین مخالفان شیعه بوده، در قصیده خود که شامل سلام بر یک یک انوار مقدسه چهارده معصوم است و در مسأله پنجم از بخش سوم «ابطال الباطل» آنرا ذکر نموده، و نگارنده عین آن را در مقدمه «الامام المهدی عند اهل السنة» بخش مخطوطات آورده است.

۶۱ - ملا حسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری هروی (۹۱۰) در «روضه الشهداء» فصل هشتم چاپهای دهلی و غیره.

۶۲ - قاضی حسین بن معین الدین میبدی یزدی حکیم (۹۱۱) - از شاگردان ملا جلال الدین دوانی - در شرح دیوان منسوب به امیر مؤمنان علی (ع) ص ۱۲۳ و ص ۳۷۱ چاپ تهران.

۶۳ - فیلسوف شهیر جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی شافعی (۹۰۷ یا ۹۱۸ یا ۹۲۸) در «نور الهدایة فی اثبات الولاية» که بار اول ضمیمه «خصایص» ابن بطریق بسال ۱۲۱۱ قمری، و بعداً به سال

۹۰.....اصالت مهدویت در اسلام

۱۳۷۵ در تهران بچاپ رسیده است.

۶۴ - ابوالحسن، علی بن محمد شاذلی (۸۵۷-۹۳۹) بنا به نقل

شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» باب ۵۶.

۶۵ - مورخ نامی، خواند میر (۹۴۲)، سبط میرخواند مؤلف

«روضه الصفا» در تاریخ «حبیب السیر» ج ۲ ص ۱۰۰-۱۱۳.

۶۶ - شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی (۹۵۳) در

«الأئمة إثني عشر» ص ۱۱۷ چاپ دارالصادر بیروت.

۶۷ - شیخ حسن عراقی (بعد ۹۵۸) مدفون بالای کوم الریش در

مصر، به نقل شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۰ و در «لواقح

الانوار» چاپ ۱۳۷۴ مصر ج ۲ ص ۱۳۹، ملاقات و اجتماع او را با

حضرت مهدی (ع) ذکر نموده است.

۶۸ - شیخ علی خواص، استاد عارف شهیر شیخ عبدالوهاب

شعرانی (بعد ۹۵۸) به نقل شاگردش «لواقح الانوار» ج ۲ ص ۱۵۰ و

«الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵.

۶۹ - تقی الدین ابن ابی منصور (تاریخ فوت او بدست نیامد) شعرانی

در «الیواقیت و الجواهر» آغاز باب ۶۵ از کتاب «عقیده» او نقل کرده

است.

۷۰ - مورخ شهیر، قاضی حسین بن محمد دیار بگری (۹۶۶) در

«تاریخ الخمیس» ج ۲ ص ۳۴۳ پیرامون حوادث ۲۶۰ و رویدادهای-

ایام معتمد عباسی.

۷۱ - عارف شهیر، شیخ عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی

(۸۹۸-۹۷۳) در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵.

۷۲ - شهاب الدین، شیخ الاسلام، احمد بن حجر هیثمی شافعی

(۹۰۹-۹۷۴) در «صواعق المحرقة» ص ۱۰۰ و ۱۲۴ چاپ ۱۳۱۳

هجری مصر،

۷۳ - سید جمال الدین، عطاء الله بن سید غیاث الدین فضل الله

شیرازی نیشابوری (۱۰۰۰) در «روضه الاحباب» فارسی، چاپ ۱۲۹۷

لکهنو و ۱۳۱۰ هند، در فصل ویژه حضرت مهدی (ع).

۷۴ - محدث شهیر، ملا علی بن سلطان هروی قاری (۱۰۱۴) در

«المرقاة فی شرح المشکاة» که بخش ویژه حضرت مهدی (ع) از آن در

جلد دوم «الامام المهدی عند اهل السنة» به چاپ رسیده است.

۷۵ - مورخ شهیر و فاضل، ابی العباس، احمد بن یوسف بن احمد

دمشقی قرمانی (۹۳۹-۱۰۱۹) در تاریخ «اخبار الدول و آثار الاول» ص

۱۱۷، ضمن باب ویژه خلفاء و ائمه.

۷۶ - امام ربانی، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی

حنفی (۹۷۱-۱۰۳۱)، که از بزرگان صوفیه هند بوده، و از وی به مجدد

هزاره دوم تعبیر کرده‌اند، در «مکتوبات» ج ۳ مکتوب آخر.

۷۷ - عارف شهیر، عبدالرحمن چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن

عباسی علوی صوفی (بعد ۱۰۴۵) در «مرآة الاسرار»، فارسی، شامل

شرح حال مشایخ صوفیه (که نسخه آن در کتابخانه آصفیه لکهنو به

شماره ۱۶۷ و کتاب ۱۳۰۹ موجود است، و نسخه دیگری از آن در

کتابخانه مجلس تهران موجود می‌باشد) و شاه ولی الله دهلوی نیز در

۹۲.....اصالت مهدویت در اسلام

کتاب «الانتباه فی سلاسل اولیاء اللہ و اساتید و ارثی رسول اللہ» از آن نقل کرده است.

۷۸ - عارف شهیر، بدیع الزمان قطب مدار، کسی که عبد الرحمن صوفی کتاب «مرآة الاسرار» را به خاطر او نوشت و او معاصر وی بود، و از اعلام نیمه اول سده یازدهم به شمار می رود؛ و به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص ۵۱ تحت شماره ۲۷، عبد الرحمن داستان دیدار او را با آن حضرت در کتاب نامبرده آورده است.

۷۹ - ابوالمجد، عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری حنفی (۹۵۹-۱۰۵۲) در رساله و یثرة مناقب ائمه و احوال آنها به نقل «کشف الاستار» تحت شماره ۱۲.

۸۰ - مورخ شهیر، عبدالحی بن احمد، معروف به ابن عماد دمشقی حنبلی (۱۰۳۲-۱۰۸۹) در «شذرات الذهب» ضمن حوادث ۲۶۰ هجری، ص ۱۴۲، چاپ ۱۳۵۰.

۸۱ - شیخ محمود بن محمد شیخانی قادری (بعد ۱۰۹۴) در «الصراط السوی فی مناقب آل النبی (ص)».

۸۲ - عبدالمملک بن حسین بن عبدالمملک بن عصامی مکی (۱۰۴۹-۱۱۱۱) در کتاب «سمط النجوم العوالی» ج ۴ ص ۱۳۷ - پیرامون نام حضرت امام حسن عسکری (ع) - و ص ۱۳۸.

۸۳ - میرزا محمد خان بن رستم بدخشی (۱۱۲۲) در «مفتاح النجا فی مناقب آل العبا» ص ۱۸۱، مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی قم. [ملحقات احقاق الحق ۱۳/۹۵]

مهدی موعود حسینی است ۹۳

۸۴- سید عباس بن علی مکی (بعد ۱۱۴۸) در «نزهة الجلیس» ج ۲ ص ۱۲۸، چاپ قاهره.

۸۵- شیخ عبدالله بن محمد شبراوی شافعی مصری (۱۱۷۲)، شیخ جامع ازهر، در «الاتحاف بحب الاشراف» ص ۶۸-۶۹، چاپ قاهره.

۸۶- احمد بن علی بن عمر، شهاب الدین، ابوالنجاح منینی حنفی دمشقی (۱۰۸۹-۱۱۷۳) در کتاب «فتح المنان» در شرح منظومه «الفوز والامان» شیخ بهائی، ص ۳، چاپ قاهره؛
متن این کتاب در «الامام المهدی عند اهل السنة» عیناً به چاپ رسیده است.

۸۷- شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی حنفی (۱۱۱۰-۱۱۷۶) در «المسلسلات» معروف به «الفضل المبین» قضیه ملاقات بلاذری با آن حضرت را آورده، و با سکوت موجب رضا از اظهار نظر خودداری کرده است.

نیز (به نقل «کشف الاستار» شماره ۲۶) در «الانتباه فی سلاسل اولیاء الله» در این زمینه شرح مفصّلی از جامی آورده است.

۸۸- شیخ سراج الدین، عثمان دده عثمانی (۱۲۰۰) در «تاریخ الاسلام و الرجال» ص ۳۷۰، نسخه مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی.

[ملحقات احقاق الحق ۱۳/۹۲]

۸۹- شیخ محمد بن علی صبان مصری شافعی (۱۲۰۶) در

۹۴.....اصالت مهدویت در اسلام

«اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفیٰ وفضائل اهل بیته الطاهرین»^(۱) ذکر نموده است.

۹۰ - مولوی علی اکبر بن اسدالله مودودی (۱۲۱۰) از مشاهیر علمای هند و متعصبین سر سخت علیه شیعه در «مکاشفات» - که حواشی بر «نفحات الانس» جامی است - (ج ۷، ص ۳۲۷) پیرامون شرح حال علی بن سهل اصفهانی و بحث از عصمت انبیاء و امام مهدی موعود.

۹۱ - مولوی محمد مبین هندی لکهنوی (۱۲۲۰) در «وسيلة النجاة» چاپ گلشن فیض، ص ۳۱۶.

۹۲ - شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی (۱۱۵۹-۱۲۳۹)، مؤلف «تحفة اثناعشریة» بنا به نقل «استقصاء الافهام» ص ۱۱۹ در «النزهة» روایت ابن عقلمه، مربوط به ملاقات بلاذری را از «فضل المبین» پدر خود نقل کرده، و این خود گواه بر عقیده او به حیات حضرت مهدی (ع) می باشد.

۹۳ - خالد بن احمد بن حسین، ابوالبهاء، ضیاءالدین نقشبندی شهرزوری (۱۱۹۰-۱۲۴۲) از بزرگان صوفیه، در «دیوان فارسی» خود به نقل «مجمع الفصحاء» رضاقلی هدایت، ج ۲، ص ۱۱، چاپ ۱۳۲۹.

۹۴ - رشیدالدین دهلوی هندی (۱۲۴۳) در «ایضاح لطافة المقال» بنقل «الامام الثانی عشر» علامه عبقانی، ص ۴۷، چاپ نجف.

۱ - این کتاب کراراً در حاشیه «نورالابصار» شبلینجی، و یکبارهم در حاشیه «مشارق الانوار» حمزاوی در مصر به چاپ رسیده است.

مهدی موعود حسینی است ۹۵

۹۵ - نسب شناس شهیر، ابوالفوز، محمد امین سویدی بغدادی (۱۲۴۶) در «سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب» ص ۸۷ در خط عسکری ذکر نموده است.

۹۶ - قاضی جواد بن ابراهیم بن محمد ساباط هجری بصری حنفی (۱۱۸۸-۱۲۵۰)، که نخست مسیحی بود و از آن پس گرایش به اسلام پیدا کرد، در «البراهین الساباطیه فیما یستقیم به دعائم الملة المحمدية» چاپ عراق، به نقل «کشف الاستار».

۹۷ - شیخ عبدالکریم یمانی (قبل ۱۲۹۱) ضمن اشعاریکه پیرامون حضرت مهدی (ع) سروده و در «ینایع المودة» عیناً آنها را آورده است.

۹۸ - محدث عالیقدر، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی معروف به خواجه کلان (۱۲۲۰-۱۲۹۴) در «ینایع المودة» آخر باب ۵۶ و آخر باب ۷۹، که بارها در ترکیه، هند، عراق، ایران، و در هفتمین بار به سال ۱۳۸۴ در نجف به چاپ رسیده است.

۹۹ - شیخ حسن عدوی حمزاوی شافعی مصری (۱۳۰۳) در «مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار» ص ۱۵۳، چاپ مصر.

۱۰۰ - عبدالهادی بن رضوان بن محمد بن الابیاری (۱۳۰۵) در «جالیة الكدر» - شرح منظومه سبزواری - ص ۲۰۷ چاپ مصر.

۱۰۱ - مؤلف «تشید المبانی» (۱۳۰۶) به نقل علامه محقق میرحامد

حسین نیشابوری هندی در «استقصاء الافهام» ص ۱۰۳، چاپ لکهنو.

۱۰۲ - سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری (۱۲۵۲) -

۹۶.....اصالت مهدویت در اسلام

بعد ۱۳۰۸) در فصل ویژه حضرت مهدی (ع) در «نور الابصار»
ص ۱۵۰، چاپ ۱۳۲۲ مصر.

۱۰۳ - عبدالرحمن بن محمد بن باعلوی حضرمی (۱۳۲۰)، مفتی
حضرم یمن، در «بغیة المسترشدين» ص ۲۹۶، چاپ مصر، به نقل از
جلال الدین سیوطی.

۱۰۴ - محمود بن وهیب قراغولی بغدادی حنفی در کتاب «جوهرة
الکلام» مطبوع، ص ۱۵۷، در فصلی که تحت عنوان «المجلس الثلاثون
فی فضائل محمد المهدی رضی الله عنه» ویژه حضرت مهدی (ع)
گشوده، به ولادت و غیبت آن بزرگوار اعتراف کرده است.

۱۰۵ - عماد الدین حنفی، به نقل علامه نوری از بعضی اصحاب خود
در «کشف الأستار» ص ۶۰، اعتراف به ولادت حضرت مهدی (ع)
نموده، ولی علامه نوری از نص کلام او اظهار بی اطلاعی کرده است.

۱۰۶ - فاضل محقق قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگنه
زوری (۱۳۵۰) در «محاكمة در تاریخ آل محمد [ص]» که از ترکی
آذربایجانی به فارسی ترجمه، و بالغ بر ده مرتبه در ایران به چاپ
رسیده، و نمایشگر عالی ترین و محققانه ترین بحث در باره امامت است.

۱۰۷ - شیخ عبیدالله امرتسری حنفی، معاصر، در کتاب
«ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسدالله الغالب امیر المؤمنین علی
بن ابی طالب [ع]» که به زبان اردو نگارش و در لاهور به چاپ رسیده
است، ص ۳۷۷.

۱۰۸ - سید عبدالرزاق بن شاکر بدری شافعی، معاصر، در کتاب خود

«سيرة الامام العاشر على الهادي [ع]» ص ۱۳۱.

۱۰۹ - محمد شفيق غربال (۱۳۱۱-۱۳۸۱)، مورخ شهير و عضو مجمع لغوی در قاهره، در «دائرة المعارف» که به قلم گروهی از متخصصین در ۲۰۰۰ صفحه نگارش یافته، و به سال ۱۹۶۵ در قاهره به چاپ رسیده، زیر عنوان «الأئمة الإثني عشرية» نوشته است که حضرت مهدی (ع) در سنه ۸۷۳ میلادی (که همزمان با ۲۶۰ هجری، آغاز غیبت صغری می باشد) غایب گردیده.

۱۱۰ - خيرالدين بن محمود بن محمد زرکلی دمشقی (۱۳۱۰-۱۳۹۶) در «الأعلام» ج ۶ ص ۸۰ چاپ سوم، ضمن فصلی که به نام «محمد بن الحسن العسكري» باز نموده، اعتراف به ولادت آن حضرت کرده است.

۱۱۱ - یونس احمد سامرائی در کتاب «سامراء فی ادب القرن الثالث الهجری» که با همکاری دانشگاه بغداد به سال ۱۹۶۸ میلادی به چاپ رسیده، در ص ۴۶ پیرامون واژه «عسکری» می گوید:

«گروهی از شخصیت ها حامل نسبت این کلمه اند، از جمله

ابوالحسن علی بن محمد الجواد العسكري و فرزندش حسن بن علی و

ابوالقاسم محمد بن الحسن العسكري، و او مهدی منتظر است.»

و در پاورقی همین صفحه تصریح به قبّه و سرداب غیبت نموده و

می گوید:

«همانجاست که پندارند مهدی منتظر در آن غیبت نموده.»

آنگاه می نویسد:

« این سرداب را کثیری از مسلمین در دوره سال زیارت می‌کنند. »

بدین ترتیب گرچه نامبرده تصریح به تاریخ ولادت آن حضرت نکرده است لکن همانرا که دیگران درباره حضرت مهدی (ع) نوشته‌اند صریحاً و بدون هیچگونه تردیدی نوشته و ولادت آن حضرت را امر مسلمی دانسته است.

۱۱۲- مستشار عبدالحلیم جندی مصری، معاصر، در کتاب «الامام جعفر الصادق» ص ۲۳۸ چاپ مجلس اعلای شؤون اسلامی مصر، ۱۳۹۷.

آری، این شخصیت‌های بزرگ از اهل تسنن بر ولادت حضرت مهدی (ع) تصریح کرده‌اند؛ و از اینجا می‌توان گفت که مسأله تولد امام مهدی (ع) از مسلمات گروه عظیمی از علماء اهل تسنن می‌باشد؛ و کسانی که قائل به تولد او نیستند و می‌گویند در آینده متولد خواهد شد در اقلیت می‌باشند.

اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد و بیست نفر از علمای سنی به فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی ولوازم آن

همچنانکه در بحث و بررسی پیرامون حسینی بودن حضرت مهدی منتظر خاطر نشان گردید که از طرف محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه (اولین مدعی دروغین مهدویت در اسلام) یا از طرف محمد بن عبدالله منصور دوانیقی (خلیفه عباسی و دومین مدعی دروغین مهدویت) فراز «واسم ایبه اسم ابی» به حدیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرمود: «المهدی اسمه اسمی» اضافه شد و تنها در سنن ابی داود و سنن ابن ماجه مندرج گردید، تا مهدی موعود «محمد بن عبدالله» تلقی شود و مهدویت کسی که خود هم نام با پیامبر است و پدرش همانم با پدر پیامبر، جا اندازی و قابل قبول گردد و مهدویت «محمد بن الحسن العسکری» از اعقاب و فرزندان حسین بن علی به دست فراموشی سپرده شود.

این موضوع در عین حالی که طبق نظر علمای حدیث شناس سنی ساخته گی بودن آن ثابت و مسلم و شرحش به نظر رسید، تا هم اکنون بین بعض نویسندگان سنی و بخصوص سنی های وهابی مطرح است که

می گویند: «مهدی، محمد بن عبدالله است»!

اکنون با توجه به تعداد یکصد و دوازده نفر از علما و مورخین نامبرده سنی که هریک اعتراف کتبی به ولادت حضرت مهدی در سنه ۲۵۵ هجری نموده و همه آنها آن حضرت را بدون شک و تردید بلکه بطور مسلم و قاطعانه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام (امام یازدهم شیعه) معرفی و اعلام کرده اند.

و اضافه بر این عده تعداد چهارده نفر دیگر از اعلام تاریخی سنی در کتاب ارزشمند و پرمایه «دفاع عن الکافی» تألیف آقای سید ثامر هاشم حبیب عمیدی، معرفی شده اند که مجموعاً ۱۲۶ نفر اعتراف به ولادت آن حضرت نموده اند، دیگر جای هیچ گونه حرف و نقلی برای مهدی فرزند امام حسن عسکری بودن، و ساختگی بودن فراز «واسم ابیه اسم ابی» بر جای نمانده که متأسفانه بعد از این همه بحث و گفتگو و نقلیات حدیثی و اعترافی پیرامون فرزند امام عسکری بودن مهدی منتظر، یک سنی متجدد مآب و غرب زده با انکار صاحب فرزند بودن امام حسن عسکری، مشتم خیانت خود را باز کند و آبروی خود را به باد دهد.

آری دکتر عبدالله غفاری در نوشته های گزارشی خود به عنوان «پروتوکلات آیات قم» - ص ۱۱ چاپ ۱۴۱۱ هجری، ۱۹۹۱ م، - وانمود کرده که تاریخ می گوید امام حسن عسکری درگذشت و فرزندی بر جای نگذارد و امام مهدی منتظر متولد نشده!

تعداد ۱۵۲ اثر

تألیفی (کتاب ، رساله ، مقاله) علما و دانشمندان اهل تسنن
درباره حضرت مهدی (عج)

۱ - «إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون ، فی أحادیث الواردة
فی المهدی» یا «المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث
المهدی».

أحمد بن محمد بن صدیق شافعی مغربی (درگذشته ۱۳۴۸).
چاپ دمشق و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة»
۲۲۳/۲.

۲ - «إبراز الوهم من کلام ابن حزم».

أحمد بن صدیق بخاری حصرمی (۱۳۸۰).
چاپ ۱۳۴۷ مطبعة ترقی دمشق ، در ردّ بر ابن حزم اندلسی (متوفای
۴۵۶) که در کتاب «الفصل بین الاهواء و النحل» از موضوع مهدویت
تخطئه و انتقاد نموده و احادیث مهدی منتظر را تضعیف و بی اعتبار
و انمود کرده است.

۳ - «اتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعة»

شیخ محمود بن عبدالله تویجری.

ج اول چاپ اول ۱۳۹۴ چاپخانه الرياض عربستان سعودی.

۴- «اتحاف الجماعة...».

ج ۲ چاپ ۱۳۹۶ ریاض عربستان سعودی.

[دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۳]

۵- «أحادیث أشرط الساعة الصغرى».

صالح محمد دخیل الله (معاصر).

چاپ ۱۴۱۱ دانشگاه اسلامی مدینه در ۶۳۷ صفحه وزیرى كه

بعنوان تز دکترای مؤلف زیر نظر استاد ربیع بن هادی بن عمیر مدخلی
تنظیم نموده.

[دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۳]

۶- «أحادیث القاضیه بخروج المهدي».

محمد بن اسماعیل امیریمانی.

[الاذاعة ابن صدیق قنوجی بخاری ص ۱۱۴]

۷- «أحادیث المهدي من مسند أحمد بن حنبل (۲۴۱)».

استخراج و تنظیم سید محمد جواد حسینی جلالی (معاصر).

شامل مقدمه طولانی و ۱۳۶ حدیث از «مسند أحمد حنبل» به

ترتیب موضوعی. و چاپ پنجم آن بسال ۱۴۰۹ هـ وسیله مؤسسه نشر

اسلامی قم (جامعه مدرسین) در ۷۸ صفحه وزیرى به ضمیمه کتاب

«البيان» گنجی شافعی در ۱۷۰ صفحه انجام شده.

۸- «الأحادیث الواردة بشأن الدجال في مسند أحمد والصحیحین و

السنن الأربع جمعاً و تخريجاً و دراسة لما لم یبین فی الصحیح».

أحمد بن عیسی بن هادی عسر.

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۰۳

این کتاب رساله فوق لیسانس مؤلف باشد که بسال ۱۴۰۱ زیر نظر استادش سید محمد حکیم در دانشکده الدراسات العلیاء دانشگاه مدینه منوره در ۳۱۷ ورقه تنظیم گردیده.

[دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۴]

توضیحاً کتاب بعنوان دجال تألیف شده ولی چون موضوع آن مربوط به عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام و کشته شدنش بدست عمال آن حضرت است در اینجا بذکر آن پرداختیم.

۹- «الأحادیث الواردة فی المهدی، فی المیزان الجرح و التعدیل».

عبدالعظیم بن عبدالعظیم هندی (معاصر).

بنوشته شیخ عبدالمحسن عباد، این کتاب بعنوان تز دکترا در سال ۱۳۹۸ زیر نظر استادش، دکتر محمد ابوشهبه، درباره حضرت مهدی تألیف، و نسخه خطی آن در بیش از ۶۰۰ صفحه در کتابخانه دانشکده شریعت در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکه موجود میباشد.

نیز گوید: این کتاب بهترین و گسترده ترین کتاب مرجع پیرامون احادیث حضرت مهدی علیه السلام است، که مؤلف بیش از چهار سال در تنظیم آن عمر سپری کرده و احادیث مربوطه را بررسی و صحت و اعتبار و تواتر آنها را اثبات نموده.

[مجلة جامعة الاسلامیة سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۲۳ و مقاله او عیناً

مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۲ ص ۴۶۵ میباشد.]

۱۰- «أحادیث و کلمات حول الامام المنتظر».

سید عبدالله (معاصر).

۱۰۴ اصالت مهدویت در اسلام

چاپ ۱۴۰۹ هـ انتشارات الهدایة الاسلامیة دبی در ۱۶۸ صفحه

رقعی.

[کتابنامه حضرت مهدی، شماره ۹۳]

۱۱ - «الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر».

شیخ حمود بن عبدالله حمود تویجری (معاصر).

چاپ اول ۱۴۰۳ در عربستان سعودی و چاپ دوم در ۴۲۴ صفحه

وزیری وسیله کتابخانه دارالعلیان الحدیثه، برید ریاض.

این کتاب در ردّ بر «لامهدی منتظر بعد الرسول سید البشر» تألیف

رئیس دادگاه قطر، شیخ عبدالله بن زید بن محمود که در انکار مهدویت

خلاصه، و چاپ شده می باشد.

۱۲ - «أحوال صاحب الزمان» (فارسی).

محمد بن مؤید جوینی مشهور به سعدالدین حموی (۶۵۰) - پدر

مؤلف «فرائد السمطین فی...» -

وی خراسانی و نخست مقیم قاسیون دمشق بود و از آن پس به

خراسان بازگشت و در خراسان بدرود حیات گفت.

این کتاب بیانگر ۶۰ حدیث پیرامون سیره، غیبت و ظهور حضرت

بقیة الله (عج) میباشد، و در «مرآة الاسرار» جامی بعنوان «رسالة فی

المهدی المنتظر» ذکر شده.

[الانسان الكامل عزیزالدین نسفی، شاگرد مؤلف، چاپ تهران

۳۲۰-۳۲۱؛ کتابنامه حضرت مهدی شماره ۶۶]

۱۳ - «أحوال مهدی آخر الزمان» (فارسی).

علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵).

شامل ۶۰ حدیث پیرامون ظهور و علائم ظهور همراه با ترجمه فارسی. نسخه خطی آن در چهار فصل تنظیم و در نعت و نسب و کرامات و نشانه‌های ظهور و اوضاع جهان در عصر ظهور خلاصه شده. دو نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم ضمن مجموعه‌های شماره ۵۲۴ و ۹۲۱۵ موجود است و نسخه‌ای هم در کتابخانه گنج بخش پاکستان ضمن مجموعه ۸۱۲.

۱۴ - «أخبار الدولة فی ظهور المهدی».

أحمد بن ابراهیم بن جزار قیروانی (۴۰۰).

وی طبیب آفریقائی بود که دهها اثر تألیفی بجای گذارده و بسال ۴۰۰ در اندلس کشته شد.

[هدیه العارفین ۱/ ۷۰]

۱۵ - «أخبار المهدی» یا «أخبار المهدی المنتظر».

عباد بن یعقوب رواجنی أسدی.

از شیوخ بخاری و دیگر محدثین همردیف او (أمثال ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزار ابن خزیمه) بوده و ارباب رجال و حدیث‌شناسان همه وثاقت و صداقت او را مورد تأکید قرار داده‌اند، اما بخاطر شدت محبتش به خاندان رسالت همواره هدف هجوم دشمنان اهل بیت قرار می‌گرفت.

ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم نیشابوری و ابوحاتم، نقل از

ابن خزیمه نموده که گفت از رواجنی شنیدم که می‌گفت:

هرکس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله بیزاری نجوید با آنها محشور خواهد شد.

[میزان الاعتدال ۳۷۹/۲؛ سیر أعلام النبلاء ۵۳۷/۱۱]

سمعانی پس از تصریح باینکه رواجنی از مشایخ بخاری بوده از او انتقاد می‌کند که چرا از رسول اکرم روایت نموده که فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَاوِيَةَ عَلِيٍّ مَنبَرِي فَاقْتُلُوهُ» یعنی وقتی معاویه را بر فراز منبر من دیدید او را بکشید.

و چرا از ابوبکر روایت نموده که به خالد بن ولید دستور داده بود امیر مؤمنان را بکشد سپس پشیمان شد و گفت: «لَا تَفْعَلْ مَا أَمَرْتُكَ» یعنی آنچه را به تو دستور دادم انجام نده. (انساب سمعانی ۱۷۰/۶)

بدین ترتیب با سنی بودن رواجنی - همچنانکه بسیاری از بزرگان رجالیون، امثال شیخ طوسی (فهرست ص ۱۴۹) سروی (معالم العلماء ص ۸۸) ابن داود (رجال ص ۲۹۲) بدان تصریح کرده‌اند - وی نخستین عالم اهل تسنن بوده که درباره حضرت مهدی کتاب نوشته است.

جالب توجه آنکه رواجنی در سنه ۲۵۰ هجری در گذشته و قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام - در سنه ۲۵۵ ه - کتاب «أخبار المهدی» را تنظیم و تألیف نموده.

جالب تر آنکه بنوشته ذهبی (میزان الاعتدال ۳۷۹/۲) رواجنی شمشیری بالای سرش آویخته بود و چون از او سؤال شد: این شمشیر برای چیست؟

در پاسخ گفت: آنرا آماده کرده‌ام که با آن همراه حضرت مهدی (با

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل... ۱۰۷

دشمنان) مقاتله و کشتار نمایم.

توضیحاً شیخ طوسی از کتاب او «أخبار المهدی» تعبیر نموده ولی زرکلی (الأعلام ۲۵۸/۳) «أخبار المهدی المنتظر» نوشته است.

۱۶ - «أخبار المهدی».

بدرالدین، حسن بن محمد صالح نابلسی حنبلی (۷۲۲).

ابن حجر در «الدرر و الکامنه» (۱۲۱/۲) نویسد نسخه این کتاب را بخط مؤلف مشاهده نموده و مؤلف در تألیف آن تلاش فراوان ارائه داده.

[هدیه العارفين ۷۷۳/۱؛ أعلام زرکلی ۱۷/۵؛ مجله تراثنا شماره ۱

سال اول مقاله علامه سید عبد العزیز طباطبائی]

۱۷ - «أخبار المهدیه».

أبو بکر صنهاجی پاریسی (۱۹۲۸).

چاپ استان در ۵۲۸ صفحه.

[در جستجوی قائم ص ۲۶]

۱۸ - «الأذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة».

سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷).

چاپ مؤسسه سعودیه مصر ۱۳۷۹، و عیناً مندرج در «الامام

المهدی عند أهل السنة» ص ۶۷ - ۱۰۸.

۱۹ - «الأربعون حديثاً في المهدی».

حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰).

مندرج در «عرف الوردی فی أخبار المهدی» سیوطی و در «کشف

الغمة» اربلی ج ۳ و «بحار الأنوار» علامه مجلسی ۷۸/۵۱ - ۸۵.

۲۰ - «الأربعون حديثاً في المهدي».

حافظ ابوالعلاء همدانی، محمد بن عطار (۵۶۹).

[ذخایر العقبی طبرانی ص ۱۳۶]

۲۱ - «الأربعون حديثاً في المهدي».

سراج الدین محدث بغدادی از اعلام قرن ششم هـ

[اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۴۶ ص ۳۲]

بنقل از «جامع الاسرار عاملی از اعلام قرن ۸»]

۲۲ - «إرتقاء الغرف».

شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲).

[المقاصد الحسنه مؤلف ص ۵۰۹، ذیل «المهدی» بشماره حدیث

۷ و ۱۲؛ کشف الخفاء عجلونی ۲/۲۸۸؛ مقاله شیخ عبدالمحسن عباد در

ردّ قاضی قطر، مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۴۶۳ به

نقل از دو کتاب فوق]

۲۳ - «ارشاد ذوی الافهام لنزول عیسی».

مرعی بن یوسف کرمی مقدسی (۱۰۳۳).

نسخه خطی آن در پتنه هند موجود میباشد.

[کتابنامه حضرت مهدی آقای مهدی پور ص ۷۷-۷۸]

۲۴ - «الاشاعة لأشراط الساعة».

تألیف محمد بن عبدالرسول حسینی برزنجی (۱۱۰۳).

چاپ ۱۳۷۰ قاهره، مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة».

۲۵ - «اشراط الساعة».

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل..... ۱۰۹

أبو محمد، عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی جماعیلی
حنفی (۶۰۰).

متولد جماعیل از توابع نابلس.

[النجوم الزاهرة ۱۸۵/۶]

۲۶ - «اشراط الساعة».

شیخ أحمد بن فقیه شافعی.

[ایضاح المکنون ۸۶/۱]

۲۷ - «اشراط للساعة».

شیخ یوسف بن عبدالله بن یوسف وابل.

چاپ سوم ۱۴۱۴ هـ، از انتشارات ابن جوزی دمّام عربستان در ۴۸۴

صفحه وزیری.

۲۸ - «اشراط الساعة الصغرى و الكبرى».

شیخ امین حاج محمد احمد معاصر و استاد دانشگاه ام القرى در

مکه معظمه.

چاپ اول ۱۴۱۲ دار المطبوعات الحدیثه جده عربستان در ۱۴۸

صفحه وزیری.

۲۹ - «اشراط الساعة و أسرارها».

شیخ محمد سلامة جبر از علمای اهل سنت و مقیم کویت است.

چاپ اول بسال ۱۴۰۱ از طرف شرکت الشعاع کویت و برای دومین

بار بسال ۱۴۱۳ دارالسلام، بیروت، در ۱۴۳ صفحه وزیری.

این کتاب پیرامون علائم ظهور، خروج دجال، نزول حضرت

۱۱۰ اصالت مهدویت در اسلام

عیسی، خروج یأجوج و مأجوج، طلوع شمس از مغرب و دیگر نشانه‌های ظهور حضرت مهدی خلاصه شده.

۳۰ - «اشراط الساعة و خروج المهدي».

علی بن محمد میلی جمالی تونسلی مالکی (۱۲۴۸).

نسخه خطی آن در دارالکتب المصریه موجود است و مؤلف هم

مقیم مصر بوده.

[هدیه العارفين ص ۷۷۳؛ أعلام زرکلی ۱۷/۵]

۳۱ - «الاعلان بما اخبر به النبي من احوال هذا الزمان».

محمد ترمیزی بن محمد بن صدیق غماری

چاپ ۱۳۵۰ مطبعه مهديه تالوان ترکیه ۳۳ صفحه

[دلیل ۴۸۵/۱ کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام ص ۸۹ شماره ۱۶۸]

۳۲ - «إقامة البرهان على نزول عيسى في آخر الزمان».

أبو الفضل، عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادیسی غماری

(۱۳۸۰).

چاپ عالم الکتب بیروت.

۳۳ - «إقامة البرهان على نزول عيسى في آخر الزمان» (اردو).

ترجمه کتاب غماری فوق، که مؤلف خود در صفحه اول مقدمه

کتاب «المهدی المنتظر» بدان تصریح نموده، اما بدون ذکر نام مترجم.

۳۴ - «إقامة البرهان في الرد على من أنكر خروج المهدي و الدجال و

نزول المسيح في آخر الزمان».

حمود بن عبدالله تویجری (معاصر). ج ۱۴۰۵ مکتبه المعارف

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۱۱

ریاض، .

۳۵ - « امارات الساعة ».

شاه رفیع الدین، فرزند شاه ولی الله دهلوی.

این مقاله ضمن مجله « المنصور » شماره ۱۹ ص ۴۱ ببعده
بسال ۱۴۱۲ در لاهور انتشار یافته.

[کتابنامه حضرت مهدی ص ۹۵]

۳۶ - « امام منتظر » - ترجمه عقیده اهل السنة والاثر شیخ عبدالمحسن عباد-

بقلم مولانا شیخ مسرور حسن

[کتابنامه حضرت مهدی علیّه ص ۱۰۵ شماره ۲۱۳]

۳۷ - « البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان ».

جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱).

[هدیه العارفين ج ۱ ص ۵۳۶ سطر ۲۰]

۳۸ - « البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان ».

علاء الدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی جنپوری (۹۷۵)

چاپ ۱۳۹۸ هجری با تحقیق آقای علی اکبر غفاری، نشر شرکت

رضوان تهران و چاپ دوم بسال ۱۴۰۸ هجری، ذات السلاسل کویت در

دو جلد با تحقیق جاسم بن مهلهل یاسین

[دلیل ۴۸۶/۱]

۳۹ - « بقية الله خير بعد الفناء في السير ».

عبدالغنی بن اسماعیل حنفی نقشبندی نابلسی دمشقی (۱۱۴۳).

[ایضاً المکنون ۱۹۱/۱]

۱۱۲ اصالت مهدویت در اسلام

۴۰ - «البیانات» (اردو).

ابوالأعلیٰ مودودی (۱۴۰۰).

این کتاب در پنج جلد پاسخگوی پرسشهای اقطار مناطق اسلامی است و بخشی از آن ویژه پرسش از شئون حضرت مهدی میباشد و مجموعاً چاپ و در پاکستان انتشار یافته، و پیرامون صحت احادیث مهدی تأکید نموده.

۴۱ - «البیانات» (ترجمه ترکی)

ابوالأعلیٰ مودودی (۱۴۰۰).

بخش حضرت مهدی آن در ایام در گذشت مودودی بقلم آقای علی اکبر مهدی پور بزبان ترکی استانبولی ترجمه، چاپ و منتشر گردیده.

۴۲ - «البیانات» (ترجمه غربی)

ابوالأعلیٰ مودودی (۱۴۰۰).

نیز بخش ویژه حضرت مهدی این کتاب وسیله محمد حدّاد عاصم به عربی ترجمه و بنام «علامات المهدی» در مجله «المنصور» شماره ۱۹ ص ۳۶-۴۸ در لاهور چاپ و منتشر شده.

[کتابنامه حضرت مهدی، آقای مهدی پور ص ۱۸۹-۱۹۰ و ص

[۵۲۷

۴۳ - «البیان فی أخبار صاحب الزمان».

ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸).

چاپ نجف ضمیمه «کفایة الطالب» مؤلف و چاپ تبریز ضمیمه

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل... ۱۱۳

« غیبت شیخ طوسی » و نیز در بیروت ، اصفهان و قم چاپ شده.

۴۴ - « بین یدی الساعة ».

دکتر عبدالباقی احمد محمد سلامت

چاپ مکتبه المعارف ریاض در ۱۸۲ صفحه وزیری.

۴۵ - « تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر ».

محمد بن عبدالعزیز بن مانع نجدی حجازی (۱۳۵۸).

نسخه آن در دارالکتب مصر و نیز در دارالکتب نجف موجود

میباشد.

[فهرست کتابهای جمع آوری شده در دارالکتب از سال ۱۹۳۶ تا

۱۹۵۵ م ۱۲۷/۱ و مقاله شیخ عبدالمحسن بن عباد در مجله دانشگاه

مدینه ، عدد اول سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۱۰ و مندرج در « الامام

المهدی عند أهل السنة » ۴۵۲/۲]

۴۶ - « تحذیر الاخوان من ادعاء المهدیة آخر الزمان » (عربی).

شیخ عثمان بن فودی (۱۸۱۷ م).

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه دانشگاه « بایرو » در نیجریه

موجود است.

[أخبار التراث العربی شماره ۲۳ ص ۵؛ کتابنامه آقای مهدی پور ص

[۲۱۷]

۴۷ - « تحقیق ظهور المهدی ».

احمد بن عبداللطیف بریر دمیاطی (۱۲۲۸) ،

نسخه مخطوط آن در هفت ورقه بخط محمد بن علی بن محمد

۱۱۴ اصالت مهدویت در اسلام

محموده صفدی مورخه ۱۲۳۲ در آخر مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه
ظاهریه دمشق موجود است.

[فهرست مجموعه های کتابخانه ظاهریه ۵۲/۲]

۴۸ - «تعلیق علی محاضرة «عقیده اهل السنّة و الاثر...» شیخ

عبدالمحسن عباد».

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز که مفتی اعظم دربار عربستان

سعودی بود.

این مقاله بدنبال «عقیده اهل السنّة» مؤکداً اعتراف به صحت و تواتر

أحادیث مهدی منتظر نموده و متن آن در آخر «الامام المهدی عند أهل

السنّة» مندرج است.

۴۹ - «تلخیص البیان فی أخبار مهدی آخر الزمان».

علی بن حسام الدین متقی هندی (۹۷۵).

چاپ ۱۴۰۱ هـ دار التبلیغ اسلامی قم، ۲۲ صفحه وزیری با تحقیق

دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور.

جهت آگاهی بر وجود بیش از بیست نسخه خطی آن در

کتابخانه های جهان رجوع شود به مقاله «اهل البيت فی المكتبة العربية»

علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی در مجله «تراثنا» شماره سوم سال اول

۱۴۰۶.

[ایضاح المکنون ۳۱۸/۱؛ هدیه العارفین ۷۴۶/۱]

۵۰ - «تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان».

شمس الدین احمد بن سلیمان ابن کمال پاشا حنفی، شیخ الاسلام و

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل... ۱۱۵

مفتی قسطنطنیه (۹۴۰).

(هدیه العارفين ۱/۱۴۱)

۵۱- «تنبيه الوسنان إلى أخبار مهدى آخر الزمان».

أحمد نوبی (۱۰۳۷).

[معجم المؤلفين كحاله ۱۹۷/۲؛ به نقل از نسخه آلمانی تاریخ

الأدب العربی بروکلین ۲/۳۸۵ و ۵۲۰]

۵۲- «تنوير الرجال في ظهور المهدي و الدجال».

رشید الراشد تاذفی حلبی (معاصر).

چاپ شده.

[المهدى المنتظر محمد حسن آل یس ۳۳]

۵۳- «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدي المنتظر و الدجال و

المسیح».

محمد بن علی شوکانی صنعانی (۱۲۵۰).

[بدر الطالع مؤلف - ذیل شرح حال خودش ۲/۲۲۲-؛ الاذاعه...

ص ۱۱۳؛ غایة المأمول ۵/۳۲۷؛ فهرس الفهارس ص ۴۰۹؛ عقیده اهل

السنة و الاثر شیخ عبدالمحسن عبّاد]

این کتاب بیانگر چگونگی تواتر و قطع الصدور بودن احادیث

پیرامون حضرت مهدی علیه السلام است و استاد ناصر الدین در مقاله «حول

المهدی» بنقل از کتاب فوق مینویسد احادیثی که در پیرامون حضرت

مهدی بدست ما رسیده و می توان بر آن اعتماد و استناد نمود پنجاه

حدیث می باشد که برخی صحیح، برخی حسن، و برخی دیگر ضعیف

۱۱۶ اصالت مهدویت در اسلام

ترمیم شده می باشد و آنها بدون شک و تردید به حد تواتر رسیده است، و عنوان تواتر بر طبق همه ضوابطی که در کتابهای پایه نوشته شده بر کمتر از آن صدق میکند...»

[مجله التمدن الاسلام، شماره ۲۷ - ۲۸ سال ۲۲ ص ۶۴۶]
و گویا این کتاب چاپ شده باشد ولی اطلاعی از مشخصات آن بدست نیامد.

۵۴ - «ثلاثة ينتظرهم العالم: عيسى، الدجال و المهدي المنتظر».

شیخ عبداللطیف عاشور (معاصر).

چاپ ۱۴۰۶، انتشارات ساعی ریاض و انتشارات قران قاهره، ۱۴۴

صفحه وزیری.

۵۵ - «جزء فی ذکر المهدي».

ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی (۷۷۴).

[نهایه مؤلف ص ۱۳۰]

۵۶ - «جزء فی المهدي».

أبو حنین، أحمد بن جعفر بن محمد عبدالله بغدادی معروف به

ابن منادی (۳۳۶).

این کتاب بدست ابن حجر عسقلانی رسیده و او بخشی از آنرا در

کتاب «فتح الباری (شرح صحیح بخاری)» آورده، و از جمله درج ۱۳

ص ۲۱۳، و ابن منادی را کتاب دیگری باشد بنام «الملاحم».

۵۷ - «جزء فی ما ورد فی المهدي».

ابن حجر.

[فهرس الفهارس و الاثبات ص ۳۳۹]

۵۸- «جمع الأحادیث الواردة فی المهدی».

حافظ ابوبکر بن خیثمه، أحمد بن زهیر بن حرب نسائی (۲۷۹).
وی شاگرد أحمد حنبل، و مؤلف کتاب «تاریخ الکبیر» بوده است
که خطیب بغدادی و دارقطنی درباره آن گفته اند: هرگز کتابی پرفائده تر از
کتاب تاریخ ابن خیثمه سراغ نداریم.

[تاریخ بغداد ۱۶۳/۴؛ الأعلام زرکلی ۱۲۸/۱]

۵۹- «جمع طرق أحادیث المهدی».

ابن عراقی ولی الدین ابوزرعه، احمد بن عبدالرحیم بن حسین کردی
رازیانی مصری شافعی (۸۲۶).

[ذیل تذکرة الحفاظ ذهبی - از ابن فهد مکی - ص ۲۸۸؛ الضوء
اللامع سخاوی ۳۳۶ - ۳۳۴، مقاله «الرد علی من کذب بالأحادیث
المهدی» شیخ عبدالمحسن عباد]

بنوشته «النجوم الزاهرة» ۱۱۸/۵، او در سنه ۸۲۴ به سمت قاضی
القضاة مصر منصوب گردید و در سنه ۸۲۶ در گذشت.

۶۰- «الجواب المقنع المحرر، فی أخبار عیسی و المهدی المنتظر».

محمد حبیب الله شنقیطی (۱۳۶۳ هـ).

این کتاب بنوشته خود مؤلف - در کتاب دیگرش «زاد المسلم»
۴۱/۲ - در ردّ بر ابن خلدون تألیف، و در چهار بخش زیر خلاصه شده
است:

۱- مقدمه بیانگر تواتر أحادیث حضرت مهدی.

۲- فصل اول در بیان احادیث و ویژگیها و اوصاف آن حضرت.
۳- فصل دوم پیرامون نزول حضرت عیسیٰ و اجتماع او با حضرت مهدی.

۴- خاتمه در بیان خروج دجال و پیدایش مهدی‌های ادعائی و دروغین.

مؤلف در مراکش، مدینه، مکه و قاهره بسر میبرد و در دانشگاه الازهر مصر تدریس نموده و در قاهره درگذشته.

[کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۷۶-۲۷۷]

۶۱- «چاغین بکلد (یغی انسان مهدی)» (ترکی استانبولی).

عادل گوک بورون (معاصر).

چاپ دوم انتشارات تک یول، استانبول، ۷۷ صفحه رقی.

این کتاب که با مقدمه‌ای از آقای مصطفی گنج انتشار یافته از غیبت، ظهور، علائم ظهور، نسب و محل ظهور حضرت، و خروج دجال سخن رفته است.

[کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۸۱]

۶۲- «حاشیه علی «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»

- ابن حجر مکی (۹۷۳) -».

بقلم رضی الدین بن عبد الرحمان بن أحمد بن حجر (نوه مؤلف)

(۱۰۴۱).

[ایضاح المکنون ۴۲/۲؛ هدیة العارفين ۳۶۹/۱]

۶۳- «حقیقة الخبر عن المهدی المنتظر من الكتاب و السنة».

صلاح الدین عبد الحمید هادی (معاصر).

چاپ اول ۱۹۸۰ م، کتابخانه تاج، طنطا، مصر، ۹۶ صفحه.

۶۴- «ختم النبوة و ظهور المهدي».

ابوالأعلى مودودی (۱۴۰۰).

چاپ ۱۳۹۹ هـ لاهور پاکستان.

[کتابنامه آقای علی اکبر مهدی پور ص ۳۱۶]

۶۵- «الدر المنضود فی ذکر المهدي الموعود».

سید صدیق حسن بن اولاد حسن بن اولاد علی قنوجی .

نسخه خطی آن بخط مؤلف در کتابخانه ندوة العلماء در لکهنو هند

بشماره ۳۱۱ طبق نقل فهرست آن بشماره ۹۷ موجود است

[اهل البيت فی المكتبة العربية، علامه طباطبائی شماره ۳۰۵]

۶۶- «ذکر المهدي الذي يكون في آخر الزمان».

ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی (۷۷۴).

این موضوع در کتاب «النهاية، أو الفتن و الملاحم» مؤلف ص ۲۴ تا

۳۲ درج و چاپ شده، نیز عیناً در ج ۲ «الامام المهدي عند أهل السنة»

هم مندرج گردیده.

۶۷- «ذکر المهدي و نعوته و حقيقة مخرجه و ثبوته».

حافظ أبونعیم أحمد بن عبدالله اصفهانی (۴۳۰).

این کتاب مشتمل بر ۱۵۶ حدیث در شئون مختلف امام مهدی

منتظر علیّه است که سید بن طاووس فهرست ابواب آنرا و تعداد روایات

هر بابی را در «طرائف» (ص ۱۸۳) ایراد نموده و در دیگر کتابهای خود

۱۲۰ اصالت مهدویت در اسلام

هم از آن نقل حدیث فرموده.

نیز علامه تهرانی در «الذریعه» (ج ۱۰ ص ۳۸) آن را بدینگونه ذکر کرده؛ و در «هدیه العارفين» (۷۵/۵) بعنوان «کتاب المهدی» مطرح شده.

۶۸- «الردّ علی من حکم و قضی أنّ المهدی الموعود جاء و مضی».

علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی جونپوری (۹۷۵) این کتاب در رد محمد بن یوسف جونپوری (متولد ۸۴۷، متوفای ۹۱۰) مدعی دروغین مهدویت است در سنه ۹۰۱ و ۹۰۳. نسخه خطی آن مؤرخه ۹۹۰ ضمن مجموعه شماره ۱۵۱۴ مکتبه رضا رامپور در هند است و نسخه دیگرش بتاریخ قرن یازدهم شماره ۱۹۷۵ بشرح مندرج در فهرستش ۴۶۰/۲.

[اهل البيت فی المكتبة العربیة علامه طباطبائی، بشماره ۳۲۹]

۶۹- «الردّ علی من حکم و قضی أنّ المهدی الموعود جاء و مضی».

نورالدین علی بن محمد هروی حنفی، معروف به ملا علی قاری (۱۰۱۴).

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه ناصریه لکهنو است و نسخه دیگرش در مکتبه الامام امیرالمؤمنین نجف.

[مجله تراثنا شماره ۱۰ مقاله علامه سید عبدالعزیز طباطبائی]

۷۰- «الردّ علی من کذب بالأحادیث المهدی».

مقاله مفصلی است از شیخ عبدالمحسن بن عباد، عضو هیئت تدریسی دانشگاه مدینه که در رد رساله «لا مهدی ینتظر بعد الرسول

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۲۱

سید البشر» از شیخ ابن محمود رئیس محاکم شرعی قطر نگاشته، و در مجله دانشگاه مدینه بشماره‌های ۴۵-۴۶ بچاپ رسیده و عیناً در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۴۳۷/۲ مندرج شده و به ضمیمه مقاله دیگرش - عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر - بسال ۱۴۰۲ در چاپخانه الرشید مدینه در ۲۲۴ صفحه چاپ و منتشر گردیده.

جهت شرح حالش مراجعه شود به «کتابنامه حضرت مهدی» آقای مهدی پور ص ۳۹۰.

۷۱ - «رسالة فی الأحادیث القاضیه بخروج المهدی و انه ...».

محمد بن اسماعیل امیریمانی صنعانی (۷۵۱).

[الاذاعه ص ۱۱۴]

۷۲ - «رسالة فی تحقیق ظهور المهدی».

أحمد بن عبداللطیف بریر دمیاطی شافعی (۱۲۲۶/۱۲۲۸/۱۲۲۹).

نسخه خطی آن در ضمن مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهریه شام موجود است و دو نسخه دیگر نیز در کتابخانه سلیمانیه استانبول بخش حاج محمود افندی به شماره‌های ۱۹۳۰ و ۲۳۳۰ موجود میباشد.

[کتابنامه آقای مهدی پور شماره ۹۴۸ و ۱۰۵۵]

۷۳ - «رسالة فی حق المهدی».

نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی مشهور به ملا علی قاری (۱۰۱۴).

نسخه مخطوط آن در کتابخانه بلدیة اسکندریه مصر موجود است. و سه کتاب دیگر هم درباره حضرت مهدی از اوست بنامهای «الرد علی

۱۲۲ اصالت مهدویت در اسلام

من حکم و قضی أن المهدی جاء و مضی»، «المشرب الوردی فی مذهب المهدی» و «مهدی آل الرسول»، مراجعه شود.

۷۴ - «رسالة فی رد من انکر أن عیسی علیه السلام اذا نزل یصلی

خلف المهدی صلاة الصبح».

جلال الدین سیوطی (۹۱۱).

این رساله بعنوان تنبیه در پایان رساله «الاعلام بحکم عیسی علیه

السلام» که مندرج در الحاوی للفتاوی (ج ۲ ص ۲۹۷ چاپ ۱۳۷۸ مصر

و ص ۱۶۶ چاپ مصر بعد از آن) درج شده و نسخه خطی آن بشماره ۵۹

در کتابخانه مسجد الحرام موجود است.

۷۵ - «رسالة فی المهدی المنتظر».

از سعدالدین محمد بن مؤید حموی، معروف به سعدالدین

حموی (۶۵۰).

(مرآة الأسرار جامی)

۷۶ - «رساله مهدیه» (فارسی).

شاه نعمت‌الله ولی (۸۳۴) قطب و بنیانگذار فرقه‌های صوفیه

نعمت‌اللهی ایران، هند و پاکستان.

این رساله ضمن جلد چهارم رساله‌های او ص ۸۹-۹۵ وسیله خانقاه

نعمت‌اللهی تهران بسال ۱۳۴۳ چاپ و منتشر گردیده.

و از مهدی منتظر بعنوان «مهدی، محمد بن عبدالله» نامبرده که به

همین دلیل شکی در سنی بودنش نیست.

۷۷ - «روض وردی فی أخبار المهدی».

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۲۳

جعفر بن حسن بن عبدالکریم برزنجی مدنی، مفتی فرقه شافعیه
مدینه منوره درگذشته ۱۱۷۹ یا ۱۱۸۴ یا ۱۱۸۷.

نسخه خطی آن در کتابخانه ناصریه لکهنو موجود است.
[سلک الدرر ۹/۲، هدیه العارفین ۱/۲۵۶، معجم المؤلفین ۳/۱۳۷،
اعلام زرکلی ۲/۱۲۳، بروکلن ۲/۳۸۴ اصل المانی، مجله تراثنا شماره
۱۰، مقاله «أهل البيت في المكتبة العربية» علامه سیّد عبدالعزیز
طباطبائی]

۷۸- «سید البشر يتحدث عن المهدي المنتظر».

شیخ حامد محمود محمد لیمود (معاصر).
چاپ مطبه مدنی قاهره، با مقدمه شیخ حسنی مخلوف، مفتی سابق
مصر و عضو جمعیت علمای بزرگ الأزهر.
[کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۱۶]

۷۹- «شرح کتاب المهدی سنن ابی داود».

ابن قیم جوزیه (۷۵۱).
این کتاب ضمن «تهذیب السنن» ابی داود تشریح شده و در ذیل
«عون المعبود» ج ۱۱ ص ۳۶۱-۳۸۴ چاپ شده.
[کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۶۱]

۸۰- «صاحب الزمان».

ابوالعنبس، محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی، قاضی
صیمره (۲۷۵).

بنوشته «اعلام» زرکلی (۲۹/۶) وی ادیبی ظریف و عالم به نحو و

شاعری زبردست و از ندمای متوکل عباسی و معتمدین بنی العباس بود. و بنوشته ابن ندیم وی را کتابی است بنام «صاحب الزمان» که بنظر آقای خراسان نخستین تألیف و مقدم بر همه تألیفات سنّی و شیعه درباره صاحب الزمان مهدی منتظر بوده، ولی رواجی مؤلف «أخبار المهدی» و متوفای ۲۵۰ مقدم بر او بوده؛ هرچند متأسفانه امروز سرنخی از وجود آن در دست نیست.

[فهرست ابن ندیم ص ۲۲۳]

۸۱- «صحيح اشراط الساعة».

شيخ مصطفى ابونصر شلبی.

چاپ ۱۴۱۳ هـ انتشارات سوادى، جده، ۴۳۲ صفحه وزیری.

۸۲- «الصحيح المسند من أحاديث الفتن والملاحم و اشراط

الساعة».

مصطفى عدوى (معاصر).

چاپ ۱۴۱۲ دارالهجرة رياض، ۵۸۷ صفحه وزیری.

۸۳- «صفة المهدى».

حافظ ابونعيم اصفهان (۴۳۰).

يوسف بن يحيى مقدسى (۶۸۵) در كتاب «عقد الدرر» - كه در

مصر، بيروت و ايران مكرر چاپ شده - تعداد ۲۹ حديث از اين كتاب نقل کرده است.

۸۴- «ظهور المهدى».

جلال الدين سيوطى (۹۱۱).

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۲۵

دو نسخه از این کتاب به دو عنوان زیر در استانبول موجود است:

۱ - «رسالة فی ظهور المهدی» کتابخانه سلیمانیه، بخش رشید

افندی، ضمن مجموعه شماره ۸۸۳۸۳.

۲ - «رسالة ظهورات المهدی» همان محل، بخش قصیده‌چی

زاده، ضمن مجموعه شماره ۶۸۱۸۰.

[کتابنامه حضرت مهدی ۱۲۴۳]

۸۵ - «العرف الوردی فی أخبار المهدی».

مشمول بر «أربعین» حافظ ابونعیم اصفهانی درباره مهدی منتظر و

چند برابر آن احادیث اضافی پیرامون شئون آنحضرت از جلال‌الدین

عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱)؛ چاپ مصر؛ ضمن «الحاوی للفتاوی» وی؛

ج ۲ ص ۱۲۳-۱۶۶ و ج ۲ ص ۵۷-۷۶ چاپ دارالکتب العلمیه بیروت

۱۳۹۵ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۲.

۸۶ - «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (ترجمه ترکی کتاب قبل).

مترجم مشرف گوزجو (معاصر).

چاپ ۱۹۸۶م انتشارات شفق مانیسا، ترکیه.

۸۷ - «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (نیز ترجمه ترکی کتاب

سیوطی).

مترجم محمود چلبی.

نسخه خطی آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول، بخش قلیج علی

پاشا، ضمن مجموعه ۶۸۹۹۷ موجود است.

[کتابنامه حضرت مهدی شماره ۱۲۵۶]

۱۲۶ اصالت مهدویت در اسلام

۸۸- «العرف الوردی فی دلائل المهدی».

ابوالفضل، عبدالرحمن بن مصطفیٰ یمنی حضرمی شافعی اشعری
نقشبندی مقیم مصر (۱۱۹۲).

نسخه خطی آن در کتابخانه سلطنتی برلن بشماره ۲۷۳۳ موجود
است.

[هدیه العارفین ۱/۵۴۴؛ مجله تراثنا شماره ۱۶ مقاله آقای سید

عبدالعزیز طباطبائی]

۸۹- «العطر الوردی، شرح قصیده «القطر الشهیدی، فی اوصاف المهدی

— شماره ۵۲ —».

شیخ محمد بلیسی شافعی (۱۳۱۲هـ).

چاپ ۱۳۰۸ بولاق مصر ضمن مجموعه ناظم قصیده و دیگر چاپها

و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۲.

۹۰- «عقد الجواهر و الدرر فی علامات ظهور المهدی المنتظر».

تألیف ابن حجر.

به نقل دکتر عبدالله جبوری در تعلیقات خود بر «غریب الحدیث»

ابن قتیبه ۱/۱۱۷ (در رابطه با نقل ابن قتیبه حدیث علی علیه السلام را پیرامون

بودن مهدی منتظر از فرزندان حسین) اما بدون تصریح باینکه ابن حجر

عسقلانی است یا هیشمی و اینکه نسخه خطی آن در کجاست.

[مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۱-۲۲]

۹۱- «عقد الدرر فی أخبار الامام المنتظر».

جمال الدین یوسف بن یحییٰ مقدسی شافعی دمشقی (۶۸۵).

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل... ۱۲۷.....

چاپ ۱۳۹۹ مکتبه خانجی مصر با تحقیق دکتر عبدالفتاح محمد
حلو، و از آن پس بسال ۱۴۰۰ در تهران افست گردیده و بسال ۱۴۰۳ هم
در بیروت تجدید چاپ شده و در مرحله چهارم نیز بسال ۱۴۰۳ در
دانشگاه ابن سعود در ریاض و برای پنجمین بار سنه ۱۴۰۵ وسیله مکتبه
المنار زرقاء اردن و بعداً در سنه ۱۴۱۶ وسیله مسجد جمکران قم
تجدید چاپ شد.

۹۲ - « عقد الدرر فی تحقیق القول بالمهدی المنتظر ».

أحمد بن زینی دحلان (۱۳۰۴).

نسخه مخطوط این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملک سعود در حجاز
موجود است و تاریخ کتابت آن ۱۳۰۴ هـ میباشد.

۹۳ - « عقود الدرر فی شأن المهدی المنتظر ».

نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکی در مکه مکرمه بشماره ۳۰،
بخش دهلوی ۱۹۸/۴، فهرست مخطوط کتابخانه ص ۱۴۱؛ اما از نام
مؤلف اطلاعی بدست نیامد.

[مجلة تراثنا شماره ۱۶ ص ۷۸]

۹۴ - « عقیده المسیح الدجال ».

سعید ایوب (معاصر).

حدود یک سوم آخر این کتاب ویژه بحث درباره حضرت مهدی و
دفاع از عقیده بدان حضرت است. نخست بسال ۱۴۰۹ در قاهره چاپ
شده سپس بسال ۱۴۱۱ در بیروت و بعداً در قم.

۹۵ - « عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر ».

مقاله (متن محاضره علمی) شیخ عبدالمحسن بن حمد عباد عضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه است در سنه ۱۳۸۸ که ضمن مجله دانشگاه بشماره ۳ سال اول درج و انتشار یافته، و نیز مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» آخروج ۲ میباشد؛ جهت دیگر خصوصیات رجوع شود به «کتابنامه حضرت مهدی» ص ۵۱۷.

۹۶ - «علائم ظهور» (فارسی).

علی بن حسام الدین متقی هندی (۹۷۵).
رساله مختصری است در علائم ظهور که احادیث مربوطه توسط متقی هندی بفارسی ترجمه شده. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم قم ضمن مجموعه شماره ۶۳۶ با تاریخ کتابت آن در سنه ۹۷۹ موجود است.

۹۷ - «علامات الساعة الصغرى و الكبرى».

لیلی مبروک .

دارالمختار الاسلامی قاهره در ۲۰۴ صفحه.

۹۸ - «علامات المهدی» یا «البرهان فی علامه مهدی آخرالزمان».

جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱).

نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکه بشماره ۳۴ بخش دهلوی

موجود است.

[مقدمه علامه خراسان بر ینابیع الموده ص ۱۴؛ مجله تراثنا شماره ۲

و شماره ۲۹/۱۶]

۹۹ - «علامات المهدی المنتظر».

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۲۹

أحمد بن حجر هیثمی مکی شافعی (۹۷۴).

چاپ نشریات مکتبه القرآن للطبع و النشر مصر.

[مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۹]

۱۰۰ - «علامات مهدی منتظر»، ترکی، ترجمه «القول المختصر فی علامات

المهدی المنتظر» ابن حجر (۹۷۴).

بقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوات آروسان.

چاپ اول ۱۹۸۵ م، انتشارات شفق، مانیسار ترکیه، ۹۲ صفحه

رقعی.

۱۰۱ - «علامات مهدی آخر الزمان»، ترجمه ترکی استانبولی «البرهان فی

علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندی

بقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوات آروسان.

چاپ ۱۹۸۶ م، انتشارات گونجه، استانبول، ۹۵ صفحه جیبی.

مترجم آن را «آخر زمان مهدی سی نین علامتتری» نامگذاری نموده

۱۰۲ - «عنقاء مغرب فی معرفة ختم الأولیاء و شمس المغرب».

محمی الدین ابن عربی (۶۳۸).

چاپ مصر (أعلام زرکلی ۲۸۱/۶)، و نسخه خطی آن در کتابخانه

آیت الله مرعشی در قم بشماره ۴۱۰۵ موجود میباشد.

۱۰۳ - «عون المعبود - شرح سنن ابی داود - بخش کتاب المهدی -».

ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹ هـ)

چاپ مکتبه سلفیه مدینه منوره ج ۱۱ ص ۳۶۱ - ۳۸۴، مندرج در

کتاب «الامام المهدی عند اهل السنة».

۱۳۰ اصالت مهدویت در اسلام

۱۰۴ - «الفتح الربانی فی الرد علی المهدی المغربی الوزانی».

از حاج صالح بن مهنا الأزهری.

چاپ مطبوعه تقدم مصر ۱۳۲۷ در ۸۰ صفحه.

[معجم المطبوعات ص ۱۱۸۳]

۱۰۵ - «فتح المنان - شرح «قصيدة الفوز و الأمان» شیخ بهائی -».

شهاب‌الدین أحمد بن عدوی دمشقی مشهور به منینی (۱۱۷۳).

چاپ حدود ۱۲۲۰ قاهره، نیز ضمیمه «تلخیص کشکول شیخ

بهائی» بطور مکرر از جمله بسال ۱۲۸۸ در قاهره تجدید چاپ شده.

۱۰۶ - «الفتوی فی مسألة المهدی المنتظر» (مقاله پیرامون پاسخ به

سؤال).

بقلم شیخ محمد منتصر کتانی در مجله رابطة العالم الاسلامی مکه،

در پاسخ به پرسش یک مسلمان کنیائی از تاریخ و محل ظهور و قیام

حضرت مهدی نوشته، و مندرج در مقدمه علامه خرسان بر «البيان فی

أخبار صاحب الزمان» گنجی چاپ ۱۳۹۹ بیروت ص ۷۶-۷۹ میباشد.

نیز ترجمه فارسی آن مندرج در «مهدی انقلابی بزرگ» آقای

مکارم شیرازی ص ۱۴۶-۱۵۵.

و ترجمه لاتینش هم از مرکز اسلامی استانبول انتشار یافته.

[در جستجوی قائم، کتاب شماره ۲۵۸]

۱۰۷ - «فتاوی علماء العرب من اهل مكة المشرفة، فی شأن المهدی

الموعود فی آخر الزمان».

این رساله بیانگر متون فتوایی چهارنفر از علمای سنی در اثبات

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۳۱

مهدویت حضرت مهدی منتظر و رد منکرین او تا سر حد تکفیر و اعدام آنها می باشد که باب سیزدهم کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان» متقی هندی (متوفای ۹۷۵) بذکر آن اختصاص یافته و در سنه ۱۳۹۹ در قم و دیگر محل ها چاپ شده است.

۱۰۸ - «فوائد فوائد الفكر فی إمام المهدي المنتظر».

شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (۱۰۳۳).

[أعلام زرکلی ۲۰۳/۷؛ ایضاح المکنون ۱۸۳/۲؛ هدیة العارفين

۴۲۷/۲؛ مجله تراثنا شماره ۱۷ ص ۱۰۸-۱۰۹ تعداد چهار نسخه خطی

آن بقلم علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی معرفی شده]

۱۰۹ - «الفواصم عن الفتن القواصم» (در شرح حال مهدی منتظر).

علی بن ابراهیم حلبی (۱۰۴۴).

[سیره الحلبيه مؤلف ۲۲۷/۱]

۱۱۰ - «قصيدة فی المهدي».

محمی الدین محمد بن علی طائی اندلسی معروف به ابن عربی (۶۳۸).

در ۸۳ بیت است که با بیت:

خلیلی إني للشریعة حافظ و لكن لها سرُّ علی عینه غطا

آغاز و با بیت:

و صاحب آیات عظیم جلاله تتوجُّ بالجوزاء و انتعل الشُّها

پایان میابد، و بدنبال آن فصلی باشد درباره زادگاه آن حضرت و

نسب و محل سکونتش و آنچه مربوط به امر اوست.

نسخه آن در دارالکتب ظاهریه دمشق بشماره ۶۸۲۴ ورقه ۷۲-۷۵

۱۳۲ اصالت مهدویت در اسلام

میباشد.

[مجله تراثنا شماره ۱۸ مقاله «اهل البيت في المكتبة العربية» ص

[۹۳

۱۱۱ - «القطر الشهدي في اوصاف المهدي» (منظومه لامیه).

شهاب الدين أحمد حلواني شافعي (۱۳۰۸).

این منظومه با شرحش بنام «العطر الوردی فی ...» سنه ۱۳۰۸ در

بولاق مصر بچاپ رسیده و بار دیگر بسال ۱۳۴۵ ضمیمه کتاب «فتح

رب الأرباب» در مطبعه معاهد مصر چاپ آن تجدید شد.

و عیناً با شرحش در «الامام المهدي عند أهل السنة» ج ۲ ص

۱۰۹-۱۵۳ مندرج و بسال ۱۴۰۲ چاپ شد.

نیز مراجعه شود به «ایضاح المکنون» ۲/۲۳۴، هدیة العارفين

۱/۱۹۲، معجم المطبوعات ۷۹۲ و ۱۶۴۲؛ و مجله تراثنا شماره ۱۸ ص

۹۴ مقاله علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی.

۱۱۲ - «القناعة فی ما تحصن الاحاطه به من اشراط الساعة»، حافظ

ابوالخیر محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲) چاپ ۱۴۰۶ مکتبه

القران قاهره و مکتبه الساعی ریاض، ۹۶ صفحه وزیری

[الضوء اللامع مؤلف ۱۸/۸]

۱۱۳ - «القول الفصل فی المهدي المنتظر».

شیخ عبدالله حجاج.

چاپ دارالعلوم للطباعة مصر.

۱۱۴ - «القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر».

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۳۳

شهاب‌الدین أحمد بن حجر هیثمی مکی (۹۷۴).

[فتاوی الحدیثه مؤلف ص ۳۱؛ فهرس الفهارس ۲۵۱/۱؛ الاشاعه برزنجی ص ۹۰؛ و دیگر مصادر مربوطه فراون].

توضیحاً علامه سید عبدالعزیز طباطبائی در مقاله «اهل البیت فی المکتبه العربیة» نشر مجله تراثنا شماره ۱۸ ص ۹۸-۱۰۰ تعداد سی نسخه خطی آنرا با آدرس محل هریک معرفی نموده، نیز نوشته است در اسلامبول نسخه مکتبه بایزید از طریق تصویر با ترجمه آن به لغت ترکی و حروف لاتین چاپ شده.

نیز بنوشته آقای مهدی پور وسیله مکتبه القران در قاهره در ۸۸ صفحه وزیری بدون تاریخ چاپ شده، مقدمه این کتاب بیانگر صریح تواتر احادیث حضرت مهدی و فصل اولش شامل ۶۳ حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فصل دومش ۳۹ حدیث از صحابه و فصل سومش ۵۶ حدیث از تابعین میباشد.

در پایان مباحث گوناگونی را در این زمینه مطرح و بررسی نموده که با تحقیقات مصطفی عاشور بر اساس دو نسخه دارالکتب قاهره چاپ و انتشار یافته است.

بار دیگر توسط استاد محمد زینهم محمد تحقیق و در ۱۰۹ صفحه در تاریخ ۱۴۰۷ از طرف دارالصحوة قاهره چاپ و منتشر گردیده.

جهت آگاهی بر مشخصات پنج نسخه خطی اضافه بر نسخ معرفی شده از جانب آقای طباطبائی مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی ص ۵۷۹. جهت آگاهی بر تلخیص و حاشیه بر آن وسیله نوادگان مؤلف

۱۳۴ اصالت مهدویت در اسلام

به «حاشیه» و «مختصر القول» مراجعه شود.

۱۱۵ - «کتاب الغیبة».

حافظ أحمد بن محمد بن سعید همدانی معروف به ابن عقده (۳۳۳). مؤلف زیدی و مورد اعتماد اهل تسنن و مطرح شده در مصادر رجالی و حدیثی آنها، أمثال «تاریخ بغداد» خطیب ۱۴/۵-۲۳، «تذکره الحفاظ» ذهبی ۳/۸۳۹ شماره ۸۲۰ است، همچنانکه نعمانی شیعی در مقدمه «کتاب الغیبة» خود از آن نام برده و بطور فراوان هم از آن نقل روایت میکند.

۱۱۶ - «کتاب فی الامام المهدی».

أبو العلاء، ادریس بن محمد بن ادریس فاسی عراقی (۱۱۸۳).

[نظم المتناصر کتانی ص ۲۲۶ شماره ۲۸۹]

۱۱۷ - «کتاب المهدی».

یکی از کتابها و بخش‌های جلد دوم «سنن المصطفی» ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۵۷) است که ویژه احادیث مهدی منتظر و عیناً در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۱ ص ۳۷ درج گردیده.

۱۱۸ - «مختصر الأخبار المشاعة فی الفتن و اشراط الساعة و أخبار

المهدی».

شیخ عبدالله بن سلیمان مشعل (معاصر).

چاپ ۱۴۰۵ مطابع الرياض عربستان سعودی در ۴۴۹ صفحه.

۱۱۹ - «مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر

هیثمی -

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۳۵

رضی الدین بن عبدالرحمن، نواده مؤلف و در گذشته (۱۰۷۱).

[هدیه العارفین ۱/۳۶۹]

۱۲۰ - «مرآة الفكر فی المهدی المنتظر».

شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (۱۰۳۳).

[ایضاح المکنون ۲/۴۶۲؛ هدیه العارفین ۲/۴۲۷]

۱۲۱ - «مسألة فی الغیبة».

قاضی عبدالجبار بن أحمد همدانی معتزلی (۴۱۵).

وی بفرمان صاحب بن عباد در محرم ۳۶۷ به سمت قاضی القضاتی

شهرهای ری، قزوین، ابهر، زنجان، قم، دماوند و سهرورد منصوب شد.

نسخه خطی این رساله در کتابخانه واتیکان به شماره ۱۲۰۸ موجود

است.

[کتابنامه حضرت مهدی، ص ۱۶۴۱]

۱۲۲ - «مسئله مهدویت» (ترکی).

اسماعیل حقی از میری حنفی (۱۳۳۰ هـ).

این رساله بیانگر یک بحث کلامی پیرامون عقیده به مهدویت

می باشد که در آن به بیست حدیث استناد شده و برخی از آنها مورد انتقاد

قرار گرفته است.

در مجله هفتگی «سبیل الرشاد» شماره ۲۸۵ سال ۱۳ بتاریخ ۳۰

ربیع الاول ۱۳۳۲ هـ در عهد خلافت عثمانی در استانبول منتشر گردیده.

مؤلف از اهالی مناستر، مقیم استانبول، واعظ مسجد ایاصوفیا و

عضو مجلس سنا بود که در ذیحجه ۱۳۳۰ هـ درگذشت.

[معجم المؤلفین ۲/۲۶۶؛ کتابنامه حضرت مهدی، ص ۶۴۲]

۱۲۳ - «مشاهدة الآيات في اشراط الساعة و ظهور الآيات».

محمد بن مؤید حموینی (۶۰۵)

وی پدر مؤلف «فرائد السمطين» ابراهیم بن محمد بوده که در کتاب نامبرده (ج ۲ ص ۳۰۸) آنرا دوباره از پدرش نقل کرده.

۱۲۴ - «المشرب الوردی فی مذهب المهدي» یا «المورد الوردی فی

حقیقة المهدي».

نورالدین علی بن محمد هروی حنفی معروف به ملا علی

قاری (۱۰۱۴)، صاحب «مرقاة فی شرح المشکوة».

این کتاب در ردّ بر فرقه مهدیه هند - پیروان سید محمد جونپوری

هندی - است و بیانگر شرح حال و علامات مفصل مهدی موعود اسلام

از روی احادیث صحیحه (همانند کتاب شماره ۵۹).

چاپ سنگی قدیم در اسلامبول و نیز چاپ مطبعه محمد شاهین در

سنه ۱۲۷۸ ه در قاهره.

[تحفة إثنی عشریة دهلوی ص ۴۵؛ الاذاعة ص ۱۶۳؛ معجم

المطبوعات ۱۷۹۴؛ مجله تراثنا شماره ۲۰ بیانگر آدرس های پانزده

نسخه خطی آن و مشخصات هریک می باشد.]

۱۲۵ - «مشرق الاکوان».

سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴).

نسخه مخطوط آن در کتابخانه پرفسور عبدالباقی گلپنارلی در قونیه

موجود می باشد.

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۳۷

[الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۱۴۷، کتابنامه حضرت مهدی ص ۶۴۸ بنقل از چند مورد از مندرجات ینابیع المودة او درباره حضرت مهدی]

۱۲۶ - «مناقب المهدی».

حافظ أبونعیم اصفهانی (۴۳۰).

از نسخه آن اطلاعی بدست نیامد، اما حافظ گنجی شافعی در «البيان فی أخبار صاحب الزمان» تعداد پانزده حدیث، و یوسف بن یحیی مقدسی شافعی در «عقد الدرر» تعداد سیزده حدیث از آن نقل کرده‌اند.

نیز کتابهای دیگر از مؤلف بنام «أربعون حدیثاً»، «صفة المهدی»، «کتاب المهدی» و «نعت المهدی»، در این مقال آورده‌ایم.

۱۲۷ - «المهدی» یا «رسالة فی المهدی».

محمد بن اسحاق، صدرالدین قونوی صوفی شافعی (۶۷۳).
موجود در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۴۸۴۹.

[فهرست تحلیلی کتب عربی منتشر شده در مصر از قنواتی بشماره

۲۵۴ و الذریعه ۲۳/۲۹۰ بنقل از ارگین بشماره ۱۹۸]

۱۲۸ - «المهدی».

تألیف شمس الدین ابن قیّم جوزیه (۷۵۱).

[مقدمه ینابیع المودة بقلم علامه سید مهدی خراسان ص ۱۸]

۱۲۹ - «مهدی آل الرسول».

نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی مشهور به ملا علی

۱۳۸ اصالت مهدویت در اسلام

قاری (۱۰۱۴).

نخستین چاپ آن در ۴۰ صفحه جیبی بی تاریخ است.

جهت آگاهی بر تعداد هشت نسخه خطی آن در کتابخانه‌های ترکیه

مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی، ص ۷۰۰.

۱۳۰ - «المهدی إلى ما ورد فی المهدی».

شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد مشهور به ابن طولون دمشقی

صالحی حنفی (۹۵۳).

[الأئمة الاثنی عشر مؤلف، مندرج در الامام المهدی عند اهل سنة

[۴۰۳/۲

۱۳۱ - «المهدی» (رسالة فی ...)

ملا احمد بن حیدر ماورانی از قراء شقلاوه عراق شمالی (۱۰۷۰).

نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه صلاح‌الدین در بخش

شمال عراق بشماره ۳/۴۱۹ مذکور در فهرست چاپ شده آن در ۱۴۰۸،

ص ۲۸۸

[اهل البيت فی المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۷۸ ص

[۶۲۹

۱۳۲ - «المهدی» (رسالة فی ...)

ادریس بن محمد حمدون عراقی فاسی (۱۱۸۳)

[فهرس الفهارس و الاثبات ۱۹۹/۲، اليواقیت الثمينة ۹۶/۱، سلوة

[الانفاس ص ۱۴۱

۱۳۳ - «المهدی» (رسالة فی ...)

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۳۹

جعفر بن حسن بن عبدالکریم بن محمد بن عبدالرسول برزنجی

مدنی (۱۱۸۷)

[اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۷۸۳]

۱۳۴ - «المهدی حقیقه لاخرافه».

محمد بن أحمد بن اسماعیل (معاصر).

چاپ چهارم کتابخانه تربیت اسلامی هلند در ۱۴۱۱ هـ در ۲۴۰ صفحه.

این کتاب مشتمل بر احادیث مهدویت و بیانگر تواتر آنها، و صفات

حضرت مهدی، راویان، ناقلان و مؤلفان درباره احادیث مهدی منتظر،

اعتراف دانشمندان و رد بر مهدیهای ادعائی دروغین، علائم ظهور و

اشراط ساعت است که مؤلف از منابع دست اول و مورد اعتماد اهل تسنن

آنرا نگاشته، و خود هم از علمای سنی است. و این کتاب را بسال ۱۴۰۰ در

مصر تألیف نموده و بعنوان چهارمین دفعه نیز در مصر تجدید چاپ شده.

[کتابنامه حضرت مهدی ص ۷۰۴-۷۰۵]

۱۳۵ - «المهدی المنتظر».

ابراهیم مشوخی

صادر شده از مطبوعات مكتبة المنار در اردن

[اهل البيت في المكتبة العربية، شماره ۷۸۹ ص ۶۳۱]

۱۳۶ - «المهدی المنتظر» (رسالة في ...)

شیخ عبدالحق بن سیف الدین بن سعدالله دهلوی حنفی

بخاری (۱۰۵۲).

[فهرس الفهارس و الاثبات، عبدالحق کتانی ۱۲۵/۲، کشف الأستار

۱۴۰ اصالت مهدویت در اسلام

حاجی نوری ص ۳۰]

۱۳۷ – «المهدی المنتظر».

سید ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی
غماری (۱۳۸۰) برادر مؤلف «ابراز الوهم المکنون فی ردّ ابن خلدون».
مشمول بر یکصد و دو حدیث بواسطه سی و سه نفر از صحابه و پنج
نفر تابعین، در ردّ منکرین احادیث مهدی و اثبات تواتر آن.

چاپ عالم الکتب بیروت ۱۴۰۵ هـ ۱۹۸۴ م.

۱۳۸ – «المهدی المنتظر بین الحقيقة و الخرافة».

عبدالقادر احمد عطا.

چاپ ۱۴۰۰ هـ دارالعلوم للطباعة قاهره

۱۳۹ – «المهدی المنتظر فی المیزان».

عبدالمعطی بن عبدالمقصود.

چ دارالنشر للثقافة، اسکندریه مصر

۱۴۰ – «المهدی و اشراط الساعة».

شیخ محمد علی صابونی .

بار اول بسال ۱۴۰۱ هـ وسیله مكتبة الغزالی دمشق و بار دوم بسال

۱۴۱ هـ وسیله شركة الشهاب الجزائیر به چاپ رسید.

۱۴۱ – «المهدی و المهدویة فی الاسلام».

عبدالرزاق بن رشید الحصان (۱۳۸۴).

[الأعلام زرکلی ۳/۳۵۲ بنقل از معجم المؤلفین العراقيین ۲/۲۵۹]

۱۴۲ – «المیمیة فی ظهور صاحب الزمان».

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۴۱

محمد بن علی بن محمد طائی مشهور به محی الدین ابن عربی (۶۳۸).
برخی از اشعارش را قندوزی در «ینایع المودة» آورده است، و
شرحش بنام «بیان الحق» از مؤلفین شیعه میباشد.

۱۴۳ - «نبذة من علامات المهدي».

جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱).

چند نسخه خطی ازین کتاب در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.

[در جستجوی قائم ص ۷۲ و ۴۰۶]

۱۴۴ - «النجم الثاقب فی بیان أن المهدي من اولاد علی بن أبی طالب».

شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن علی بهسینی عقیلی

خلوتی شافعی (۱۰۰۱).

نسخه مخطوط آن - ۷۸ صفحه - در کتابخانه لاله‌لی سلیمانیه

اسلامبول بشماره ۶۷۹ موجود است.

و در تاریخ ۱۲۱۷ از طرف سلطان سلیم به کتابخانه یادشده اهداء

گردیده است.

و نسخه دیگرش در کتابخانه بیازید استانبول به شماره ۲۹۸۶

موجود میباشد و در ۱۷ ذیقعدة ۹۹۷ در عهد مؤلف استنساخ گردید

[کتابنامه حضرت مهدی ص ۷۴۵ - ۷۴۶]

۱۴۵ - «الغزوة».

ولی الله دهلوی، پدر عبدالعزیز مؤلف «تحفة الاثنی عشریة»

(۱۱۷۲).

[کشف الأستار حاجی نوری ص ۳۴]

۱۴۲ اصالت مهدویت در اسلام

۱۴۶ – «نظرة في أحاديث المهدي» (در قالب مقاله).

شیخ محمد خضر حسین، استاد دانشکده اصول الدین
مصر (۱۳۷۷).

ضمن «مجلة الهداية الاسلامية» بسال ۱۳۶۹ و بعداً در «مجلة
التمدن الاسلامی» سوریه در محرم ۱۳۷۰ ضمن شماره‌های ۳۵ و ۳۶
چاپ و منتشر گردیده، نیز مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة»
۲/۲۱۰ میباشد.

۱۴۷ – «نظرية الامامة».

دکتر احمد محمود صبحی.

شامل بحث امامت کلی و از آن پس امامت حضرت مهدی و
چگونگی بهره برداری از وجود آن حضرت.

[در جستجوی قائم ص ۷۳]

۱۴۸ – «النوافح القربیة الكاشفة عن خصائص الذات المهدية».

قطب‌الدین مصطفی بن کمال‌الدین بکری دمشقی صوفی
حنفی (۱۱۶۲).

[هدية العارفين ۲/۴۵۰؛ ايضاح المکنون ۲/۶۸۲]

۱۴۹ – «الوعاء المختوم في السرّ المكتوم، في أخبار المهدي».

محمی‌الدین محمد بن علی عربی اندلسی (۶۳۸).

[هدية العارفين ۲/۱۲۱]

۱۵۰ – «الوهم المکنون في الرد على ابن خلدون».

ابوالعباس بن عبدالمؤمن مغربی.

آثار تألیفی اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل ۱۴۳

چاپ شده.

[متن فتوای شیخ محمد منتصر کتانی، مفتی فقه اسلامی مکه، مندرج

در آخر رساله «أحادیث المهدی من مسند أحمد حنبل» ص ۱۶۳]

۱۵۱ - «الهدية المهدوية» (ب زبان اردو).

ابوالرجاء محمد هندی حیدرآبادی (۱۲۹۰).

در ردّ بر جونپوری مدّعی مهدویت، و اثبات مشخصات حضرت

مهدی منتظر است از گاه ولادت تا پایان عمر از دیدگاه حدیث.

[الاذاعة ص ۹۱]

۱۵۲ - «الهدية النديّة للأمة المحمّدية، فيما جاء في فضل الذات

المهدية»

مؤلف كتاب النوافح القربیّه شماره ۱۳۷

[ایضاح المکنون ۷۲۸/۲؛ هدیه العارفین ۴۵۰/۲]

[الأعلام زرکلی ۳۵۲/۳ بنقل از معجم المؤلفین العراقیین ۲۵۹/۲]



توضیحاً نویسنده این مقال را کتابی است بنام «الامام المهدی عند

أهل السنّة» شامل پنجاه و شش متن حدیثی، تاریخی و کلامی

اختصاصی یا ضمنی اهل تسنّن پیرامون حضرت مهدی منتظر که بخاطر

آگاهی خوانندگان بر اصالت امر مهدویت در اسلام و کارگشائی محققین

در مراجعه بدان، فهرست آنها در پایان بنظر خواهد رسید.

مدعیان دروغین مهدویت

وکسانیکه که بدروغ نسبت مهدویت بدانها داده شده

همانطوریکه کمابیش بنظر خوانندگان رسیده و مصادر تاریخی و غیرتاریخی بیانگر شرح تفصیلی آنست که از آغاز بنیانگذاری اسلام تاکنون پیوسته افرادی با فریب و آلت دست قراردادن گروههایی از عوام، از روی دشمنی به رویارویی اسلام برخواسته و با قتل و غارت و هرج و مرج و اسارت و زندانی نمودن مسلمانان، و ضدیت با احکام اسلام و تکیه زدن بر کرسی ریاست، چند صباحی خودنمایی نموده و بالاخره به زباله دان تاریخ گسیل شده و می شوند و نمونه آنها... که خود آلت دست استعمارگران خارجی یهودی و مسیحی و عامل اجرائی اهداف شوم آنها بودند... رضا شاه پهلوی در ایران و کمال اتاترک در ترکیه و جمال عبدالناصر در مصر و صدام تکریتی در عراق و دیگران در دیگر مناطق مسلمان نشین بوده و می باشند.

افرادی هم به هوای ریاست از طریق سوءاستفاده از احادیث مربوط به مهدی موعود و تحریف آنها و فریب دادن افراد ساده لوح زودباور را به دعوای مهدویت و مقام امامت برخاستند و بدون آنکه قیام آنها نشانگر

سرنخی از مقام امامت یا مقرون به کوچکترین علامت از علائم ظهور مهدی موعود باشد، یا کمترین درجه از برقراری قسط و عدل جهانی (مورد وعده پیامبر بدست حضرت مهدی) را ارائه دهند - بلکه مردم را دچار تفرقه و جدائی از اسلام کردند - چند روزی خود را به عنوان مهدی موعود منتظر جا اندازی و قلمداد نمودند، اما بالاخره مشتمت خیانت آنها هم باز شد و ادعای دروغین و بی محتوایشان کشف و آنها هم پس از چندی به زباله دان تاریخ رهسپار شدند.

همچنانکه عده‌ای هم با زمینه سازی مرحله به مرحله مقام امامت و عنوان مهدی منتظر نخست دعوی بابت از ناحیه مهدی حقیقی می‌کردند و همینکه افراد و گروههایی فریب خورده بدانها می‌گرویدند، دعوی مهدویت را مطرح و گسترش می‌دادند.

افراد و گروههایی هم بر اثر برخورد به اخباریکه از ناحیه خبرگذاران صادق امین درباره مهدی موعود و اسلام بدانها رسیده بود و از نظر فراوانی بدان درجه برای آنان یقینی شده و دماغشان آماده برای پرورش اینگونه افکار گردیده بود، که بسا نسبت مهدویت را به کسی که او خود چنین دعوائی نداشت و از این دعوی بیزاری می‌جست می‌دادند.

اکنون برای روشن شدن مطلب نام بعضی از مدعیان دروغین مهدویت یا غیر مدعیان مورد نسبت را بطور فهرست بنظر خوانندگان میرسانیم و علاقمندان به آگاهی بر مشخصات تفصیلی هریک را به مصادر مربوطه ارجاع میدهیم:

۱- امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام که فرقه سبائیّه، پیروان عبدالله بن سبا (که بموجب اثر تألیفی علامه محقق عسکری اصل وجودش ساختگی و بدور از حقیقت و واقعیت بوده) حضرتش را مهدی خواندند و پنداشتند کشته نشده و تا آخر الزمان باقی است و خروج میکند^(۱).

۲- محمد بن حنفیه، که فرقه کیسانیه پنداشتند وی بعد از حسین بن علی امام و همان مهدی موعود است و در کوه رضوی بسر میبرد و از آنجا ظهور و قیام نماید^(۲)، بدون آنکه او چنین ادعائی کرده باشد.

۳- محمد بن عبدالله محض بن حسن بن حسن بن علی، معروف به نفس زکیه که پاره‌ای از جارودیّه وی را مهدی دانسته و در سنه ۱۴۵هـ از مدینه به مهدویت برخواست و بدسیسه منصور دوانیقی کشته شد^(۳).

۴- ابو جعفر محمد بن عبدالله فرزند منصور دوانیقی که خود منصور هم از روی رقابت با نفس زکیه مردم را دعوت به مهدویت او می‌کرد^(۴).

۵- عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای اموی که سعید بن مسیب قائل

۱- ملل و نحل شهرستانی ۱۱/۲، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲، المهدیه فی الاسلام ص ۹۳.

۲- غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲، مقدمه ابن خلدون ص ۲۱۹، ملل و نحل شهرستانی ۲۰۰/۱، المهدیه فی الاسلام ص ۱۰۳.

۳- مقدمه ابن خلدون ص ۲۲۲، تاریخ فخری ص ۱۴۸، مجله الهلال مصر جلد ۱۷ سال ۴ صفحه ۶۴۳.

۴- المهدیه فی الاسلام ص ۱۱۷.

به مهدویت او شد^(۱).

۶- ابومسلم خراسانی که پاره‌ای از فرقه «خرمیه» پیروان اتابک خرمی پنداشتند او همان کسی باشد که باید زمین را پر از عدل و داد کند و کشته شدنش را بدست منصور دوانیقی تکذیب نمودند و بانتظار ظهورش بسر می‌بردند^(۲).

۷- امام جعفر بن محمد الصادق (امام ششم شیعیان) که ناوسیه معتقد به مهدویت آن حضرت شدند^(۳)، اما اصل مقام امامت حضرتش را بدست فراموشی سپردند.

۸- محمد بن قاسم بن عمر بن علی بن الحسین که جارودیه زیدیه به مهدویت او گرایش جستند و در ایام معتصم در طالقان قیام نمود و کشته شد و آنها پنداشتند کشته نشده و بعد از این ظهور خواهد کرد^(۴).

۹- امام موسی بن جعفر (امام هفتم شیعیان) که فرقه واقفیه قائل به مهدویت آن حضرت شدند^(۵).

۱۰- محمد بن علی عسکری، برادر امام حسن عسکری، که طایفه محمدیه بعد از وفات آن حضرت قائل به امامت و مهدویت وی گردیدند^(۶).

۱- طبقات ابن سعد ۲۴۵/۵، المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۴.

۲- المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۴.

۳- ملل و نحل شهرستانی ۳/۲، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲.

۴- المهدیه فی الاسلام ص ۱۲۵.

۵- ملل و نحل شهرستانی ۴/۲، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۱۹۸.

۶- غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۱۹۸.

۱۱- امام حسن عسکری (امام یازدهم شیعیان) که گروهی اعتقاد به مهدویت حضرتش پیدا کردند^(۱).

۱۲- جعفر بن علی برادر دیگر امام حسن عسکری که عده‌ای قائل به امامت و مهدویت او گردیدند^(۲).

۱۳- عبدالله بن معاویه بن عبدالله جعفر بن ابی طالب که عده‌ای از مردم وی را مهدی دانسته و گفتند وی زنده است و در کوه‌های اصفهان بسر می‌برد و البته ظاهر خواهد شد، و او همان کسی بود که در ایام حکومت مروان بن محمد در فارس قیام کرد و ابومسلم پس از مدتی که او را زندانی کرده بود بکشت^(۳).

۱۴- یحیی بن عمر از اعقاب زید بن علی که در ایام مستعین بالله خلیفه عباسی سنه ۲۵۹ در کوفه قیام کرد، پس او را کشتند و سرش را از تن جدا نمودند و بعضی جارودیه قائل به مهدی منتظر بودن او بودند^(۴).

۱۵- موسی بن طلحة بن عبدالله که در زمان مختار بن ابی عبیده در بصره قیام کرد و عده‌ای بعنوان مهدویت بدو گردیدند^(۵).

۱۶- عبدالله مهدی بود که بنوشته قرمانی: خود را فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا - یعنی فرزند امام حسن عسکری امام یازدهم شیعیان - معرفی کرد.

۱- ملل و نحل شهرستانی ۷/۲، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۲۲۰

۲- غیبت شیخ طوسی ص ۲۲۲ و ۲۲۵ - ۲۲۷ و ۲۸۷.

۳- المهدیه فی الاسلام ص ۴۸.

۴- المهدیه فی الاسلام ص ۱۳۵.

۵- طبقات ابن سعد ۲۴۵/۵، المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۲.

مدعیان دروغین و منسوبین به مهدویت ۱۴۹

و بنوشته فخری بعنوان ابو محمد عبیدالله بن احمد بن اسماعیل از
اعقاب امام جعفر معرفی نمود.

و بنوشته دیگران رشته نسبش غیر از دو رشته مذکور است و بطور
خلاصه در اصل ارتباطش با سادات و بر فرض ثبوتش در چگونگی آن
اختلاف شدید است.

وی در سنه ۲۹۷ هـ بعنوان مهدویت از افریقا بپا خواست و دولت
فاطمیین را تشکیل داد که پس از گذشتن ۲۷۰ سال منقرض گردید.
هم او بود که شهر مهدیه را در یکی از سواحل تونس برقرار کرد و
هم اکنون پرچم فرانسه بر فراز آن در اهتزاز است^(۱).

۱۷- محمد بن عبدالله بن تومرت علوی حسنی معروف به مهدی
هرغی از قبیله مصامده که در جبال اطلس مراکش سکونت داشتند، در
سال ۴۹۷ به مهدویت برخاست و تشکیل سلسله «الموحدین» را داد و
بر اسپانیا استیلا و تسلط یافت^(۲).

۱۸- الناصر لدین الله که از جمله خلفای عباسی و متولد حدود
سنه ۵۵۰ هـ بود، سبط ابن تعاونی وی را بعنوان مهدی منتظر بودن
بدین دو شعر ستوده:

انت الامام المهدی لیس لنا امام حق سواک ينتظر

۱- تاریخ فخری ص ۲۳۷، مقدمه ابن خلدون ص ۳۷۴، اخبار الدول واثار الاول
قرمانی ص ۱۰۹.

۲- تاریخ ابی الفداء ۲/۲۳۲، مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳، مقدمه
ابن خلدون ص ۳۶۶.

تبدو لا بصارنا خلاقاً لان یزعم ان الامام منتظر (۱)

۱۹- مردی به نام عباس فاطمی در پایان قرن هفتم بین ۶۹۰ و ۷۰۰ در میان غمازه خروج کرد و مدعی شد فاطمی منتظر است و جمعیت انبوهی از غمازه براو گرد آمدند و در پایان امر کشته شد (۲).

۲۰- شخصی که معروف به تویزری منسوب به تویزر از نحله صوفیه بود از رباط ماسه خروج کرد و مدعی مهدی فاطمی بودن شد و بسیاری از اهل سوس و غیره بدو گرویدند و کارش آنچنان بالا گرفت که سران مصامده ترسیدند و او را کشتند.

این قضیه در آغاز قرن هشتم - در عصر سلطان یوسف بن یعقوب - بوقوع پیوست (۳).

۲۱- اسحاق سبتی زوی بود که در دوران سلطنت سلطان محمد چهارم از سلاطین عثمانی بسال ۹۸۶ هـ به امر مهدویت قیام کرد و اصولاً ترک و از اهالی از میر بود (۴).

۲۲- شخصی بود که در سنه ۱۲۱۹ هـ در مصر قیام به مهدویت نمود و اصولاً زاده طرابلس بود و طولی نکشید با لشکری که از فرانسه آمده بود بجنگید و با عده‌ای از هواخواهان خود کشته شد (۵).

۲۳- محمد احمد بود که در سال ۱۲۶۰ هـ در سودان قیام نمود و از

۱- المهدیه فی الاسلام ص ۴۸.

۲- مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷، مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳.

۳- مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷.

۴- ترجمه رساله دار مستتر، از محسن جهانسوز.

۵- ترجمه رساله دار مستتر.

قبیله دناقله در جزیره « نبت » مقابل « دنقلا » و بگفته بعضی در « حنک » متولد شده بود (۱).

۲۴- مردی بود که در رباط عبادیه دور او گرد آمدند و بعنوان فاطمی منتظر بودن دیگران را به مهدویت خود دعوت کرد و اصولاً از نسل و نژاد پیامبر ﷺ بود (۲).

۲۵- احمد بن احمد کیال بود که نخست مردم را بمقام امامت خود دعوت کرد، سپس بعنوان مهدویت قیام نمود و طائفه کیالیه را تشکیل داد (۳).

۲۶- محمد مهدی سنوسی فرزند شیخ محمد سنوسی بود که در اواسط قرن نوزده مسیحی از مغرب زمین برخواست و قبل از مرگ با اشاره باینکه خود او مهدی منتظر نیست بلکه او از این پس خواهد آمد نفی مهدویت خویش نمود و شاید مقصودش از خبر آمدن بعد از این، قیام پسرش بود (۴).

۲۷- میرزا غلام احمد قادیانی بود که در اوائل قرن نوزده میلادی سنه ۱۸۲۶ از پنجاب هندوستان قیام کرد و با سیکهای آن سرزمین بر مبنای ادعای نبوت بجنگید و فرقه قادیانی را که هم اکنون دارای پیروانی در هند است تشکیل داد (۵).

۱- مجله الهلال سال ۴ شماه ۱۷، ص ۶۴۴ و سال ۷ شماره ۶.

۲- مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷.

۳- ملل و نحل شهرستانی ۱۷/۲.

۴- الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۴.

۵- الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳، ظاهرة الغيبة و دعوی السفاره ص ۳۰۰ -

۲۸- سید احمد پسر محمدباریلی بود که او را مهدی وهابی نیز گویند، تولدش بسال ۱۲۲۴ در یکی از شهرهای هندوستان به نام «بریلی» اتفاق افتاد، پس در خلال نیمه اول از سده سیزده از بین فرقه وهابی در هند قیام به نشر آن مذهب سخیف نمود و به عنوان یکی از اولاد امام حسن بن علی (امام دوم شیعیان) خود را شهرت داد سپس بر علیه هندوها و سیک‌های پنجاب هند اعلام جنگ نمود و با برافروخته شدن آتش جنگ مغلوب و کشته شد و بالاخره با تبلیغاتی که داشت و انتشار می داد زمینه برای قیام احمد قادیانی نامبرده مستعد و موجبات نفوذ برای وی بیشتر فراهم شد^(۱).

۲۹- علی محمد شیرازی معروف به باب پسر میرزا رضای بزاز شیرازی و متولد همان شهر بسال ۱۲۳۵ از زنی به نام خدیجه بود، وی از کمالات علمی و ادبی جز زبان فارسی که در شیراز نزد معلمی به نام شیخنا آموخته بود و مقدار کمی هم صرف و نحو خوانده بود بهره دیگری نداشت و بیشتر اهتمام در رشته ریاضت و انجام امور شاقه به منظور تسخیر جن و روحانیات داشت و بالاخره پس از مدتی بسر بردن در بندر بوشهر رفته رفته دچار خشکی دماغ و خستگی مغز گردید، پس از بوشهر به کربلا رفت و از تابعین شیخ احمد احسائی شد و با سید کاظم رشتی که از شاگردان و مروجین احسائی بود و در بافندگی و جاهم

۳۷۰، المهدیه فی الاسلام ص ۲۷۰، مفتاح باب الابواب ص ۷۷.

۱- دائرة المعارف الاسلامیه ج ۱ ص ۴۹۶، المهدیه فی الاسلام ص ۲۶۸، مفتاح باب الابواب ص ۶۹.

اندازی اباطیل و خرافات مهارتی بسزا داشت مصاحبت نمود^(۱)، پس از فوت احسائی و سید کاظم رشتی به شاگرد دیگر احسائی حاج کریم خان (مؤسس فرقه ضالّه شیخیه که عنوان رکن رابع بودن را مطرح نمود) پیوست، و نخست به عنوان باب او و خلیفه الخلیفه سر برافراشت و چون آوازه‌اش بلند شد و قدری بر سر زبانها افتاد خود را به باب مهدی منتظر معرفی نمود.

سپس دم از استقلال و مهدویت زد و چون متوجه شد به قول عوام «خر فراوان است» و مریدانی از خود جاهل تر و احمق تر به دورش گرد آمدند دعوای نبوت را مطرح نمود و بافته‌هایی را - به عنوان وحی الهی و آیات آسمانی که خالی از معنا و عاری از قانون ادب و محاوره و برخلاف منطق و در حقیقت بهترین سند حماقت و فساد عقلی او و پیروانش بود - انتشار داد و در پایان جنون او شدت یافت و هوس خدائی و الوهیت پیدا کرد که کتاب «البیان» وی بهترین شاهد و بیانگر کفریات اوست.

توضیحا چون سیاست اجانب پشتیبانی از وی را مقتضی دید با نفوذی که در داخله مملکت ایران داشت موجبات تقویت و گسترش فساد او را با هزینه تبلیغاتی و جلوگیری از تعرض دیگران بر عهده گرفت تا آنجا که با تحلیل هرگونه حرامی و آزادی در ارتکاب هرگونه

۱- جهت آگاهی بر هویت سید کاظم رشتی و نقش او در گسترش فرقه بهائی گری رجوع شود به کتاب ظاهرة الغیبة و دعوی السفارة، میرزا محسن آل عصفور بحرینی ص ۲۴۷ - ۳۰۰ چاپ قم

بدعت و عمل نامشروع عده‌ای از عوام الناس و افراد سفله و بی‌بند و بار فریب او را خوردند و بدو پیوستند.

در آغاز امر علما و روحانیون آن عصر بخاطر راه و رسم جنون آمیزی که از وی به نمایش درآمد از حکم به قتل او خودداری و استنکاف نمودند و چون هر روز شرازه‌های فتنه او گسترش مییافت، بمنظور جلوگیری از شرش و مصونیت مردم از آتش فتنه و بیراهه‌بری وی لازم دانستند حکم قتلش را صادر نمایند همچنانکه فتوی به کفر و نجس بودن بهائی‌ها و ممنوعیت ازدواج با آنها را صادر نمودند. از طرفی هم چون فتنه او مقام سلطنت را تهدید می‌کرد حکم قتلش عملاً تأیید و با به دار آویختن و اعدامش معلوم شد او هم یکی از مهدی‌های دروغین بود که نخست بدست عوامل روس رشد و پرورش یافت و بعد از موجودیت او که کانون فساد از آب درآمد انگلیسی‌ها از وی بهره‌برداری نمودند و بالاخره ملیونها نفر مسلمان ضعیف و خوش‌باور را از اسلام و تشیع جدا کرده گرایش به کفر دادند^(۱).

آری متأسفانه - با اینکه بر اثر سقوط شاه طرفدار آنها و برقراری جمهوری اسلامی و برجیده شدن بساط سلطنت که یک بُعدش سوء استفاده هرچه بیشتر بهائی‌گری از قدرت آن بود بساط آزادی و رسمیت

۱- دائرة المعارف اسلامیة ۴۹۶/۱، المهدیه فی الاسلام ص ۲۶۸، مفتاح باب الابواب ص ۶۹، نصایح الهدی بلاغی، اسرار العقاید میرزا ابوطالب شیرازی چاپ ۱۳۲۴ در نوبت دوم و دهها کتاب دیگر در ردّ بهائی‌گری که اکثراً چاپ و منتشر گردیده، جهت آگاهی بر فهرست اسامی ۸۷ جلد کتاب در رد آنها مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی (عج) تألیف آقای علی اکبر مهدی‌پور ص ۸۱۷ - ۸۲۰.

بهایائی گری در ایران برچیده شد - هنوز این رشته باطل کم و بیش سر دراز دارد و از طریق عوام فریبی در گوشه و کنار بدین روش باطل کفر آمیز ادامه می دهند.



و اما کسانی که در عصر ائمه اطهار علیهم السلام به دروغ مدعی باییت و نیابت و سفارت از طرف حضرت بقیه الله محمد بن الحسن العسکری عج شدند، پس محدث عالیقدر شیعه شیخ طوسی تعداد هشت نفر را معرفی نموده که ما بخاطر اختصار به ذکر نام آنها بسنده کرده و خواستاران شرح حال تفصیلی آنها را به کتاب «الغیبة» محدث نامبرده ارجاع می دهیم:

۱- ابو محمد حسن معروف به شریعی از اصحاب امام هادی و امام عسکری بود که به دعوای باییت از ناحیه حضرت مهدی برخواست و از آن ناحیه تویق در لعن وی صادر گردید.

۲- محمد بن نصیر نمیری .

۳- احمد بن هلال کرخی .

۴- ابوطاهر محمد بن علی بن بلال .

۵- حسین بن منصور حلاج صوفی که ابوالقاسم بن روح یکی از وکلای امام زمان در عهد غیبت صغری به امر امام دستور مهدور الدم بودنش را صادر نمود، نیز بحکم علما تکفیر شد، اما در نظر صوفیه

دست کمی از مقام نبوت نداشته و ندارد بلکه دعوی خدائی هم از وی سرزد و بالاخره محکوم به اعدام شد. [خیراتیه ج ۱ ص ۱۵۹ - ۱۶۱]

۶- ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزاقر.

۷- ابوبکر بغدادی برادر زاده محمد بن عثمان عمری (نایب دوم از

نواب اربعه حضرت مهدی).

۸- ابودلف - رفیق ابوبکر بغدادی - (۱).

در پایان این مقال توجه خوانندگان را بدین نکته جلب و یادآور می‌شویم که از بررسی احوال نامبردگان و کسانی که پیروی از آنها می‌کردند یا مهدویت را به کسی که خود مدعی نبود نسبت می‌دادند معلوم و محقق می‌شود که اصل موضوع مهدویت در اسلام و عقیده به ظهور و قیام مهدی موعود و برقرار شدن انقلاب اسلامی جهانی و عدل و داد سراسری بدست او پدیده یک سلسله آیات شریفه قران و فرموده‌های پیامبر اکرم و بعضی از صحابه الهام گیرنده از ان حضرت است که مورد اتفاق سنی و شیعه می‌باشد، و بر اساس همین آیات و احادیث و پیشگوییها و هشدارها بود که مردم از باستان زمان آماده برای ظهور مهدی موعود منتظر و چشم براه او بوده‌اند و مهدی‌های دروغین و نواب‌های قلابی و ادعایی هم از این رهگذر سوء استفاده نموده و بعنوان مهدی و نایب مهدی قیام نموده و هر دسته و گروهی فریب یکی از اینها را خورده و به پیروی و ترویجش می‌شتافتند

پس اگر عنوان مهدویت اصالت اسلامی نداشت نه مدعیان دروغین می توانستند آن را مطرح و وسیله تجمع عوام به دور خود قرار دهند، و نه عوام و پیروان مهدی های ادعایی سرنخی در دست داشتند که بدانها معتقد و علاقمند شوند و از آنان پیروی نمایند.

بطور خلاصه اصالت مهدویت و ریشه گرفتن آن از ناحیه شخص پیغمبر صلی الله علیه و آله بود که فریب دهندگان آن را سرنخ دعوی مهدویت قرار دادند و فریب خوران هم آن را سرنخ گرایش به مهدی های ادعایی و دروغین قلمداد نمودند و کار هر دو دسته به کفر و جدایی از اسلام راستین منتهی شد.

کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید
یا آن را تکذیب کند و دروغ انگارد ،
بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده

از جمله فرموده های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با مهدی منتظر و
خروج آن حضرت این دو حدیث است که هر یک بیانگر کفر کسی باشد
که ظهور و خروج او را انکار یا حضرتش را تکذیب نماید:
۱- عن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله (ص): «من انكر خروج
المهدي فقد كفر بما انزل على محمد...»

۲- «... و من كذب المهدي فقد كفر»

و اما مصادر نقل آنها پس بدین قرار است:

۱- «فوائد الاخبار»

ابوبکر احمد بن محمد اسکافی یا اسکاف (۲۶۰) به نقل مصادر

مورد اشاره ذیل

۲- «جمع الاحادیث الواردة فی المهدي»

حافظ ابوبکر بن خيثمه - احمد بن زهير بن حرب نسائی (۲۷۹) به

نقل سيد محمد صدیق قنوجی بخاری در «الاذاعة...» ص ۱۳۷

۳- «معانی الاخبار»

ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی بخاری (۳۸۰) نیز بنقل مصادر ذیل

۴- «روض الانف و شرح السیره».

ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی (۵۸۱) ج ۲ ص ۴۳۱ از مالک بن انس

از محمد بن منکدر از جابر

۵- «عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر»

یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (۶۸۵) ص ۱۵۷ به نقل از «فوائد

الاخبار» از اسکافی و «شرح السیره» ابوالقاسم سهیلی.

۶- «فوائد السمطین»

شیخ ابراهیم بن محمد حموینی (۷۳۰) ج ۲ ص ۳۳۴ شماره ۵۸۵

به نقل از ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی - مؤلف «معانی الاخبار»

۷- «لسان المیزان»

ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) ج ۵ ص ۱۴۷ چاپ مصر و ص ۱۳۰

چاپ حیدرآباد به نقل از «معانی الاخبار» کلاباذی

۸- «العرف الوردی فی اخبار المهدی»

جلال الدین سیوطی (۹۱۱) ص ۱۶۱ بنقل از «فوائد الاخبار» اسکافی،

۹- «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»

ابن حجر شافعی مکی (۹۷۴) ص ۵۶ عکس نسخه خطی مکتبه

ظاهریه شام در کتابخانه آیت الله مرعشی قم بنقل از فوائد الاخبار

اسکافی و شرح السیره ابوالقاسم سهیلی

۱۰- نیز در «الفتاوی الحدیثیه»

۱۶۰ اصالت مهدویت در اسلام

ابن حجر مکی ص ۳۷ و برحسب چاپ مندرج در الامام المهدی
ص ۳۳۲

۱۱- «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان»

متقی هندی (۹۷۵) پایان باب سیزدهم کتاب، بنقل از یحیی بن
محمد حنیفی ضمن فتوای او (در ردّ مهدی دروغین جونپوری) صادر
در سنه ۹۵۲ هـ.

۱۲- «لوانح الانوار الالهیه...»

شیخ محمد بن احمد سفارینی حنبلی (۱۱۸۸) ج ۲ بخش ویژه
حضرت مهدی تحت عنوان «فائدة الخامسة» بنقل از حافظ اسکافی
(مؤلف فوائد الاخبار) از جابر بن عبدالله با تعبیر به مرضی و پسندیده
بودن سند آن.

۱۳- «ینابیع الموده»

سلیمان بن ابراهیم قندوزی (۱۲۹۴)، آغاز باب ۷۸ بنقل از جابر بن
عبدالله انصاری

۱۴- «الاذاعه لما کان و ما یكون بین یدی الساعة»

سید محمد صدیق قنوجی بخاری (۱۳۰۷) ص ۱۳۷ بنقل از
«جمع الاحادیث الواردة فی المهدی» ابن خیثمه و «فوائد الاخبار»
اسکافی

۱۵- «المهدی المنتظر»

ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق مغربی ادریسی (۱۳۰۸)
ص ۹۴، به نقل از «فوائد الاخبار ابوبکر اسکافی»

فهرست ٦٧ متن حدیثی ، تاریخی و کلامی پیرامون
حضرت مهدی منتظر (عج) مندرج در کتاب
«الامام المهدي عند أهل السنة»

الجزء الأول:

- ١- المصنف لعبدالرزاق بن همام (المتوفى ٢١١)
- ٢- مصنف للحافظ عبدالله بن محمد بن ابى شيبة الكوفى (٢٣٥)
- ٣- السنن لابن ماجه القزوينى (٢٧٣)
- ٤- السنن لأبى داود السجستانى (٢٧٥)
- ٥- السنن للترمذى (٢٩٧)
- ٦- البدء و التاريخ للمقدسى (بعد ٣٥٥)
- ٧- المعجم الكبير للطبرانى (٣٨٨)
- ٨- معالم السنن لأبى سليمان الخطائى (٣٨٨)
- ٩- مستدرک الصحيحين للحاكم النيشابورى (٤٠٥)
- ١٠- فردوس الاخبار لشيرويه بن شهردار الديلمى (٥٠٩)
- ١١- مصابيح السنة للبعغوى (٥١٠-٥١٦)
- ١٢- جامع الاصول لابن أثير الجزرى (٦٠٦)
- ١٣- الفتوحات المكية لمحي الدين بن عربى (٦٣٨)

- ١٦٢ اصالت مهدويت در اسلام
- ١٤ - مطالب السنول لابن طلحة الشافعي (٦٥٢)
- ١٥ - تذكرة خواص الأمة لسبط ابن جوزي (٦٥٤)
- ١٦ - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد (٦٥٥)
- ١٧ - مختصر سنن أبي داود للمذري (٦٥٦)
- ١٨ - البيان في اخبار صاحب الزمان لمحمد بن يوسف الكنجي الشافعي (٦٥٨)
- ١٩ - عقد الدرر في اخبار المنتظر ليوسف بن يحيى المقدسي الشافعي (بعد ٦٥٨)
- ٢٠ - تذكرة القرطبي لمحمد بن أبي بكر القرطبي (٦٧١)
- ٢١ - وفيات الأعيان لابن خلكان الإربلي (٦٨٩)
- ٢٢ - ذخائر العقبي لمحي الدين الطبري (٦٩٤)
- ٢٣ - فرائد السمطين للحموي الخراساني (٧٣٢)
- ٢٤ - مشكاة المصابيح للخطيب التبريزي (٧٣٧)
- ٢٥ - تلخيص «المستدرک حاکم» لحافظ ذهبي (٧٤٨)
- ٢٦ - خريدة العجائب لسراج الدين ابن الوردي (٧٤٩)
- ٢٧ - المنار المنيف لابن قيم الجوزية الحنبلي (٧٥١)
- ٢٨ - الفتن و الملاحم لابن كثير الدمشقي (٧٧٤)
- ٢٩ - مودة القربى للسيد علي الهداني (٨٧٦)
- ٣٠ - شرح المقاصد لسعد الدين التفتازاني (٧٩٣)
- ٣١ - مجمع الزوائد لنور الدين الهيثمي الشافعي (٨٠٧)
- ٣٢ - موارد الظمان لنور الدين الهيثمي الشافعي (٨٠٧)

فهرست ٦٧ متن حديثي، تاريخي و كلامي ١٦٣

٣٣- الفصول المهمة لابن الصباغ المالكي (٨٥٥)

٣٤- العرف الوردى للسيوطي الشافعي (٩١١)

٣٥- الأئمة الإثني عشر لابن طولون الدمشقي (٩٥٣)

٣٦- اليواقيت و الجواهر لعبد الوهاب الشعراني (٩٧٣)

٣٧- الصواعق المحرقة لأحمد بن حجر الهيثمي (٩٧٤)

٣٨- الفتاوى الحديثية لأحمد بن حجر الهيثمي (٩٧٤)

٣٩- القول المختصر في مهدي المنتظر . لابن حجر المكي الهيثمي (٩٧٤)

٤٠- كنز العمال لعلاء الدين المتقي الهندي (٩٧٥)

٤١- البرهان في اخبار صاحب الزمان، .. لحسام الدين المتقي الهندي (٩٧٥)

٤٢- مرعاة المفاتيح شرح المصابيح لعلي القاري الحنفي (١٠١٤)

٤٣- أخبار الدول و آثار الأول لأحمد الدمشقي القرماني (١٠١٩)

٤٤- الإشاعة من أشراط الساعة .. لمحمد بن عبدالرسول البرزنجي (١١٠٣)

٤٥- فتح المنان شرح الفوز و الامان لأحمد بن علي الميني (١١٧٣)

الجزء الثاني:

٤٦- لوائح الأنوار الإلهية لشمس الدين السفاريني (١١٨٨)

٤٧- اسعاف الراغبين لمحمد الصبان الشافعي (١٢٠٦)

٤٨- ينابيع الموده لسليمان القندوزي (١٢٧٠)

٤٩- نور الابصار للسيد مؤمن الشبلنجي (بعد ١٢٩٠)

١٦٤ اصالت مهدويت در اسلام

٥٠- مشارق الانوار للشيخ حسن الخمرأوي المصري (١٣٠٣)

٥١- الاذاعة لما كان و ما يكون ... للسيد محمد صديق القنوجي (١٣٠٧)

٥٢- القطر الشهدي في أوصاف المهدي ... لشهاب الدين الحلواني (١٣٠٨)

٥٣- العطر الوردي في شرح القطر ... لمحمد البليسي الشافعي (١٣٠٨)

٥٤- غالية المواعظ لخير الدين الالوسي الحنفي (١٣١٧)

٥٥- فيض القدير شرح الجامع الصغير لعبد الرؤف المناوي (١٠٣١)

٥٦- عون المعبود شرح سنن أبي داود لشمس الحق

العظيم آبادي (المتولد ١٢٣٧)

٥٧- نظم المتناثر لمحمد بن جعفر الكتاني (١٣٤٥)

٥٨- تحفة الأحوزي لمحمد عبدالرحمن المباركفوري (١٣٥٤)

٥٩- نظرة في أحاديث المهدي .. لشيخ الأزهر محمد الخضر حسين (١٣٧٧)

٦٠- التاج الجامع للاصول للشيخ منصور علي ناصف (١٣٧١)

٦١- إبراز الوهم المكنون لأحمد بن صديق المغربي (١٣٨٠)

٦٢- المهدي المنتظر لابن صديق البخاري الغماري (١٣٨٠)

٦٣- حول المهدي للشيخ ناصر الدين الآلباني (المعاصر)

٦٤- عقيدة أهل السنة ... للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر)

٦٥- ذيل «عقيدة أهل السنة» للشيخ عبدالعزيز بن باز (المعاصر)

٦٦- الرد على من كذب بالأحاديث المهدي للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر)

٦٧- عقيدة المسيح الدجال لسعيد ايوب (المعاصر)

فتوای چهار نفر از فقهای مذاهب اربعه سنّی درباره

منکرین مهدی منتظر عج

نظر به اینکه در اوائل سده دهم هجری شخصی بنام محمد جونپوری با فریب دادن مردم عوام سنّی به عنوان مهدی منتظر در سرزمین هند قیام کرد و گروهائی از عوام فریب خور بدو گرویدند و بالاخره کم کم موضوع مهدویت او مسئله آفرین شد، اهل تسنن از چهار نفر از علمای سنّی درباره شخصیت مهدی و مهدویت جونپوری استفتاء و نظرخواهی شرعی نمودند.

آنها هم با تکیه و استناد به احادیثی که بیانگر علائم ظهور مهدی موعود منتظر است و شخص مدعی مهدویت هم فاقد شرایط امامت بود و هم ظهورش غیر مقرون به علائم ظهور حضرت مهدی، او را تخطئه و رد نموده و حتی خود و پیروانش را - بر اساس بیراهه روی و تکفیر مسلمانان مخالف با وی - تکفیر و محکوم به ارتداد و اعدام کردند.

اکنون ما بخاطر رعایت اختصار از ذکر متون آن فتاوی معذرت خواسته ولی در رابطه با موضوع بحث که در رد و رهنمون منکران حضرت مهدی و تخطئه کنندگان احادیث پیرامون آنحضرت خلاصه می شود خواستاران آنرا به کتاب «البرهان» متقی هندی (باب سیزدهم)

۱۶۶ اصالت مهدویت در اسلام

که در رد محمد جونپوری و مشتمل بر فتاوی مذکور است ارجاع می‌دهیم تا خود با ملاحظه آن فتاوی پی به واقع امر و مخالفت جدی علمای سنی با منکرین آنحضرت ببرند و در شناخت مهدی راستین اسلام از مهدی‌های دروغین هر عصر و زمانی دچار اشتباه نشوند.

مهدی فقیه ایمانی

رمضان المبارک ۱۴۱۷

فهرست

- مهدی منتظر علیه السلام و نخستین مطرح کننده آن در اسلام ۵
- ردّیه‌های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب
کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت را ۱۳
- برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر علیه السلام از عالی‌ترین درجه
اصالت اسلامی ۱۷
- تذکر ۱۹
- حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» ۲۵
- بخش اول ۲۷
- بخش دوّم ۲۸
- اسامی راویان حدیث «من مات ولم يعرف...» و احادیث مشابه ۴۷
- بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر (عج) .. ۴۹
- صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر علیه السلام در منابع
اهل تسنّن ۵۰
- معتبرین به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر علیه السلام ... ۵۵
- معتبرین به صحّت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر علیه السلام ۶۳
- مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله است ۶۷
- مهدی موعود منتظر حسینی و از فرزندان امام حسین بن علی علیه السلام است نه

۱۶۸ اصالت مهدویت در اسلام

- ۷۳ حسنی و از فرزندان امام حسن بن علی علیه السلام
- معترفین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی علیه السلام از نسل فاطمه
- زهرا علیها السلام و امام حسین بن علی علیه السلام در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری ۷۹
- اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد و بیست نفر از علمای سنی به
- فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی و لوازم آن ۹۹
- تعداد ۱۵۲ اثر تألیفی (کتاب، رساله، مقاله) علما و دانشمندان
- اهل تسنن درباره حضرت مهدی (عج) ۱۰۱
- مدعیان دروغین مهدویت و کسانی که بدروغ نسبت مهدویت بدانها
- داده شده ۱۴۴
- کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید یا آن را تکذیب کند و
- دروغ انگارد، بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده ۱۵۸
- فتوای چهار نفر به کفر منکران مهدی منتظر یا احادیث پیرامون آن ۱۶۵

فهرست ٦٧ متن حدیثی ، تاریخی و کلامی پیرامون
حضرت مهدی منتظر (عج) مندرج در کتاب
«الامام المهدي عند أهل السنة»

الجزء الأول:

- ١- المصنف لعبدالرزاق بن همام (المتوفى ٢١١)
- ٢- مصنف للحافظ عبدالله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي (٢٣٥)
- ٣- السنن لأبن ماجه القزيني (٢٧٣)
- ٤- السنن لأبي داود السجستاني (٢٧٥)
- ٥- السنن للترمذي (٢٩٧)
- ٦- البدء و التاريخ للمقدسي (بعد ٣٥٥)
- ٧- المعجم الكبير للطبراني (٣٨٨)
- ٨- معالم السنن لأبي سليمان الخطابي (٣٨٨)
- ٩- مستدرک الصحيحين للحاكم النيشابوري (٤٠٥)
- ١٠- فردوس الاخبار لشيرويه بن شهر دار الديلمي (٥٠٩)
- ١١- مصابيح السنة للبغوي (٥١٠-٥١٦)
- ١٢- جامع الاصول لأبن أثير الجزري (٦٠٦)
- ١٣- الفتوحات المكية لمحي الدين بن عربي (٦٣٨)